

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روئیای امامت

خلاصہ کتاب خوانما، باکمی اضافات

تقدیر بیان احمد احسن (۳/۱)

سید مہدی مجتہد سیستانی

سرشناسه	: مجتهد سیستانی، سیدمهدی، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: رویای امامت: خلاصه کتاب خوابها با کمی اضافات... / سیدمهدی مجتهدسیستانی.
مشخصات نشر	: قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فنیبا
موضوع	: خواب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام -- احادیث
موضوع	: Hadiths -- Sleep -- Religious aspects -- Islam :
موضوع	: خواب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام -- احادیث
موضوع	: Hadiths -- Sleep -- Religious aspects -- Islam :
موضوع	: خوابگزاری -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: -- Religious aspects -- Islam :
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ۹۰۱۷ خ ۳ م / ۲۳۲ / ۶۵ BP :
رده بندی دیویی	: ۲۹۷ / ۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۶۳۷۱۵



روایای امامت

مولف: سید مهدی مجتهد سیستانی

ناشر: دارالتفسیر

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۷ / اول

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپخانه: نینوا

شابک: ۱- ۵۱۷-۵۳۵-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان



انتشارات دارالتفسیر

قم: خیابان معلم

میدان روح الله

انتشارات دارالتفسیر

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۱۲

فهرست

۷	 مقدمه
۹	 فصل اول
۱۱	 فصل اول: دانستنی‌هایی درباره خواب
۱۱	 (۱) حقیقت خواب
۱۲	 (۲) اقسام خواب
۱۳	 (۳) تسلط شیطان بر خواب سازی
۱۷	 (۴) شرایط و موانع رؤیای صادقه
۳۱	 فصل دوم
۳۳	 فصل دوم: حجیت خواب
۳۴	 رابطه رؤیای صادقه با حجیت خواب
۳۵	 ادله حجیت خواب
۳۹	 بخش اول) حجیت خواب در قرآن
۸۳	 بخش دوم) حجیت خواب در روایات

روایات مخالف	۱۱۵
بخش سوم) حجیت قول معصوم در خواب	۱۱۷
دو مقدمه	۱۱۷
اعمال خواب	۱۴۴
بخش چهارم) تواتر معنوی حجیت خواب	۱۴۶
چند شبهه	۱۴۸
شبهه اول: قبول ایمان با خواب	۱۴۸
شبهه دوم: سیره متشرعه	۱۴۹
شبهه سوم: تنها راه ارتباطی اهل بیت علیهم السلام	۱۵۱
بخش پنجم) حجیت رؤیا در خصوص شناخت قائم	۱۵۲

مقدمه

... از محمد بن عبد الله قحطانی پرسیدم: تو یقین داری مهدی هستی؟
پاسخ داد: اوائل یقین نداشتم تا اینکه خوابهایی که من را مهدی می‌دیدند زیاد
شد و کم کم دانستم مهدی هستم.^۱

احمد اسماعیل: ماجرای دیدار من اینست که شبی از شبها رؤیایی در
خواب دیدم؛ گویی امام مهدی علیه السلام کنار درب نزدیک به ضریح سید محمد
برادر امام حسن عسکری ایستاده بود و به من امر می‌کرد به دیدارش بروم.^۲
تمسک به ادله سست و تاویلات و توجیهات، کار هر فرقه منحرف از
طریق حق است که از جمله آن فرقه‌ها، گروهک مدعی یمانی می‌باشد که به
امامت کسی به نام احمد بصری به عنوان امام سیزدهم و قائم موعود اعتقاد
دارند.

در این میان یکی از ادله‌ای که آنها بدان اهمیت ویژه می‌دهند خوابهایی
است که پیروان این فرقه درباره حقانیت احمد می‌بینند که از نظر محتوا بسیار با
یکدیگر متفاوت است.

خوابهایی که این فرقه آنها را نص مباشر الهی و همان صیحه جبرائیلی برای

۱ . شناخت نقد و بررسی کلامی جریان های انحرافی مهدویت ص ۱۸۴ به نقل از ناصر الحزیمی

۲ . بیان قصة اللقاء ص ۱۵

معرفی قائم بر حق می‌دانند و با تاویلات و توجیهات سبک به جنگ ادله و روایاتی می‌روند که عدم حجیت خواب را به صورت عمومی اثبات می‌نماید. نگارش پیش رو به نام «رؤیای امامت»، خلاصه ای از کتاب جامع «خوابنما» پیرامون بررسی ادله حجیت خواب است که برای مطالعه آسانتر به صورت مختصر به خوانندگان عزیز هدیه می‌شود. امید آنکه این خدمت ناچیز مورد قبول صاحب غیبت کبری حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد و با آمدنش به هر چه انحراف است پایان دهد.

آمین یا رب العالمین

سید مهدی مجتهد سیستانی

فصل اول

دانستی هایی درباره خواب

فصل اول: دانستنی‌هایی درباره خواب

(۱) حقیقت خواب

در زبان فارسی بین کلمه خواب و رؤیا تمایز روشنی وجود ندارد ولی در اصل، خواب، عملی است که رؤیا در آن اتفاق می‌افتد.

در زبان عربی، رؤیا از ماده رؤیت به معنای دیدن می‌باشد، و لفظ «نوم» و «مَنام» به معنای خواب استفاده می‌گردد. اما در قرآن لفظ «أَحْلَام» جمع «حُلْم» و «حُلُم» نیز به کار رفته است که طبق تصریح لغت عرب، رؤیا و حُلْم، هر دو به معنای چیزی هستند که در خواب دیده می‌شود لکن رؤیا غالباً در مورد خواب‌های خوب و خیر به کار می‌رود و حُلْم و حُلُم درباره خواب‌های بد و شر.^۱

و اتفاقاً همین حقیقت در بعضی احادیث بیان شده است که رؤیای صالحه از جانب خدا و حُلْم از جانب شیطان می‌باشد: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ وَ الْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۲ و: «الرُّؤْيَا مِنَ اللَّهِ وَ الْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ».^۳

۱. الرُّؤْيَا وَ الْحُلْمُ عبارة عما يراه النائم في نومه من الأشياء، لكن غلبت الرؤيا على ما يراه من الخير و الشيء الحسن، و غلب الحُلْم على ما يراه من الشر و القبيح. ويستعمل كل واحد منهما موضع الآخر، و تضم لام الحُلْم و تسكن. النهاية في غريب الحديث و الأثر ج ۱ ص ۴۳۴، و: إن غير الصالحة تسمى الحلم. مجمع البحرين ج ۱ ص ۱۶۸

۲. عدة الداعي و نجاح الساعي ص ۲۷۸

۳. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۱ به نقل از کتاب التبصرة لعلى بن بابويه.

در قرآن نیز لفظ "رؤیا" تنها درباره خوابهای راست و لفظ "احلام" تنها درباره خوابهای آشفته و باطل به کار رفته است. و ما در ادامه، معیارهای خواب راست و آشفته را بیان خواهیم کرد.

آنچه از روایات بدست می‌آید اینست که حقیقت خواب، نشأت گرفته از پرواز روح به خارج از بدن است و آنچه وی هنگام پرواز در عوالم مختلف می‌بیند، تشکیل دهنده تصاویری است که در خواب مشاهده می‌نماید.

۲) اقسام خواب

خواب از چهار جهت قابل تقسیم بندی است: حالت خواب^۱، عمق خواب^۲، ارتباط عالم خواب با عالم بیداری و بر عکس، و محتوای خواب که خود دارای چهار بُعد می‌باشد و چهارمین بُعدش درست بودن و درست نبودن رؤیاست.

توضیح آنکه: همه انسانها این واقعیت را تجربه کرده اند که:

۱. بعضی خوابها واضح است و بعضی دیگر آشفته و به هم ریخته؛

۲. برخی از خوابها راست هستند و برخی دروغ؛

۱. من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۵، الکافی ج ۱ ص ۵۱۴ ح ۲۷، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۲۴۶، علل الشرائع ج ۲ ص ۵۹۷.

۲. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ». بقره: ۲۵۵، «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ». انفال: ۱۱، «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا». نبا: ۹

دانستی‌هایی درباره خواب ۱۳۱

۳. منشأ بعضی خوابها کاملاً روشن است مثل انعکاس فکرها، حرفها یا صحنه‌های طول روز یا تب شدید یا پرخوری و بدخوری، و بعضی اینگونه نبوده و معلوم نیست چرا چنین خوابی دیده است؛

۴. محتوای بعضی خوابها دنیوی و محتوای بعضی دیگر دینی و اخروی است؛

۵. قسمی از خوابها الهی و برای تشویق به نیکوکاری یا ترساندن از معصیت کاری است و بعضی دیگر خوابهای شیطانی و شهوانی و برخی دیگر نه الهی و نه شیطانی.

تقسیم خواب به صادق و کاذب و نیز حجت و غیر حجت در ذیل این بُعد صورت می‌پذیرد.

۳) تسلط شیطان بر خواب سازی:

طبق بیان روایات فراوان، شیطان این سلطه را دارد که برای بعضی انسان‌ها خوابی به تصویر بکشد. البته خوابهای شیطانی گاهی توسط شیطان ایجاد می‌شود و گاهی توسط اجنه‌ای که جزء لشکر او هستند، در حالیکه خوابهای الهی توسط ملائکه و به دستور خدا حادث می‌شوند.

برخی از این روایات عبارتند از:

الف) هر رؤیای صادقه‌ای از جانب ملائکه و هر رؤیای دروغی مسبب از جن است: «فَمَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةِ فَمِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْمَا كَانَ مِنَ الرُّؤْيَا

الْكَاذِبَةُ فَمِنْ الْجِنِّ».^۱

ب) ابلیس، شیطانی به نام "هَزَع" دارد که در خواب مردم می‌آید و او عامل خواب های آشفته است: «إِنَّ لِابْلِيسَ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ هَزَعٌ يَمْلَأُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ يَأْتِي النَّاسَ فِي الْمَنَامِ وَلِهَذَا يُرَى الْأَضْغَاثُ».^۲

ج) شیطانی به نام "زها" هست که مومنین را در خواب شان آزار می‌دهد توسط چیزهایی که آنها را غمگین می‌کند: «شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ الزَّهَّا [الرُّهَّا] ... وَ يُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ فِي نَوْمِهِمْ مَا يَغْتُمُونَ بِهِ».^۳

د) ابلیس شیطان کمک کننده ای دارد به نام "تمریخ" (تمریج) که شب ها همه جا را فرا می‌گیرد: «إِنَّ لِابْلِيسَ عَوْنًا يُقَالُ لَهُ تَمْرِيخٌ إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ مَلَأَ مَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ».^۴

البته در این روایت نگفته که تمریخ برای وسوسه در بیداری مامور است یا در خواب، ولی به قرینه شبکار بودنش و اینکه همه جا را فرا می‌گیرد احتمال این

۱. مناقب آل أبي طالب (لابن شهر آشوب) ج ۲ ص ۳۵۷. البته ظاهراً مراد از روایای صادقه در اینجا خوابهای الهی می‌باشد نه اعم از الهی و طبیعی، و یا اگر شامل هر دوست از این جهت است که در روایای صادقه ی طبیعی، ملائکه از صعود روح به آسمان جلوگیری نمی‌کنند.

۲. الأُمالي (للصدوق) ص ۱۴۶

۳. تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۵۶

۴. فی «د، جد» و شرح المازندرانی والوافی: «تمریخ»، و فی «بن، جت»: «تمریخ».

۵. الکافی ج ۸ ص ۲۳۲ ح ۳۰۴

هست که مامور خواب باشد.^۱

ه) در روایت دیگری به سلطه شیطان بر خواب سازی برای انسان تصریح شده است: امام صادق علیه السلام فرمودند: خوابی که انسان در دو سوم اول شب می‌بیند در سلطنت جن‌های طغیانگر فاسق است و برای همین دروغ و باطل می‌باشد...:

«... أَمَّا الْكَاذِبَةُ الْمُخْتَلِفَةُ، فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرَاهَا فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ فِي سُلْطَانِ الْمَرْدَةِ الْفَاسِقَةِ، وَإِنَّمَا هِيَ شَيْءٌ يُخَيَّلُ إِلَى الرَّجُلِ وَهِيَ كَاذِبَةٌ مُخَالَفَةٌ، لَا خَيْرَ فِيهَا؛ وَأَمَّا الصَّادِقَةُ إِذَا رَاهَا بَعْدَ الثُّلُثَيْنِ مِنَ اللَّيْلِ مَعَ حُلُولِ الْمَلَائِكَةِ...»^۲

و) امیر المومنین علیه السلام به مردی که خواب دیده بود همسرش را سه طلاقه کرده، فرمودند: این از جانب شیطان است: «أَنَّ عَلِيًّا علیه السلام أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ كَأَنِّي طَلَقْتُ امْرَأَتِي ثَلَاثًا فَقَالَ لَهُ إِنَّ ذَلِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ...»^۳

ز) پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: ... زمانیکه شیطان یکی از شما را در خواب به بازی گرفت (خوابهای باطل نشانتان داد) هرگز برای کسی آن خواب را تعریف نکنید:

«بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَخْطُبُ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي رَأَيْتُ كَأَنَّ رَأْسِي قَدْ قُطِعَ وَهُوَ يَتَدَخَّرُ وَأَنَا أَتَّبِعُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تُحَدِّثْ بَلْعَبٍ

۱. للوساوس في المنام. مرآة العقول ج ۲۶ ص ۱۶۹

۲. الكافي ج ۸ ص ۹۱ ح ۶۲

۳. الجعفریات ص ۱۱۲

الشَّيْطَانُ بِكَ ثُمَّ قَالَ إِذَا لَعِبَ الشَّيْطَانُ بِأَحَدِكُمْ فِي مَنَامِهِ فَلَا يَحْدِثَنَّ بِهِ أَحَدًا».^۱
 ح) امام صادق (علیه السلام) درباره کسی که خواب بد دیده و از خواب بیدار شده
 توصیه به خواندن آیه و دعائی فرمودند که مربوط به اقدامات شیطان و پناه بردن
 از شر اوست:

«إِذَا رَأَى الرَّجُلُ مَا يَكْرَهُ فِي مَنَامِهِ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقِّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ نَائِمًا وَ
 لْيَقُلْ إِنَّمَا النُّجُوى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ
 اللَّهِ ثُمَّ لْيَقُلْ عُدْتُ بِمَا عَادَتُ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَآؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ
 الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».^۲

با این وجود، بعضی افراد مساله خواب سازی توسط شیطان را انکار
 می کنند اما همانطور که مشاهده کردید روایات متعدد بر این مساله دلالت دارد.
 عجیب اینکه در روایتی که در تفسیر قمی به تفصیل^۳ و در کتاب کافی به
 اجمال آمده^۴، خوابی از حضرت فاطمه (علیها السلام) درباره اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده که
 از جانب شیطان بوده، و در روایت تفسیر عیاشی نیز از خوابی باطل برای

۱. رسول خدا در حال خطبه خواندن بودند که مردی بلند شد و گفت: من دیدم که انگار سرم قطع شد
 و دور می زند و من به دنبالش می روم. ایشان فرمودند: از بازی دادن شیطان سخن مگو. سپس
 فرمودند: ... کنز الفوائد ج ۲ ص ۶۲

۲. اگر مردی خواب بدی دید از آن طرفی که خوابیده جا به جا شود و بگوید: ... الکافی ج ۸
 ص ۱۴۲ ح ۱۰۶

۳. تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۵۵-۳۵۶

۴. الکافی ج ۸ ص ۱۴۲-۱۴۳ ح ۱۰۷

دانستی‌هایی درباره خواب ۱۷۱

فاطمه علیها السلام سخن گفته شده که موجودی به نام اضغاث آن را به تصویر کشیده بوده^۱ که این شامل دو نکته است: الف) شیطان می‌توانسته برای حضرت فاطمه علیها السلام خواب سازی کند. ب) شیطان می‌تواند صورت واقعی پیامبر و امیر المومنین و حسنین علیهم السلام را در خواب بسازد.

ما علم این روایات را به اهلش وا می‌گذاریم ولی به هر حال، این روایات نیز تسلط شیطان بر خواب سازی را تاکید می‌کنند.

۴) شرایط و موانع رؤیای صادقه:

دیدن خواب راست، شرایطی دارد که بدون وجود آنها نمی‌توان اطمینان کرد رؤیای دیده شده صادقه بوده است. این شرایط شامل مکان خواب، زمان خواب، لباس خواب، حالت خواب و مسائل دیگری می‌شود که در روایات بیان شده است.

توضیح آنکه: رؤیای صادقه شامل خواب طبیعی و خواب الهی می‌باشد؛ رؤیای طبیعی ممکن است برای هر کسی رخ دهد چه کافر و چه مسلمان، چه فاسق و چه متدین، همچنانکه در داستان حضرت یوسف علیه السلام به سه نمونه رؤیای صادقه متعلق به سه کافر اشاره شده است. اینکه رؤیای طبیعی تحت چه شرایطی رخ می‌دهد تفصیل آن برای ما روشن نیست، بر خلاف رؤیای صادقه الهی (به غیر از انذار) که می‌دانیم زمانی رخ می‌دهد که فرد به دور از سلطه شیاطین و

۱. تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۷۸-۱۷۹ ح ۳۱

نزدیک به حالت ملائکه باشد و البته در این میان استثنائاتی نیز وجود دارد که حکمت الهی مقتضی آنهاست. این درحالی است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام از خوابیدن در مکانها، زمانها و حالتیهای سخن گفته شده که مورد سلطه یا توجه اجنه و شیاطین است یا معصومین علیهم السلام از آنها نهی فرموده اند که ترک نهی معصوم نیز باعث دوری ملائکه و نزدیک شدن شیاطین گشته، بستر دیدن رؤیای صادقه را به طور طبیعی منتفی می نماید. همچنین در بعضی روایات از موارد سلطه شیطان و یا چیزهایی خبر داده شده که او دوست دارد و فرشته متنفر است. ما به بعضی از این موارد اشاره می کنیم:

اول) مکان های بد:

الف) مکان تنها^۱

ب) اتفاقی که در آن مجسمه یا تصویر موجود زنده باشد^۲

ج) مکانهایی که مأوای شیطان یا مورد تنفر ملائکه معرفی شده است، مثل خانه ای که نجس و پاکی در آن رعایت نمی شود، خانه ای که در آن چهل روز موسیقی حرام نواخته شده^۳، یا مکان غصبی، یا محل گناه و امثال آن.

۱. الکافی ج ۶ ص ۵۳۳ ح ۱

۲. همان ص ۵۲۶-۵۲۷ ح ۲ و ج ۳ ص ۳۹۳ ح ۲۷، المحاسن ج ۲ ص ۶۱۵ ح ۴۰، الکافی ج ۳ ص ۳۹۳ ح ۲۶ و ج ۶ ص ۵۲۷ ح ۳، من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۴۶ ح ۷۴۳، تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۳۷۷ ح ۱۰۱ و ۱۰۲، المحاسن ج ۲ ص ۶۱۴ ح ۳۸ و ص ۶۱۵ ح ۳۹ و ۴۱، الخصال ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۱۵۵.

۳. همان ص ۴۳۳ ح ۱۴ و ص ۴۳۴ ح ۱۷

دوم) زمانهای بد:

الف) خواب بین طلوعین^۱

ب) خواب اول روز^۲

ج) بین غروب تا مغرب^۳

د) خواب قبل از نماز عشاء^۴

هـ) خوابیدن بین نافله شب تا نماز صبح^۵

و) دو سوم اول شب^۶

ز) خوابیدن از نماز اول وقت^۷

ح) خوابیدن از نماز واجب: اگر کسی قبل از اداء نماز طوری بخوابد که نمازش قضا شود، یا اینکه نماز در حال قضا شدن است اما فرد به جای اقامه نماز بخوابد، چنین خوابی مورد غضب خداوند است و تناسبی با صافیه بودن

۱. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۰۱ ح ۱۴۳۹، بصائر الدرجات ص ۳۴۳ ح ۹، من لا یحضره الفقیه ج ۱

ص ۵۰۲ ح ۱۴۴۱، همان ص ۵۰۴ ح ۱۴۵۰.

۲. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۰۲ ح ۱۴۴۲

۳. همان ص ۵۰۱-۵۰۲ ح ۱۴۴۰

۴. همان ج ۳ ص ۵۵۶ ح ۴۹۱۴، همان ج ۱ ص ۵۰۲ ح ۱۴۴۲

۵. تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۱۳۷ ح ۳۰۲

۶. الکافی ج ۸ ص ۹۱ ص ۶۲

۷. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۸ ح ۶۲۴

ندارد و به همین جهت به آن نوم الشقاوة^۱ یا نوم الغافلین می‌گویند.^۲
والبتّه درباره خوابیدن از نماز عشاء و صبح به طور خاص نهی شده است.^۳
سوم) حالت های بد:
الف) خوابیدن بدون تخلّی^۴
ب) خوابیدن به دست چپ یا روی شکم^۵
ج) خوابیدن بلا فاصله بعد از غذا^۶
د) خواب یکسره^۷
هـ) خوابیدن با دست آلوده به چربی^۸

-
۱. دار السلام ج ۳ ص ۴۶ به نقل از تقویم المحسنین
 ۲. مصباح الشریعة ص ۴۴-۴۵، تحف العقول ص ۳۰۲
 ۳. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۲۱ ح ۶۶۴، علل الشرائع ج ۲ ص ۳۵۶ ح ۳، المحاسن ج ۱ ص ۸۴ ح ۱۹، معانی الأخبار ص ۲۷۱، تهذیب الأحکام ج ۲، ص ۲۶۲ ح ۷۸
 ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۲۹ ح ۶۷
 ۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۲۴۰ ح ۱، الخصال ج ۱ ص ۲۶۳ ح ۱۴۰، علل الشرائع ج ۲ ص ۵۹۷، من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۰۳ ح ۱۴۴۳، الکافی ج ۱ ص ۵۱۴ ح ۲۷، من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۶۵
 ۶. الدعوات (للمراوندي) ص ۷۶ ح ۱۷۸
 ۷. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۰۳ ح ۱۴۴۴، الخصال ج ۱ ص ۸۹ ح ۲۵، الأمالی (للصدوق) ص ۳۵۶ ح ۱، الکافی ج ۳ ص ۴۴۶ ح ۱۸، تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۳۳۴ ح ۲۳۴
 ۸. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۶۹ ح ۲۳۰، و نیز امیر المومنین علیه السلام : علل الشرائع ج ۲ ص ۵۵۷ ح ۱، من لا یحضره الفقیه ج ۴ ص ۶، الکافی ج ۶ ص ۵۳۳ ح ۲

و) خوابیدن با تشویش خاطر^۱

ز) خوابیدن با حال جنابت یا بدون وضو و بدون ذکر خدا^۲

ح) خوابیدن با شکم خالی: در روایات بر خوردن شام تاکید شده و کسی که بدون عذر شام را ترک نماید ملعون معرفی گشته است.^۳

ط) شکم پُری^۴

ی) خوابیدن زیاد^۵

ک) خواب حرام: هر خوابی که به هر علتی حرام یا مقارن با حرام باشد نیز تناسبی با صا‌دقه بودن ندارد مثل خوابیدن در لباس حرام همچون حریر و طلا برای مرد یا لباس شهرت یا لباسی که جلوی نامحرم پوشاننده قسمت های حرام نیست، خوابیدن در لباس غصبی یا دزدی یا لباسی که با مال حرام خریداری شده، خوابیدن برای انجام ندادن امر پدر یا مادر، خوابیدن در حالیکه صاحب حقی حقش را مطالبه می‌کند، خوابیدن از انجام هر واجب. همچنین خوابیدن در حالی که مغضوب درگاه خداوند هستی مثل مستی،

۱. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۰۳ ح ۱۴۴۶

۲. الخصال ج ۲ ص ۶۱۳ و شبیه به این روایت از امام صادق علیه السلام رسیده است: المحاسن ج ۱ ص ۱۷۸ ح ۱۶۳. الکافی ج ۸ ص ۹۱ ح ۶۲

۳. همان ج ۶ ص ۲۸۹ ح ۱۲

۴. عیون الحکم و المواعظ (للشیخ) ص ۹۶ ح ۲۲۱۲، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۳۶۰ ح ۸۱۷۱

۵. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر ص ۱۴۶ ح ۱۶، الکافی ج ۵ ص ۸۴ ح ۱ و ح ۳

با شکم پر شده از حرام، در حال عاق والدین، در حال گرفتاری به آه مظلوم و ... کاملاً مشخص است در چنین حالت هایی که فرشتگان از فرد دوری می کنند بلکه مورد لعنت آنها قرار دارد رؤیای صادقه ای دیده نمی شود، و اگر در تاریخ برای بعضی اشخاص - مثل پادشاهان ستمگر - با وجود یکی از این حالتها رؤیای صادقه ثبت شده، موارد استثنائی بوده که خداوند حکیم صلاح دیده اند و کلیت ندارد.

این مواردی که گفته شد، بر طبق روایات بود، اما غیر از این، دو معیار کلی برای فهم صادقه بودن رؤیا وجود دارد که باید بدان توجه کرد:

۱. اگر خوابی که دیده شده مربوط به رخ دادن حادثه ای در آینده است، صادقه بودنش مشروط به رخ دادن آن واقعه می باشد.

۲. اگر محتوای خواب، موضوعی مربوط به مسائل دین و مذهب باشد مثل معرفی شدن حکم یا موضوع شرعی یا عقیده ای بر خلاف آنچه قبلاً بدان معتقد بوده، صادقه بودن آن منوط به مطابقتش با مذهب حق می باشد که در محکومات قرآن و روایات ثابت و صحیح بیان شده است.

همچنانکه اگر فرد با حالات نفسانی بد به خواب رود رؤیایی که می بیند از صادقه بودن به دور است، از جمله: رؤیا گرای مفرط^۱، فساد عقائد یا عقیده^۲،

۱. یعنی کسی که خیلی به خواب بها می دهد و دائماً دنبال خواب دیدن است.

۲. بدین معنا که یا تمام عقایدش باطل است یا بعضی از آنها.

دانستی‌هایی درباره خواب ۱۲۳۱

انحراف احساسات و عواطف (تحریک شهوت، تحریک غضب، تحریک کینه، وجود حرص، تحریک حسد، غم شدید، خوشحالی شدید)، غلبه مزاج، غلبه عادت غلط^۱. کسانی که با یکی از این حالات به خواب روند به طور طبیعی خوابی که می‌بینند متأثر از اینها بوده و از صادق بودن به دور است.

اما مدعی‌ایمانی معیار دیگری برای صادق و حتی حجت بودن رؤیا مطرح کرده و آن اشتغال خواب بر دیدن معصوم یا قرآن و یا خبر غیبی است.^۲

در حالیکه اثبات اینکه ما معصوم را خواب دیده‌ایم خود نیازمند دلیل و معیار است، و صرف دیدن قرآن معیار صدق نیست چون وقتی سوء استفاده از آیات متشابه و تفسیر به رأی در عالم بیداری در سلطه شیاطین جنی و انسی قرار دارد در عالم خواب هم کاملاً ممکن می‌باشد. همچنانکه صرف خبر غیبی دلیلی بر صدق خواب نیست زیرا هر خبر غیبی ملکوتی و از جانب خدا نمی‌باشد و بهترین شاهد بر این مطلب اخبار شیطان^۳ و کهنه از غیبات مختلف در

۱. مراجعه شود به بلغة الشيعة ص ۱۴۹-۱۵۳

۲. توافر الرؤيا على ما يمنع كونها من الشيطان كوجود معصوم أو قرآن أو إخبار غيبی. عقائد الإسلام ص ۸۷

۳. «إِنَّمَا تُؤَدِّي الشَّيَاطِينُ إِلَى كُفَّانِهَا أَخْبَاراً لِلنَّاسِ بِمَا يَتَحَدَّثُونَ بِهِ وَ مَا يُحَدِّثُونَهُ وَ الشَّيَاطِينُ تُؤَدِّي إِلَى الشَّيَاطِينِ مَا يَحْدُثُ فِي الْبُعْدِ مِنَ الْحَوَادِثِ مِنْ سَارِقٍ سَرَقَ وَ مِنْ قَاتِلٍ قَتَلَ وَ مِنْ غَائِبٍ غَابَ». الإحتجاج ج ۲ ص ۳۳۹

زمان‌های گوناگون از جمله زمان نمرود^۱ و فرعون^۲ و قبل از زمان پیامبر ﷺ است^۳ که در احادیث و نقل‌های تاریخی به وفور ذکر شده است.

البته در زمان حضور معصومین علیهم‌السلام کهانت خیلی کم‌رنگ شد به گونه‌ای که دیگر اخبار غیبی در دسترس مردم نبود و ما فوق قوه بشری محسوب می‌گشت، برای همین اهل بیت علیهم‌السلام بارها برای اثبات حجت بودن خود از اظهار غیبیات استفاده می‌کردند. اما با غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام و تشدید تصوف و رواج عرفان‌های کاذب و تجدید کهانت، دو مرتبه بازار خبر دادن از غیب داغ شد و روشن‌ترین گواه آن عصر حاضر می‌باشد که افراد مختلف در فرقه‌های گوناگون خبرهایی از غیب می‌دهند و همین را دلیل صدق مرام و مذهب خود می‌دانند و من شخصاً اخبار غیبی افراد متعدد از نحله‌های مختلف را به چشم دیده و تجربه کرده‌ام.

حال اینکه شیطان و اجنه از کجا به غیب دسترسی دارند و تا چه مقدار، و نیز تفسیر این آیه چیست که می‌فرماید اگر اجنه علم غیب داشتند از مرگ

۱. منجمین به نمرود از فرا رسیدن تولد فرزندش که تاج و تخت او را به باد می‌دهد خبر دادند: الکافی ج ۸ ص ۳۶۷ ح ۵۵۸.

۲. کاهنان به فرعون از نزدیک شدن ولادت کسی که تاج و تخت او را از بین می‌برد خبر دادند: التفسیر المنسوب ص ۲۴۳.

۳. از جمله: اخبارات غیبی سطح کاهن درباره ظهور پیامبری در مکه و حوادث بعد از آن: کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۱۹۴-۱۹۵.

سلیمان عليه السلام با خبر می‌شدند^۱ جای دیگری می‌طلبید.^۲

نتیجه: کسی که می‌خواهد بفهمد خوابی که دیده راست بوده یا نه، ابتدا باید شرایط خواب راست و عوامل خواب دروغ را در نظر بگیرد، و اگر عوامل دروغ بودن خواب را داشته یا شرایط راست بودن را ندارد نمی‌تواند به صافه بودن رؤیایی که دیده اطمینان نماید. و البته آنچه گفته شد ناظر به خواب دیدن معصومین عليهم السلام نیست زیرا در این باره در آینده به تفصیل سخن خواهیم گفت، بلکه نظر ما نسبت به خواب‌هایی است که مثلاً فردی پدرش یا برادر شهیدش یا مادر بزرگش یا نوشته‌ای یا صدایی را در خواب دیده یا شنیده که به نوعی حقانیت مدعی باطلی مثل احمد بصری را تایید می‌کند. چنین خواب‌هایی است که اگر با معیارهای صافه بودن سنجیده شود کذب آن آشکار می‌گردد.

بله در دو روایت بدون هیچ سندی این مساله ادعا شده که رؤیای مومن همیشه درست است و حکم وحی الهی را دارد: «رُويَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: رُؤْيَا

۱. «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ». سبأ: ۱۴

۲. بعضی از افراد فرقه یمانی نیز دلیل حقانیت خود را خبر دادن از غیب می‌شمردند به این معنی که وقتی با کسی مناظره می‌کنند و نمی‌توانند او را قانع کنند وی را تهدید می‌کنند که به علت انکار حق فردا فلان اتفاق برای تو می‌افتد و گاهی هم می‌افتد، یا خبر می‌دهند که تو امشب در خواب حقانیت احمد را خواهی دید و گاهی هم طرف مقابل خوابی می‌بیند. در حالیکه در متن توضیح داده شد این معجزات نح نما شده است و در فرقه‌های گوناگون به عیان دیده می‌شود و کسی که از ارائه دلیل علمی برای اثبات خود عاجز است نشان دادن اینجور کارها ارزشی ندارد.

الْمُؤْمِنِ تَجْرِي مَجْرَى كَلَامٍ تَكَلَّمَ بِهِ الرَّبُّ عِنْدَهُ»^۱ و: «فِي كِتَابِ التَّعْبِيرِ عَنِ الْأَيْمَةِ أَنَّ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ صَحِيحَةٌ لِأَنَّ نَفْسَهُ طَيِّبَةٌ وَ يَقِينُهُ صَاحِبٌ وَيَخْرُجُ رُوحُهُ فَيَتَلَقَّى مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِيهِ وَحْيٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ»^۲.

اما این دو حدیث چند مشکل سندى و محتوایی دارند، از جمله:

الف) بدون هیچ سندى و با این تعبیر: «از علی علیه السلام روایت شده» و: «از ائمه علیهم السلام چنین رسیده» ثبت گشته اند بدون هیچ توضیحی که چه کسی اینها را نقل کرده و از کجا به معصومین علیهم السلام نسبت داده است.

ب) در دو کتاب حدیثی فوق العاده ضعیف به نام کنز الفوائد ق ۵^۳ و جامع الأخبار ق ۶ ثبت شده اند و در کتب معتبر شیعه وجود ندارند.

البته شاید فردی که روحیه اخباری گری داشته باشد بگوید این دو اشکال مهم نیست و همین که به عنوان حدیث ثبت شده اند کفایت می کند. اما کسانی که در حدیث شناسی تخصص دارند به خوبی می دانند چه بسا کلماتی از علماء یا عرفاء یا صوفیه که اصلاً حدیث نبوده اند ولی اشتهاً به عنوان حدیث توسط افراد غیر متخصص ثبت شده اند. برای همین توجه به مصدر حدیث و اینکه چه کسی آن را حدیث تشخیص داده جهت اثبات حدیث بودن یک کلام از اهمیت

۱. کنز الفوائد ج ۲ ص ۶۱

۲. جامع الأخبار ص ۱۷۲

۳. البته کتاب کنز الفوائد از نظر علمى در سطح بسیار خوبى قرار دارد و ضعف آن تنها از نظر حدیثى می باشد.

دانستی‌هایی درباره خواب ۱۲۷۱

بالایی برخوردار است، مخصوصاً اگر با تعبیرهای غیر مستند همچون: «روایت شده» و: «چنین گفته اند» همراه باشد.

ج) محتوایی منحصر به فرد داشته و قبل و بعد از این سابقه مضمونی ندارند.

ممکن است کسی این مطلب را مشکل نداند، اما باید دانست که هندسه فکر شیعه بر اساس روایات متقن و متواتر قبل از رخداد غیبت آخرین حجت خدا شکل گرفته، پس دو حدیثی که تا قرن پنج و شش مطرح نبودند جایگاهی در هندسه تفکر شیعی ندارند مخصوصاً اگر مربوط به رکن اعتقادی یعنی شناخت حجت خدا باشند.

د) شبیه به حدیث اول در منابع اهل سنت و منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله ثبت شده - نه امام علی علیه السلام - «الرؤيا الصالحة يراها المؤمن لنفسه او ترى له و هو كلام يكلم به ربك عبده في المنام»^۱ و همین، احتمال رسوخ این گفته از اهل سنت به شیعه را تقویت می‌نماید.

اشتباه نشود، ما نمی‌گوییم هر حدیثی مشابه سنی داشت مجعول است، بلکه سخن ما درباره نقل‌هایی است که بدون سند و با تعابیر: «روایت شده» و: «گفته شده» ثبت گشته، که با پیگیری‌های محققین روشن شده بسیاری از این نقلها در کتب اهل سنت وجود داشته و بعد از قرن پنجم و توسط غیر متخصصین

وارد کتب شیعه شده، و به نام اهل بیت علیهم السلام ثبت گشته است؛ چیزی که به وفور در کتاب چهار جلدی «عوالی اللئالی» نظاره گیریم.

ه) با واقعیت خارجی ناسازگارند زیرا ما می بینیم خواب مومن همیشه راست نیست. و همچنین عقل بر اساس تناسب حکم و موضوع آشکارا این را می فهمد که هر مومنی شایسته این نیست که مورد وحی قرار بگیرد و - بر فرض قبول - مومنی مراد است که از شدت تقوا و اخلاص به جایگاهی نزدیک به مقام نبوت رسیده باشد.

ما در فصل بعدی درباره حجیت خواب مومن به تفصیل سخن خواهیم گفت.

اما در اینجا شبهه ای وجود دارد و آن اینکه در بعضی روایات از خوابهایی درباره غیر انبیاء علیهم السلام سخن گفته شده که فرشته ای به امر خدا در خواب فرد آمده و با وی سخن گفته، آیا این همان خواب وحی گونه نیست؟ از جمله رؤیای مردی از بنی اسرائیل که فرزند دلبندی داشت اما در خواب به او گفته شد: فرزند تو در شب زفافش خواهد مرد...: «إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ لَهُ ابْنٌ وَكَانَ لَهُ مُجِبًّا فَأَتَيْ فِي مَنَامِهِ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ ابْنَكَ لَيَلَّةً يَدْخُلُ بِأَهْلِهِ يَمُوتُ...»^۱.

در پاسخ باید گفت: اولاً - همانطور که به زودی توضیح خواهیم داد - خواب صادقه غیر از خواب حجت است و خواب الهی گاهی صادقه است و

۱. الکافی ج ۴ ص ۶ ح ۸

دانستی‌هایی درباره خواب ۱۲۹۱

گاهی حجت، در نتیجه به صرف اینکه خوابی به امر یا عنایت خدا دیده شود حجت و وحی بر آن اطلاق نمی‌شود. این در حالیست که موضوع این خوابها عموماً اخبار از آینده است و همچنانکه برای بعضی مومنین رخداد الهام در بیداری وجود دارد دیدن چنین خوابی نیز ممکن است. ثانیاً سخن هر فرشته‌ای وحی تلقی نمی‌شود زیرا فرشته وحی - طبق روایات فراوان - شخص جبرئیل علیه السلام و بعضی فرشتگان مخصوص دیگر می‌باشند و برای همین حتی سخن اسرافیل و میکائیل و عزرائیل با پیامبران وحی تلقی نشده است.

فصل دوم

حجیت خواب

فصل دوم: حجیت خواب

حجیت خواب (قابلیت التزام به محتوای خواب) یعنی لزوم عمل یا اعتقاد پیدا کردن به محتوای خواب، بگونه ای که قابل احتجاج در پیشگاه خدا و عقل باشد، و این در دو دایره تصویر می شود: دایره امور دینی و دایره امور دنیوی. حجیت خواب در دایره امور دینی به معنای لزوم شرعی پایبند شدن به محتوای خواب است که شامل پنج محور می باشد:

۱. حجیت خواب در اصول دین و اعتقادات، مانند اینکه خواب ببیند پیامبری جدید مبعوث شده؛

۲. حجیت خواب در فروع کلی دین و احکام، شامل تشریع حکم جدید یا نسخ حکم قدیم مثل اینکه در خواب بگویند حرمت موسیقی برداشته شده است؛

۳. حجیت خواب در فروع جزئی یا شخصی، مثلاً خواب ببیند استعمال تن حرام نیست یا واجب است با فلان دختر ازدواج کند؛

۴. حجیت خواب در تشخیص موضوعات شرعی عام، مانند مضاف بودن آب دریا؛

۵. حجیت خواب در تشخیص موضوعات شرعی خاص، همچون غصبی بودن لباسی که خریده است؛ که خود اینها گاهی دارای محتوای اثباتی است مثلاً

فلان کار را بکن یا عقیده ای که داری درست است، و گاهی دارای محتوای نفیی است مثلاً فلان کار را نباید بکنی یا عقیده ای که داری صحیح نیست، نیز گاهی در قالب اثبات جهالت می باشد مثل کسی که اصلاً از دین جدید خبر نداشته و خوابنا شده، و گاهی در قالب اثبات ضلالت است مثل کسی که از مذهب مخالف آگاه بوده ولی آن را باطل می دانسته و حالا خواب دیده که همان مذهب درست بوده است.

از طرفی حجیت محتوای این خوابها گاهی به صورت مطابقی است؛ یعنی دقیقاً همانچه دیده است را می پذیرد و گاهی التزامی است؛ یعنی لازمه آنچه از خواب فهمیده قابل پذیرش است مثل اینکه خواب دیده فلانی دزد اموالش است و چون نمی تواند این را در دادگاه ثابت کند برود به مقدار مالش از اموال آن بیچاره بر دارد.

همچنین حجیت خواب از جهت دیگری شامل دو محور است:

۱. حجیت خواب در مسائل فردی مثل وجوب تغییر شغل.
۲. حجیت خواب درباره موضوعات اجتماعی مثل وجوب صلح با دشمن.

رابطه رؤیای صادق با حجیت خواب:

عده ای گمان می کنند هر خوابی که راست باشد حجت هم هست، بدین معنا که اگر راست بودن خوابشان اثبات شد عمل کردن یا اعتقاد پیدا کردن به محتوای خواب نیز شرعاً واجب است. در حالیکه چنین تصویری صحیح نیست و راست بودن خواب با حجت بودن آن تلازمی ندارد و می شود خواب راست

حجیت خواب ۱۳۵۱

باشد اما حجت نباشد، همچنانکه اهل بیت علیهم السلام دارای علم غیب بودند و علمشان هم راست و درست بود اما آن علم بر آنها حجت نبود و تکلیف نمی‌آورد و آنها طبق ظاهر رفتار می‌نمودند.

و با توجه به همین نکته است که علامه حلی می‌نگارد: اگر معصومی را در خواب ببیند که به او دستوری دهد انجام دادن آن دستور واجب نیست.^۱

ادله حجیت خواب:

احمد بصری با ادعای اینکه راه شناخت حجت خدا منحصر در نص، سلاح و پرچم می‌باشد^۲، یکی از اقسام نص را نص مباشر دانسته که توسط وحی از جانب خدا در عالم رؤیا صورت می‌پذیرد که در اختیار همه مردم قرار دارد^۳ و این بعد از حضرت آدم علیه السلام تا روز قیامت در جریان است^۴ و چنین نصی با تواتر

۱. ما يقول سيدنا في من رأى في منامه رسول صلى الله عليه وآله أو بعض الأئمة عليهم السلام وهو يأمره بشيء أو ينهاه عن شيء، هل يجب عليه امتثال ما أمر به أو اجتناب ما ينهاه عنه أم لا يجب ذلك؟ الجواب: ... الأولى المتابعة من غير وجوب، ورويته صلى الله عليه وآله لا يعطي وجوب اتباع المنام. أجوبة المسائل المهنائية ص ۹۷- ۹۸

۲. عقائد الإسلام ص ۶۸- ۹۹

۳. كان طريق النص المباشر منه هو الوحي و طريق الوحي المفتوح بينه وبين كل خلقه من الناس هو الرؤيا الصادقة. همان ص ۷۰

۴. أن القانون الإلهي الثابت و السنة الإلهية في تنصيب خلفاء الله في أرضه هو النص من الله ... نص الله على الحجة باق و لم يرفع، بل بقي كدليل تشخيص لخليفة الله مع النص من الخليفة السابق. عقائد الإسلام ص ۶۸ و: فالله شهد لخلفائه عند المكلفين فيما مضى و يعرض نفسه دائماً كشاهد لخلفائه عند المكلفين فهي سنة الله إذن التي لا تتبدل و لا تتحول. همان ص ۷۲

رؤیاها ثابت می‌شود و شرطش اینست که موافق با نص خلیفه قبلی بر حجت بعدی باشد^۱، و تصریح می‌کند که رؤیا حجتی مستقل است.^۲

او برای مستدل جلوه دادن ادعای خود با استناد به سیره بعضی از انبیاء که به گمان او دارای نص الهی مباشر یعنی رؤیا بوده اند^۳ این را برای همه انبیاء علیهم‌السلام و سنتی الهی شمرده که تغییر و تحویلی در آن راه ندارد.^۴

در مقابل این ادعا به طور خلاصه باید گفت:

اولاً سنت خداوند برای معرفی حجت خود در طول تاریخ مشخص است در حالیکه حتی یک پیامبر دلیل حجت خود را رؤیا معرفی نکرده و نیز هیچ ملتی از راه رؤیا پیامبر خویش را نشناخته اند الا چیزی که درباره حضرت یوسف علیه‌السلام ادعا شده که به زودی پاسخش بیان می‌شود. و بر فرض قبول که اصلاً در قرآن درباره چند تن از انبیاء علیهم‌السلام تصریح شده باشد که دارای نص الهی به معنای رؤیا بوده اند اما این ثابت نمی‌کند که همه حجت‌های خداوند دارای چنین نصی بوده اند و به بیان علمی: موجهه جزئیة مثبت موجهه کلیه نیست؛ همچنانکه خود این جریان در رابطه با معجزه حجت‌های خدا همین را

۱. فالرؤی (النص الإلهی) التي يمكن الاحتجاج بها هي الرؤى المتواترة التي يتمتع تواطؤ مدعي رؤيتها على الكذب، و الموافقة للنص الإلهي الواصل من الخليفة السابق المباشر، أو النص الشخصي من الخليفة غير المباشر، والموصوف بأنه عاصم من الضلال مثلاً. همان ص ۶۹

۲. و هي باعتبارها وحياً إلهياً فهي دليل مستقل إن تحققت فيها الشروط. همان ص ۸۰

۳. همان ص ۷۰-۷۱

۴. همان ص ۶۸ و ۷۲

می‌گویند که چون در قرآن برای چند پیامبر ذکر معجزه شده نمی‌توان نتیجه گرفت همه انبیاء علیهم‌السلام دارای معجزه بوده‌اند و یکی از راه‌های شناخت حجت خدا معجزه است^۱، پس چطور احمد بصری از ماجرای که تنها برای چند پیامبر ذکر شده آن را سنت بدون تبدیل و تغییر الهی می‌شمرد؟

غیر از اینکه طبق روایتی اصلاً مردم تا مدت‌ها خواب نمی‌دیده‌اند: «إِنَّ الْأَحْلَامَ لَمْ تَكُنْ فِيهَا مَضَى فِي أَوَّلِ الْخَلْقِ، وَإِنَّمَا حَدَّثَتْ»^۲، پس چه شد آن سنت الهی که از بعد حضرت آدم علیه‌السلام تبدیل و تغییر پذیر نمی‌باشد؟

ثانیاً نص الهی باید به گونه‌ای آشکار و متقن باشد که حجت را بر همگان تمام کند؛ این در حالیست که خواب از آن جهت که در معرض دستبرد گسترده شیطان قرار دارد و خیلی اوقات نیازمند به تعبیر می‌باشد به طور عمومی اطمینان‌آور نیست.

امام صادق علیه‌السلام در همین باره می‌فرمایند: بسیاری از خوابهای مردم دروغ قرار داده شده تا به صورت کلی و همیشگی مورد اعتماد آنها نباشد: «... وَ تَكْذِبُ كَثِيرًا لِّئَلَّا يَعْتَمِدَ عَلَيْهَا كُلُّ الْإِعْتِمَادِ»^۳.

واتفاقاً مدعیان متعددی با سوء استفاده از همین رؤیا یا تواتر آن توانسته‌اند افراد زیادی را از جاده حق منحرف ساخته، حجت بودن خویش را متوهم سازند.

۱. طرح شده در بعضی مناظرات.

۲. الکافی ج ۸ ص ۹۰ ح ۱

۳. توحید المفضل ص ۸۵، بحار الأنوار ج ۳ ص ۸۵

بنا بر این، شأن رؤیا شأن نصب و معرفی حجت خداوند نیست. و احمد برای فرار از این اشکال شرط می‌کند که ادعای رؤیا باید موافق نص خلیفه قبلی باشد لذا هر کس بدون چنین نصی ادعای رؤیا کرد یا که نص بر خلاف او وجود داشت ادعایش باطل و سخنش دروغ است^۱ و چون هیچ مدعی مهدویت نصی موافق خود ندارد احتجاج آنها به رؤیاهایی که در تایید ایشان دیده شده باطل می‌باشد.

و با این سخن، خودش جاهلانه حجیت مستقل خواب را رد نموده، صادق بودن آن را مبتنی بر موافقت نص شمرده که می‌رساند آنچه حجت است نص بر حجت خدا توسط خلیفه قبل می‌باشد و خواب محوری نیست. اما دست احمد از نص هم خالی است و روایات متواتری بر ضد ادعاهای او وجود دارد. همچنین جریان او برای معقول نشان دادن حجیت خواب، چنین عنوان می‌کند که آیا ممکن است خدا به انسان خوابی نشان دهد که ارزشی نداشته باشد؟ غیر از اینکه اگر خواب حجیت ندارد پس اصلاً چرا خدا آن را قرار داده است و فایده خواب چیست؟^۲

۱. لا حجية للرؤى في مقابل النص... و كل أحلام تخرج عن نص الخليفة السابق فهي أما (هكذا) هوى نفس أو من الشيطان أو أكاذيب يؤلفها أصحابها. عقائد الإسلام ص ۸۷ و: فمن يدعي النص من الله (أو شهادة الله) بخلاف أو بدون النص من الخليفة السابق فهو كاذب. همان ص ۶۸ و: فكل من يؤلف رؤيا كذباً وزوراً مخالفة لنص الخليفة السابق يتبين انه كاذب على الله. همان ص ۸۱

۲. جامع الأدلة ص ۳۰۶

حجیت خواب ۱۳۹۱

غافل از آنکه اولاً هر خوابی از طرف خداوند نیست و اکثر خوابهایی که مردم می بینند متأثر از عوامل درونی یا بیرونی و به عبارت دیگر: نفسانی یا شیطانی است. غیر از اینکه فایده خواب تنها در حجت بودن نیست بلکه طبق روایات متعدد، خوابهای الهی انواع مختلفی دارد که فوائد گوناگونی بر آن مترتب می شود مانند خوابهای بشارت، خوابهایی که زمینه توبه فرد را فراهم می کند، خوابهای آموزنده، خوابهای ترسناک یا ناراحت کننده ای که موجب کفاره گناهان است و ... هر چند که این خوابها قابلیت حجت واقع شدن در مورد ایمان و عقاید را نداشته باشند.

البته از طرف جریان مدعی یمانی برای اثبات حجیت خواب، دلیل های متعددی مطرح شده که عبارتند از: آیات قرآن، روایات، تواتر (تواتر معنوی، تواتر خوابها) و حجیت قول معصوم در خواب. ما به ترتیب به بررسی این ادله می پردازیم.

بخش اول) حجیت خواب در قرآن

قرآن کریم از جنبه های گوناگونی به خواب توجه نموده است که یکی از آن جنبه ها توجه نمودن به محتوای خواب است که گاهی آن را حجت تلقی می کند، گاهی صادقه ای که خبر از رخداد واقعه ای می دهد و زمانی نیز از تاویل و تعبیر داشتن بعضی خوابها پرده بر می دارد.

ما آیات مرتبط یا ادعا شده در این زمینه را بررسی می کنیم:

آیه اول) «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * الَّذِينَ آمَنُوا وَ

كَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ».^۱

محتوا: این آیات بیان می‌کند: اولیاء خدا - یعنی همان‌ها که ایمان واقعی دارند^۲ و در کنار آن، از همه گناهان پرهیز می‌نمایند^۳ - برای ایشان دو بشارت قرار داده شده: یکی در دنیا و یکی در آخرت.^۴

و در روایات متعدد، این بشارت به حضور رسول خدا و امیرالمومنین علیهما السلام هنگام وفات مومن تفسیر گشته که به او بشارت به بهشت می‌دهند.^۵

۱. یونس: ۶۲-۶۴

۲. «أَيُّ صَدَقُوا». تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۱۴، و: «أَيُّ آمَنُوا بِجَمِيعِ مَا يَجِبُ الْإِيمَانُ بِهِ». بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۵۲

۳. أَيْ يَتَّقُونَ مَعَ ذَلِكَ مَعَاصِيهِ. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۵۲، مجمع البیان ج ۵ ص ۱۸۱

۴. این ترجمه بر اساس صفت بودن «الَّذِينَ» برای «أُولِيَاءَ» است و همین صحیح بوده و مطابق روایات می‌باشد.

۵. «وَ الْإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَ يُطَهِّرُهُ وَ يَقْتُلُ أَعْدَانَهُمْ وَ بِالنَّجَاةِ فِي الْآخِرَةِ وَ الْوُزُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ». الکافی ج ۱ ص ۴۲۹-۴۳۰ ح ۸۳
و: «يَا عَقِبَةُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسُ مُؤْمِنَةٍ أَبَدًا حَتَّى تَرَاهُمَا (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) ... يَدْخُلَانِ جَمِيعاً عَلَى الْمُؤْمِنِ فَيَجْلِسُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَيَكُتُبُ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ إِنِّي خَيْرٌ لَكَ مِمَّا تَرَكْتَ مِنَ الدُّنْيَا ثُمَّ يَنْهَضُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَقُومُ عَلَيٌّ حَتَّى يَكُتِبَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَبَشِّرُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُحِبُّهُ أَمَا لَا نَنْفَعَكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْتُ أَيْنَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِذَاكَ هَذَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ قَالَ فِي يُوسُفَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هَاهُنَا: الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ». همان ج ۳ ص ۱۲۹ ح ۱

و: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا وَقَعَتْ نَفْسُهُ فِي صَدْرِهِ يَرَى ... رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَيَقُولُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ أَبَشِّرُ ثُمَّ يَرَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُولُ أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي كُنْتُ تُحِبُّهُ تُحِبُّ أَنْ أَنْفَعَكَ الْيَوْمَ»

ولی این احادیث مشخص نکرده اند که تفسیرشان مربوط به بشارت در دنیا است یا بشارت در آخرت. بلکه در دو روایت ضعیف^۱، بشارت دنیوی به رؤیای حسنه تفسیر شده: «قَالَ هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ»^۲، و: «فَهِیَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ ... وَ فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بَشَارَةٌ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ ...»^۳.

همچنان که در تفسیر قمی همین گونه بیان گشته است: «البشرى في الحياة

→ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيْكُونُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ يَرَى هَذَا ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا قَالَ قَالَ لَا إِذَا رَأَى هَذَا أَبَدًا مَاتَ وَ أَعْظَمَ ذَلِكَ قَالَ وَ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». همان ص ۱۳۳ ح ۸
و: «يُقَالُ لَهُ: انْظُرْ إِلَى مَسْكَنِكَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ انْظُرْ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَيَّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ فَقَاؤُكَ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ * لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۲۵

۱. ضعف یکی بخاطر ضعیف بودن راوی و ضعف دیگری به علت ذکر نشدن سند و مرسل بودن است.

۲. «قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ هِيَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَى الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ». الکافی ج ۸ ص ۹۰ ح ۶۰

۳. متن کامل حدیث اینگونه است: «وَ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَايَةِ لَهُ حَسَمٌ وَ حِمَالٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ فَقَالَ أَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَهِیَ الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ فَيُبَشِّرُ بِهَا فِي دُنْيَاهُ وَ أَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بَشَارَةٌ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ يُبَشِّرُ بِهَا عِنْدَ مَوْتِهِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِمَنْ يَحْمِلُكَ إِلَى قَبْرِكَ». من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۳۳-۱۳۴ ح ۳۵۳. نکته اینک این حدیث از اهل سنت گرفته شده و برای همین مرسل می باشد. الدر المنثور ج ۳ ص ۳۱۲

الدنيا الرؤيا الحسنة يراها المؤمن وفي الآخرة عند الموت وهو قول الله: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ»^۱، و بقیه روایاتی که در کتاب بحار الانوار در این زمینه از راویانی مثل پسر عمر و ابوهریره و دیگران ثبت شده^۲ تماماً از کتب اهل سنت می باشد نه شیعه.^۳

اما همان دو روایت هم به غیر از ضعف سندی، دارای مشکل محتوایی هستند، از جمله:

الف) در کلام معصومین عليهم السلام تعبیر «رؤیای حسنه» تنها در همین دو روایت آمده^۴، در حالیکه در روایات متعدد، از خواب درست به «رؤیای صادقه» تعبیر شده نه حسنه، همچنانکه در قرآن کریم نیز از صدق رؤیا سخن گفته شده نه حُسن آن، زیرا صادقه بودن یعنی راست و درست بودن خواب، در حالیکه حسنه بودن فقط خوب بودن محتوای خواب را می رساند نه راست بودنش را. همین شذوذ و ابهام، انتساب این دو روایت را به معصوم دچار خدشه می کند، غیر از اینکه روایت دوم از کتب اهل سنت گرفته شده^۵، و تنها ناقل آن یعنی مرحوم صدوق آن را به هیچ معصومی نسبت نداده است.^۶

۱. تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۱۴

۲. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۱-۱۹۴

۳. الدر المنثور ج ۳ ص ۳۱۱-۳۱۲

۴. بله در یک حدیث دیگر در کلام راوی آمده نه معصوم. بصائر الدرجات ص ۲۵۵ ح ۶

۵. الدر المنثور ج ۳ ص ۳۱۲

۶. من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۳۳-۱۳۴ ح ۳۵۳

حجیت خواب ۱۴۳۱

ب) از طرفی چون در هیچ روایت دیگری خواب راست تعبیر به رؤیای حسنه نشده، می‌توان چنین برداشت کرد که مراد از رؤیای حسنه، همان رؤیت رسول خدا و امیر المومنین علیهما السلام در بیداری به هنگام مرگ می‌باشد که در روایات متعدد مطرح شده است، و چون این رؤیت در حالت مکاشفه رخ می‌دهد بدان رؤیا اطلاق گشته است.^۱

همچنانکه خود احمد بصری تصریح کرده رؤیا بر دو قسم است: رؤیا در خواب و رؤیا در بیداری.^۲

البته این برداشت تنها با روایت اول تناسب دارد که توضیحی درباره بشارت در آخرت نداده است، اما در روایت دوم تصریح شده که مراد از بشارت در آخرت همان بشارت هنگام سكرات مرگ است لذا به قرینه مقابله، بشارت در دنیا که تفسیر به رؤیای حسنه شده تنها بر خواب خوب قابل تطبیق می‌باشد. ولی همانطور که تذکر دادیم این روایت از اهل سنت گرفته شده و اصلی در منابع شیعه ندارد.

۱. در تفاسیر ثعلبی، خواجه عبد الله، بغوی، فخر رازی، نیشابوری، خازن و ... آمده: عرب به رؤیت با چشم هم رؤیا می‌گوید: العرب تقول: رأيت بعيني رؤية ورؤيا. الكشف و البيان ج ۶ ص ۱۰۹، کشف الأسرار ج ۵ ص ۵۷۵، تفسیر البغوی ج ۳ ص ۱۴۱، التفسیر الکبیر ج ۲۰ ص ۳۶۱، غرائب القرآن ج ۴ ص ۳۶۲، لباب التأویل ج ۳ ص ۱۳۵

۲. الرؤيا تنقسم إلى قسمين: رؤيا في النوم ورؤيا في اليقظة. عقائد الإسلام ص ۸۲ و: فهو إما رؤيا في النوم أو رؤيا في اليقظة. همان ص ۸۳

ج) روایت دوم می‌گوید مراد از بشارت در آخرت، همان بشارتی است که در سكرات مرگ به مومن داده می‌شود: «وَأَمَّا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَفِي الْآخِرَةِ فَإِنَّهَا بَشَارَةُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ الْمَوْتِ»، در حالیکه مومن در آن حالت هنوز در دنیاست نه در آخرت، و من با تتبع ناقص ندیدم در روایات از سكرات مرگ به عالم آخرت تعبیر شده باشد. ممکن است کسی بگوید چون فرد مختصر در حال رفتن به جهان دیگر است، زمان بشارت در آن هنگام را آخرت خوانده اند، اما بر فرض هم این توجیه را بپذیریم باید می‌گفت «عند الآخرة» نه «فی الآخرة».

غیر از اینکه در یک روایت تصریح شده که مقصود از بشارت در دنیا همان ملاقات با رسول خدا و امیرالمومنین علیه السلام به هنگام مرگ است^۱ و این مخالف مضمون دو روایت مورد بحث می‌باشد.

حال بر فرض که محتوای این دو روایت ضعیف را بپذیریم که مراد از بشارت در دنیا بشارت در خواب خوب به معنای راست است. اما قرآن این بشارت را تنها برای افراد خاصی می‌داند و شرط دیدن این بشارت را چیزهایی معرفی می‌کند که در هر کسی یافت نمی‌شود، و آنها عبارتند از: ولایت الله، ایمان کامل و تقوای مستمر.

در روایات ذیل این آیه اوصافی برای اولیاء خدا بیان شده که جایگاه آنها را

۱. زُرِّقَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ: «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا قَالَ هُوَ أَنْ يُسَّرَّاهُ بِالْجَنَّةِ عِنْدَ الْمَوْتِ يَعْنِي مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا علیه السلام». مناقب آل أبي طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب) ج ۳ ص ۲۲۳

کاملاً مشخص می‌نماید، از جمله:

حضرت علی علیه السلام درباره همین آیه می‌فرمایند: مراد از اولیاء الله کسانی هستند که در عبادت خدا برای او خالص باشند و در حالی که مردم ظاهر دنیا را می‌بینند آنها باطن دنیا را دیده اند، آنها به معرفت دنیا رسیده اند و فریب آن را نخورنده اند.^۱

نیز در بیان دیگری درباره همین آیه می‌فرمایند: کسی که به لقاء خدا مشرف شود در حالیکه مومن و عارف و مطیع امامش باشد اهل جنت است، نه کسی که با گناهان کبیره مرده، که او در معرض عذاب الهی قرار دارد. راوی پرسید: چنین کسی در حالیکه به شما مومن است داخل جهنم می‌شود؟ فرمودند: بله زیرا او از آن مومنانی نیست که خدا فرموده و ایشان است و فرموده ترس و حزنی بر ایشان نباشد ...^۲

۱. «سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. فَقَبِلَ لَهُ: مَنْ هَؤُلَاءِ الْأَوْلِيَاءُ؟ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «هُمْ قَوْمٌ أَخْلَصُوا لِلَّهِ تَعَالَى فِي عِبَادَتِهِ، وَنَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، فَعَرَفُوا أَجَلَهَا حِينَ غَرَّ الْخَلْقُ سَوَاهُمْ بِعَاجِلِهَا، فَتَرَكُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتْرَكُهُمْ، وَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَمِيتُهُمْ». الْأَمَالِي (للمفيد)

۲. «قُلْتُ [أَصْلَحَكَ اللَّهُ] فَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ [مُؤْمِناً عَارِفاً بِإِمَامِهِ مُطِيعاً لَهُ أَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ هُوَ قَالَ نَعَمْ إِذَا لَقِيَ اللَّهَ] وَهُوَ [مُؤْمِنٌ] مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ... الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ قُلْتُ فَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ مِنْهُمْ عَلَى الْكِبَائِرِ قَالَ هُوَ فِي مَسِيرَتِهِ إِذَا عَذِبَهُ فَيَذْنِبُهُ وَإِنْ تَجَاوَزَ عَنْهُ فَيَرْحَمْتَهُ قُلْتُ فَيُدْخِلُهُ النَّارَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ قَالَ نَعَمْ بِذَنْبِهِ لِأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ

همچنین امام سجاد علیه السلام در ذیل همین آیه می‌فرماید: زمانی که همه واجبات خدا را با حدودش انجام دهند و از همه محرمات الهی دوری گزینند و نسبت به جلوه‌های دنیا بی‌رغبت شوند و نسبت به نعمت‌های معنوی و اخروی اشتیاق داشته باشند، و از رزق طیب استفاده نمایند و اهل فخر فروشی و بزرگ‌نمایی نباشند و ...^۱

نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خوشا به حال شیعیان قائم ما، همانها که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند: «طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».^۲

که این بیان اولاً می‌رساند قائم اهل بیت علیهم السلام امام دوازدهم است نه مهدی

→ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ أَنَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ أَنَّهُ لَهُمْ وَلِيُّ وَأَنَّهُ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ الَّذِينَ لَمْ يَلْسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ». کتاب سلیم بن قیس الهلالی ج ۲ ص ۶۰۹-۶۱۰

۱. «وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام: أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ قَالَ: إِذَا أَذُوا فَرَايَصَ اللَّهُ، وَ أَخَذُوا بِسُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص، وَ تَوَرَّعُوا عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَ زَهَدُوا فِي عَاجِلِ زُهْرَةِ الدُّنْيَا، وَ رَغِبُوا فِي مِمَّا عِنْدَ اللَّهِ، وَ اكْتَسَبُوا الطَّيِّبَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ، لَا يُرِيدُونَ بِهِ التَّفَاخُرَ وَ التَّكَاثُرَ، ثُمَّ أَنْفَقُوا فِي مِمَّا يَلْزَمُهُمْ مِنْ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ، فَأُولَئِكَ الَّذِينَ بَارَكَ اللَّهُ لَهُمْ فِي مِمَّا اكْتَسَبُوا، وَ يُثَابُونَ عَلَى مَا قَدَّمُوا لِآخِرَتِهِمْ». تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۲۴ ح ۳۱

۲. کمال الدین و تمام النعمة ج ۲ ص ۳۵۷ ح ۵۴

اول، زیرا می‌فرماید شیعیان در دوران غیبت قائم ما، منتظر ظهور او هستند: «الْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ»، در حالیکه احمد بصری غیبتی نداشته تا پیروانش منتظر ظهور او باشند بلکه وی مخفی شده و آنها منتظر خروجش می‌باشند. ثانیاً می‌گوید: این شیعیان منتظر، هنگامی از قائم اطاعت می‌کنند که ظهور نموده باشد: «الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ»، لذا احمد بصری که ادعا می‌کند امام زمان علیه السلام در حالیکه غائب هستند شیعیان را به پیروی از او امر نموده اند سخت در اشتباه است.

حال که مراد این آیه واضح شد، کدامیک از پیروان احمد بصری می‌توانند ادعا کنند در چنین مرتبه ای از ایمان بوده اند که رؤیای حسنه دیده اند؟ و البته که بازار ادعا در جریان های انحرافی داغ است!

همه اینها به کنار، آیه می‌فرماید چنین افرادی دارای بشارت در دنیا هستند، لذا بر فرض که آن بشارت را خواب حسنه بدانیم، تنها شامل خواب هایی می‌شود که محتوایش بشارت به چنین مومنینی است نه خوابی که محتوایش بیان احکام الهی، معرفی حجت خدا، یا تذکر به گمراهی و ارائه طریق هدایت باشد، زیرا بر هیچکدام از اینها بشارت اطلاق نمی‌شود. و ما در این باره در بخش بررسی روایات بیشتر سخن خواهیم گفت.

آیه دوم) «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ* قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ* وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ

الْأَحَادِيثُ»^۱.

محتوا: در این سه آیه ماجرای خواب دیدن یوسف عليه السلام بیان شده که وقتی آن را برای پدر تعریف کرد، پدر به او توصیه نمود خوابش را برای برادرانش نگوید که به وی حسودی می‌ورزند، و در ادامه از عطا شدن علم تاویل خواب به وی خبر می‌دهد.

و از این آیات سه نکته به اثبات می‌رسد^۲: الف) بعضی خوابها صادق هستند. ب) بعضی خوابها دارای تعبیر هستند. ج) علم تعبیر خواب از علوم اعطایی به برخی انبیاء عليهم السلام می‌باشد؛ و این اعطای تاویل احادیث به حضرت یوسف عليه السلام سه بار دیگر در قرآن تاکید شده است.^۳

از این دو نکته نیز نباید غافل شد که اولاً حضرت یوسف عليه السلام با این خواب به نبوت نرسید، زیرا او این خواب را در سن کودکی و سالها قبل از رسیدن به نبوت دید^۴، همچنانکه حضرت یعقوب عليه السلام مساله انتخاب یوسف عليه السلام را با

۱. یوسف: ۴-۶

۲. البته بعضی چهار نکته به دست آورده، نکته چهارم را این شمرده اند که اگر معصوم خواب را تعبیر کند درست است؛ ولی همانطور که به زودی توضیح خواهیم داد، کلامی که حضرت یعقوب عليه السلام فرموده اند تعبیر خواب یوسف عليه السلام نبوده است.

۳. «وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». یوسف: ۲۱، و: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ». یوسف: ۱۰۱، و: «ذَلِكُمَا مِنْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي». یوسف: ۳۷

۴. «فَرَأَى يُوسُفُ هَذِهِ الرُّؤْيَا وَلَهُ تِسْعُ سِنِينَ». تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۴۰

صیغه مضارع مطرح می‌نماید: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ»، یعنی اینکه تو بعداً به مقام نبوت خواهی رسید.

و اگر در بعضی روایات چنین آمده که: انبیاء بر پنج قسمند و یک نوع کسی است که: «يُنَبِّأُ فِي مَنَامِهِ مِثْلُ يُوسُفَ وَإِبْرَاهِيمَ»^۱، مرادش این نیست که یوسف علیه السلام در خواب به پیامبری رسیده است زیرا یوسف علیه السلام را در کنار ابراهیم علیه السلام نام می‌برد در حالیکه خواب ابراهیم علیه السلام سالها بعد از نبوتش بود و ربطی به پیامبری او نداشت، بلکه منظور اینست که در خواب به ایشان وحی می‌شده است، همچنانکه این را با صیغه مضارع بیان کرده که دلالت بر استمرار دارد.

ثانیاً - بر خلاف توهم عده ای - تعبیر خواب آن حضرت این نبود که وی در آینده به نبوت می‌رسد، بلکه طبق تصریح خود قرآن^۲ و بعضی روایات^۳، تعبیر این خواب، پادشاهی حضرت یوسف علیه السلام و سجده پدر و مادر و برادران برای خدا در مقابل او بوده است.

۱. «الْأَنْبِيَاءُ عَلَى خَمْسَةِ أَنْوَاعٍ مِنْهُمْ مَنْ يَسْمَعُ الصَّوْتَ مِثْلَ صَوْتِ السَّلْسِلَةِ فَيَعْلَمُ مَا عَنِي بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُنَبِّأُ فِي مَنَامِهِ مِثْلَ يُوسُفَ وَإِبْرَاهِيمَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُعَايِنُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُنَكْتُ فِي قَلْبِهِ وَ يُوقَرُ فِي أَذُنِهِ». بصائر الدرجات ص ۳۶۹-۳۷۰ ح ۶

۲. «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجْدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا». يوسف: ۱۰۰

۳. «تَأْوِيلُ هَذِهِ الرُّؤْيَا أَنَّهُ سَيَمْلِكُ مِصْرَ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ وَ إِخْوَتُهُ، أَمَّا الشَّمْسُ فَأَمُّ يُوسُفَ رَاحِيلُ وَ الْقَمَرُ يَعْقُوبُ وَ أَمَّا أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا فَاِخْوَتُهُ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَذَّهٗ جِبْنَ نَظَرُوا إِلَيْهِ وَ كَانَ ذَلِكَ السُّجُودَ لِلَّهِ». تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۳۹

اما جریان احمد بصری با بی توجهی به آنچه گفته شد، می گوید:

«در اینجا می بینیم رؤیای حضرت یوسف علیه السلام نه تنها برای خود او بلکه برای پدرش حضرت یعقوب علیه السلام که از پیامبران و حجت‌های معصوم خداوند است راهی برای شناخت حجت می باشد. زیرا حضرت یعقوب با دیدن این رؤیا از جانب حضرت یوسف علیه السلام، او را از برگزیدگان پروردگار و در زمره دیگر حجت‌های خدا یعنی حضرت ابراهیم و حضرت اسحاق علیه السلام می بیند. همچنین گفتار حضرت یعقوب علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام که خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن که برای تو نقشه خطرناک می کشند نشانه آن است که رؤیای صادق از راه‌های شناخت حجت برای مردم نیز بوده است. زیرا با این خوابی که حضرت یوسف علیه السلام دیده بود برادرانش پی به حجت بودن او می بردند».^۱

و خود احمد می گوید: «آیا قرآن را نخوانده اید و در داستان یوسف علیه السلام تفکر نکرده اید؟ که چگونه حضرت یعقوب علیه السلام - در حالیکه پیامبر خداست - در قرآن - و آن کتاب خداست - رؤیای یوسف علیه السلام را دلیل تشخیص مصداق خلیفه خدا - که آن یوسف علیه السلام بود - معتبر دانست؟ و یوسف را بر حذر داشت که این رؤیا را به برادران خود نگوید؛ زیرا با این رؤیا، او را خواهند شناخت و در نهایت ممکن است همان اتفاقی که برای هابیل افتاد، برای او نیز تکرار شود.

آیا این اقرار واضح قرآنی، به حجیت رؤیا، در تشخیص مصداق خلیفه الله

۱. بین یدی الصبیحة ص ۵۶ و ۶۰

در زمین نیست؟»^۱.

نیز می‌نگارد: «برادران یوسف از فرزندان پیامبران بودند و دین را به خوبی می‌شناختند و از جایگاه رؤیا نسبت به اینکه نص الهی بر خلیفه خدا در زمین است آگاهی داشتند. برای همین اگر خواب یوسف را می‌شنیدند می‌فهمیدند آن برای تشخیص یوسف علیه السلام به عنوان خلیفه خدا در زمین می‌باشد و از این جهت یعقوب ترسید آنها بر یوسف حسد برند و ماجرای هابیل و قابیل دوباره تکرار شود»^۲.

و خلاصه ادعای این جریان سه مساله است: ۱. اینکه تعبیر خواب یوسف علیه السلام رسیدن به پیامبری بوده است، ۲. اینکه حضرت یعقوب از طریق خواب یوسف علیه السلام حجت بعد از خود را شناخت، ۳. اینکه برادران هم از طریق رؤیای او خلیفه بعدی را شناختند و برای همین به وی حسد بردند و اصلاً آنها می‌دانستند رؤیا نصی الهی بر حجت های خداست. اما اینها از نکات متعددی در آیات مورد بحث غفلت نموده اند، از جمله:

۱. خطبه ۵ محرم ۱۴۳۲ از احمد بصري. این خطبه به صورت جزوه نیز ترجمه و چاپ گردیده است. و نزدیک به آن: عقائد الإسلام ص ۷۱

۲. أخوته أبناء أنبياء و يعرفون الشريعة جيداً، و يعرفون موضع الرؤيا في دين الله و أنها نص إلهي على خليفة في أرضه، و بالتالي فعند سماعهم الرؤيا سيعرفون أنها في شخص يوسف عليه السلام خليفة الله في أرضه، فخاف يعقوب عليه السلام أن يحسدوا يوسف عليه السلام و تعاد قصة ولدي آدم عليه السلام القديمة مع يوسف و أخوته، و هذا واضح لمن تدبر الآيات. عقائد الإسلام ص ۷۴

نکته اول) آیه از خواب کسی سخن می‌گوید که قرار است در آینده حجت خدا شود، پس یک قضیه شخصی است و اطلاقی ندارد تا شامل خواب دیدن افراد عادی در طریق شناخت حجت گردد.

نکته دوم) دلیلی نداریم که حضرت یعقوب علیه السلام از این خواب، حجت بعد از خود را شناخته باشد، و به عبارت دیگر از این خواب فهمیده باشد که قرار است یوسف به پیامبری برسد زیرا وقتی ایشان خواب فرزندش را شنید، دو مطلب به او گفت، یکی اینکه وی بعداً به مقام نبوت می‌رسد و دوم اینکه خداوند علم تاویل خواب را به او تعلیم خواهد نمود، در حالیکه عطا شدن علم تعبیر خواب به یوسف علیه السلام ربطی به محتوای خواب او ندارد.

و به عبارت دیگر: شبهه اینست که حضرت یعقوب علیه السلام چگونه از رؤیای یوسف علیه السلام مساله عطا شدن علم تعبیر خواب به او را کشف نمود؟

در نتیجه می‌توان گفت حضرت یعقوب علیه السلام از قبل می‌دانست کدام فرزندش به پیامبری خواهد رسید و این را کتمان می‌کرد تا یوسف علیه السلام آن خواب را دید و حضرت یعقوب علیه السلام هم آنچه را قبلاً می‌دانست به او فرمود نه اینکه خواب یوسف علیه السلام را تعبیر به نبی شدن وی در آینده نموده باشد.

بلکه این مطلب در روایتی از امام صادق علیه السلام تایید شده که فرمودند: پیراهن یوسف علیه السلام همان لباس بهشتی بود که جبرئیل برای ابراهیم علیه السلام هنگام افروختن آتش بر ضد او آورد و ویژگیش این بود که گرما و سرما در آن اثر نمی‌کرد و ابراهیم به هنگام وفات آن را همراه اسحاق نمود و اسحاق همراه

یعقوب کرد و چون یوسف متولد شد یعقوب آن را به بازوی یوسف بست و این پیراهن به آل محمد رسیده است.^۱

این روایت بیانگر آنست که پیراهن ابراهیم علیه السلام به حجت های خدا به ارث می رسیده است - همچنانکه در حدیث آمده که آن لباس فعلاً در اختیار آخرین وصی یعنی امام زمان علیه السلام می باشد^۲ - لذا وقتی حضرت یعقوب علیه السلام به محض تولد یوسف علیه السلام آن را به بازوی وی می بندد و او را وارث لباس ابراهیم علیه السلام قرار می دهد، مشخص است که از همان اول می داند کدامیک از فرزندان قرار است حجت خدا شود.

واین برداشت شواهد دیگری نیز دارد، از جمله اینکه یعقوب علیه السلام نمی گوید

۱. «أَتَدْرِي مَا كَانَ قَمِيصُ يُوسُفَ علیه السلام قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ علیه السلام بِثَوْبٍ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَالْبَسَهُ إِيَّاهُ فَلَمْ يَصُرْهُ مَعَهُ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْتُ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَعَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ وَعَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ فَلَمَّا وُلِدَ يُوسُفُ علیه السلام عُلِقَ عَلَيْهِ فَكَانَ فِي عَضْدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِه مَا كَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ يُوسُفُ بِمِصْرَ مِنَ التَّمِيمَةِ وَجَدَ يَعْقُوبَ رِيحَهُ وَهُوَ قَوْلُهُ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تَقْنَدُونِ فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَإِلَى مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ قَالَ إِلَى أَهْلِهِ ثُمَّ قَالَ كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله». الكافي ج ۱ ص ۲۳۲ ح ۵، بصائر الدرجات ص ۱۸۹ ح ۵۸، كمال الدين و تمام النعمة ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۱۰، علل الشرائع ج ۱ ص ۵۳ ح ۲

۲. الف (رَوَى «أَنَّ الْقَائِمَ علیه السلام إِذَا خَرَجَ يَكُونُ عَلَيْهِ قَمِيصُ يُوسُفَ وَمَعَهُ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ علیه السلام»). كمال الدين و تمام النعمة ج ۱ ص ۱۴۳

ب) «يَخْرُجُ وَ عَلَيْهِ قَمِيصُ يَوْسُفَ فَيَشِمُ الْمُؤْمِنُونَ رَائِحَتَهُ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ هُوَ الَّذِي شَمَ رَائِحَتَهُ يَعْقُوبُ فِي قَوْلِهِ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ». الصراط المستقيم ج ۲ ص ۲۵۳

تاویل خواب تو اینست، بلکه انتخاب شدن یوسف علیه السلام را تنظیر به خواب دیدن او می‌کند و می‌گوید: همانطور که خداوند تو را با نشان دادن این خواب تکریم نموده، با انتخاب کردنت نیز تو را اکرام می‌نماید: ^۱ «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ...».

شاهد دیگر اینکه یعقوب علیه السلام نمی‌گوید می‌ترسم برادرانت بر ضد تو حيله ای کنند، بلکه با تاکید خبر می‌دهد خوابت را نگوویی که بر ضد تو حيله می‌کنند.^۲

و این به وضوح می‌رساند که حضرت یعقوب علیه السلام دارد از غیب خبر می‌دهد نه اینکه در صدد تعبیر خواب یوسف علیه السلام باشد.

از طرفی وقتی حضرت یعقوب علیه السلام از حسد و کید برادران خبر می‌دهد، واضح است که آنها را لایق مقام پیامبر شدن نمی‌داند، پس این خواب باعث شناخت حضرت یعقوب علیه السلام نسبت به حجت بعدی نشده است.

نکته سوم) همانطور که عرض شد تاویل خواب یوسف علیه السلام این نبود که به پیامبری می‌رسد بلکه این بود که به پادشاهی می‌رسد و این تصریح قرآن است

۱. إِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيكَ وَيَخْتَارُكَ وَيُصْطَفِيكَ وَيَكْرَمُكَ بِذَلِكَ، كَمَا أَكْرَمَكَ بِأَنْ أَرَاكَ فِي مَنَامِكَ هَذِهِ الرَّؤْيَا. التَّبْيَانُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ج ۶ ص ۹۸؛ وَكَذَلِكَ أَيْ كَمَا أَرَاكَ هَذِهِ الرَّؤْيَا تَكْرِمَةً لَكَ وَبَيِّنَ أَنْ إِخْوَتَكَ يَخْضَعُونَ أَوْ يَسْجُدُونَ لَكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ أَيْ يَصْطَفِيكَ رَبُّكَ وَيَخْتَارُكَ لِلنَّبُوَّةِ. مَجْمَعُ الْبَيَانِ ج ۵ ص ۳۲۱، بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج ۱۲ ص ۲۱۹

۲. فَلَمْ يَقُلْ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكِيدُوا، أَوْ لَا أَمْنَهُمْ عَلَيْكَ بِتَفْرِيعِ الْخَوْفِ مِنْ كَيْدِهِمْ أَوْ عَدَمِ الْأَمْنِ مِنْ جِهَتِهِمْ بَلْ فَرَعَ عَلَى اقْتِصَاصِ الرَّؤْيَا نَفْسَ كَيْدِهِمْ وَ أَكَّدَ تَحَقُّقَ الْكَيْدِ مِنْهُمْ بِالْمَصْدَرِ. الْمِيزَانُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ج ۱۱ ص ۷۸

که وقتی خانواده اش به مصر آمدند و در پیشگاه او برای خدا سجده نمودند یوسف علیه السلام فرمود: این تاویل رؤیای من است که در گذشته دیده بودم که خدا آن را محقق نمود: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا».^۱

همچنین در بعضی روایات به این مساله تصریح شده است، از جمله: امام باقر علیه السلام فرمودند: تاویل این خواب آن بود که یوسف در آینده پادشاه مصر خواهد شد و خانواده اش بر او وارد شده، برای خدا سجده می کنند: «تَأْوِيلُ هَذِهِ الرُّؤْيَا أَنَّهُ سَيَمْلِكُ مِصْرَ وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِ أَبَوَاهُ وَ إِخْوَتُهُ ... سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ وَحْدَهُ حِينَ نَظَرُوا إِلَيْهِ».^۲

و حتی در روایتی به سند صحیح دارد که وقتی یوسف علیه السلام خواب خود را برای یعقوب علیه السلام گفت، ایشان اندوهگین شد و منتظر امتحانی درباره یوسف گشت: «فَلَمَّا رَأَى يُوسُفُ الرُّؤْيَا وَ أَصْبَحَ يَقْصُصُهَا عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ، فَاعْتَمَ يَعْقُوبُ لَمَّا سَمِعَ مِنْ يُوسُفَ وَ بَقِيَ مُعْتَمًّا».^۳

و این کاملاً می رساند که تعبیر خواب او پیامبر شدن نبوده و الا اینکه ناراحتی ندارد و باید بسیار خوشحال هم شد.

همچنین نکته مهم دیگری در اینجا وجود دارد که توجه به آن، فهم عدم

۱. یوسف: ۱۰۰

۲. تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۳۹

۳. علل الشرائع ج ۱ ص ۴۶

دلالت خواب یوسف علیه السلام بر پیامبر شدنش را روشن تر می‌کند، و آن اینکه: در روایات تصریح شده که تاویل سجده خورشید و ماه بر یوسف علیه السلام سجده پدر و مادرش به هنگام پادشاهی او بوده است.^۱ لذا اگر خواب او را تاویل به مقام معنوی و پیامبر شدن وی ببریم، لازمه اش این می‌شود که مقام یوسف پیامبر از یعقوب پیامبر آنقدر بالاتر بوده که مورد سجده پدر قرار گرفته است، در حالیکه چنین مطلبی حتی به ذهن کسی هم خطور نکرده چه برسد به گفتن آن.

نکته چهارم) علت اینکه پدر به یوسف علیه السلام فرمود خواب را به برادرانت نگو این نبود که آنها پی به حجت بودن او می‌بردند و به این خاطر وی را می‌کشتند. بلکه چون تعبیر خواب یوسف علیه السلام این بود که به مقام دنیوی بالایی می‌رسد آنها چشم دیدن آن را نداشتند. غیر از اینکه یوسف همین طوری هم مورد حسد ایشان بود و با اینکه خواب را نگفت^۲ باز هم آنها نقشه قتل او را کشیدند، بر خلاف قتل هابیل توسط قابیل که به جهت شناخته شدن حجت الهی بود.^۳

۱. تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۳۹

۲. البته در یک روایت آمده که یوسف به حرف پدرش گوش نداد و خوابش را برای برادرانش گفت: «فَلَمْ يَكُنْ يَوْسُفُ رُؤْيَا وَ قَصَّهَا عَلَى إِخْوَتِهِ». علل الشرائع ج ۱ ص ۴۵. اما این قابل پذیرش نیست و علمش را به آل الله واگذار می‌کنیم. و باید توجه داشت که این نقل موافق نقل تورات می‌باشد که ارزشی برای عصمت انبیاء علیهم السلام قائل نیست. تورات سفر ۱ باب ۴۰ به نقل از دار السلام ج ۱ ص ۱۰۲

۳. «قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَقِيمَ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ فَقَالَ فِي الْوَصِيَّةِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّ يَذْفَعَ الْوَصِيَّةَ وَ اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ إِلَى هَابِيلَ وَ كَانَ قَابِيلُ أَكْبَرَ مِنْهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ ←

همچنانکه این ادعای احمد که برادران یوسف از جایگاه رؤیا نسبت به اینکه نص الهی بر خلیفه خدا در زمین است آگاهی داشتند به این استدلال که آنها از فرزندان پیامبران بودند و دین را به خوبی می‌شناختند واقعاً مضحک است. زیرا صرف فرزند پیامبر بودن دلیل آگاهی و شناخت نسبت به دین نیست و پسر نوح مثال بارز آنست، از طرفی انعکاس رفتار آنها در سوره یوسف نسبت به پدر و برادرشان کاملاً مشخص می‌کند آنها جایگاهی از نظر دینی نداشته اند، غیر از اینکه در هیچ آیه و روایتی کوچکترین اشاره ای به آگاهی آنها نسبت به دین و شریعت نشده است. همچنان که خود احمد برای اثبات دوران فترت به احادیثی درباره "زید" استناد می‌کند که او حتی نمی‌دانسته پدرش امام سجاد علیه السلام امام منصوب از طرف خداوند است.^۱

آیه سوم) «وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَ قَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي ... * ... يَا صَاحِبِي السَّجْنَ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَ أَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ».^۲

→ قَابِلٌ فَغَضِبَ فَقَالَ أَنَا أَوْلَىٰ بِالْكَرَامَةِ وَ الْوَصِيَّةِ فَأَمَرَهُمَا أَنْ يُقَرَّبَا قُرْبَانًا يَوْحِي مِنَ اللَّهِ إِلَيْهِ فَفَعَلَا فَقَبِلَ اللَّهُ قُرْبَانَ هَابِيلَ فَحَسَدَهُ قَابِلٌ فَقَتَلَهُ». تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۸۳

۱. عقائد الإسلام ص ۵۵-۵۶

۲. یوسف: ۳۶-۴۱

محتوا: در این آیات سخن درباره خواب دو خدمتکار پادشاه مصر است که تعبیر آن را از حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدند و ایشان هم تعبیرش را بیان نمود. و این فقرات نکات متعددی را اثبات می‌نماید، از جمله: الف) غیر مومن هم می‌تواند خواب صادقه ببیند. ب) اعتنا به خواب مذموم نیست و فرد می‌تواند به دنبال تعبیرش باشد. ج) اگر معصوم تعبیر خواب را بگوید صحیح است. د) علم تعبیر خواب از علوم اعطایی به بعضی انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشد.

البته در این آیات تصریح نشده آنچه آن دو خدمتکار دیده اند در خواب بوده یا مثلاً مکاشفه، اما به تصریح روایتی، هر دو ادعای دیدن خواب کردند در حالیکه یکی از آن دو خواب ندیده بود ولی حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام از فرجام او نیز خبر داد.^۱

نکته قابل توجه اینکه آن دو نمی‌گویند ما خواب دیدیم بلکه از صیغه مضارع استفاده کرده و می‌گویند ما خواب می‌بینیم: «إِنِّي أَرَانِي» که می‌رساند این خواب را مکرر دیده اند که به صادقه بودنش اطمینان حاصل کرده، به دنبال تعبیرش می‌گردند.

اما به هر حال، این آیات تنها از دو خواب صادقه و تعبیر داشتن آن سخن گفته و ربطی به حجت بودن خواب نداشته و نیز معیاری برای تشخیص رؤیای صادقه از کاذبه و رؤیای با تعبیر از بی نیاز از تعبیر ارائه نمی‌دهد.

۱. تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۴۴

آیه چهارم) «قَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعُ سُنْبُلَاتٍ خُضِرٍ وَ آخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ * قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ * وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَ ادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ * يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضِرٍ وَ آخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ * قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ * ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَ فِيهِ يَعَصِرُونَ»^۱.

محتوا: در این آیات داستان خواب پادشاه مصر بازگو شده که تعبیر کنندگان نتوانستند آن را تعبیر نموده، خواب آشفته اش خواندند اما حضرت یوسف عليه السلام تعبیر آن را بیان فرمود.

نکاتی که از این آیات بدست می‌آید عبارتند از: الف) غیر مومن هم می‌تواند خواب صادق ببیند. ب) بعضی خوابها جزء احلام هستند که تعبیر ندارند.^۲ ج) بعضی خوابها دارای تعبیر هستند. د) گاهی در شناخت خواب های آشفته از رؤیای صادق اشتباه رخ می‌دهد و این معصوم است که می‌تواند حق را

۱. یوسف: ۴۳-۴۹

۲. به این نکته در بعضی روایات تصریح شده است: «وَمَا رَأَتْ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَهُوَ مِمَّا يُحْيِلُهُ الشَّيْطَانُ وَ لَا تَأْوِيلَ لَهُ». مجمع البیان ج ۸ ص ۷۸۱ به نقل از تفسیر عیاشی

از باطل تشخیص دهد. ه) اگر معصوم تعبیر خوابی را بگوید صحیح می‌باشد. نکته مهم اینکه تفاوت این خواب با خواب یوسف آنست که او یکبار خواب دید ولی پادشاه چند بار آن خواب را دیده است، زیرا جمله «إِنِّي أَرَى...» مفید استمرار می‌باشد یعنی من پیوسته چنین می‌بینم. به نظر می‌آید که پادشاه مصر آن خواب را چند بار در یک شب یا چند شب متوالی دیده تا در صدد تعبیرش بر آمده و اگر یکبار دیده بود شاید اهمیت نمی‌داد.^۱ و ما این نکته را در آیه قبل متذکر شدیم.

جریان مدعی یمانی از این داستان سوء استفاده کرده، می‌گوید: «آیا یوسف بر اساس رؤیای فرعون، اقتصاد دولت مصر را پایه‌گذاری نکرده، و برای مردم غذای فراوان فراهم ننمود؟»^۲

اما آنها نکات مهمی را در نظر نگرفته‌اند، از جمله:

الف) همان‌طور که عرض کردیم، پادشاه مصر آن خواب را مکرر دیده، و یوسف علیه السلام هم طبق خوابی که بارها دیده شده رفتار نمود نه خوابی که یک بار دیده شده است. در نتیجه اگر هم این داستان دلالتی داشته باشد، تنها به خوابی که توسط یک نفر مکرر دیده شده بها می‌دهد و نسبت به اعتبار تک خوابها یا خواب های متعدد از افراد متعدد ساکت است.

۱. قاموس قرآن ج ۳ ص ۳۸

۲. جزوه رؤیای صادق، مکتوبات انصار

حجیت خواب ۱۶۱

ب) حضرت یوسف حجت خدا بود و حجت خدا بر اساس وحی کار می‌کند نه بر اساس خواب دیگران. وقتی حتی نقشه ساده مخفی کردن پیمانه طلا در وسایل بنیامین توسط وحی به یوسف علیه السلام ابلاغ شده^۱، چگونه خداوند در مساله مهم کشوری از وحی دریغ می‌دارد تا او با تکیه بر خواب دیگران برنامه چهارده ساله بریزد؟ اشتباه نشود اینکه یوسف علیه السلام علم تعبیر خواب داشت و می‌دانست آن رؤیا صادق بوده و از تعبیرش نیز آگاهی داشت، مجوز این نمی‌شده که بدون دستور خدا طبق آن خواب برای یک ملت برنامه ریزی کند، زیرا تلازمی بین صادق بودن رؤیا و حجت بودن آن وجود ندارد. ولی به هر حال حضرت یوسف علیه السلام معیاری برای تشخیص رؤیای صادق و فهم تعبیر آن برای ما مشخص نکرده اند.

ج) طبق برخی روایات، این خواب پادشاه به خواست شخص پروردگار بوده تا از یک طرف موجبات آزادی یوسف علیه السلام را فراهم آورد^۲ و از طرف دیگر مردم مصر را از هلاکت قطعی نجات دهد چون تنها راه نجات مردم مصر از قحطی این بود که خواب را پادشاه ببیند، زیرا پادشاه به خواب کسی غیر خودش اینقدر بها نمی‌داد که بخواهد طبقش اقدام مناسبی انجام دهد.

۱. زیرا خداوند این نقشه را به خود نسبت داده اند نه فکر و اندیشه یوسف علیه السلام؛ قرآن می‌فرماید:

«كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ». یوسف: ۷۶

۲. «... فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ قُلْ يَا يُوسُفُ أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ وَلُطْفِكَ الْعَمِيمِ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ فَقَالَهَا فَرَأَى الْمَلِكُ الرُّؤْيَا فَكَانَ فَرْجُهُ فِيهَا». تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۵۴

بنا براین هیچ بُعدی ندارد که حضرت یوسف علیه السلام توسط خداوند از صادق بودن این خواب مطلع و مامور گشته بر اساس آن، برنامه اقتصادی مصر را بچیند. همچنانکه در بعضی روایات تصریح شده که یوسف علیه السلام به زمان آزادیش خبر داده شد.^۱

و از همه جالبتر اینکه امام کاظم علیه السلام در روایتی موثق^۲ می‌فرماید: رؤیا به همان گونه که تعبیر شود اتفاق می‌افتد، و راوی در تایید حرف ایشان می‌گوید بعضی شیعیان روایت می‌کنند خواب پادشاه مصر واقعاً خوابی آشفته و بدون تعبیر بوده (و چون حضرت یوسف علیه السلام آن را آنگونه تعبیر کرد همانگونه شد)، و حضرت کاظم علیه السلام گفته او را نه تنها رد نکرده که با ذکر داستانی تایید می‌نمایند.^۳

خوب با توجه به مضمون این روایت، حضرت یوسف علیه السلام در واقع خواب پادشاه را تعبیر نکرده بلکه طبق علمی که از غیب داشته خبر از قحطی مصر و راهکار آن داده است نه اینکه بر اساس خواب پادشاه برای یک کشور برنامه ریخته باشد.

۱. «فَلَمَّا انْقَضَتِ الْمُدَّةُ وَأُذِنَ لِلَّهِ لَهُ فِي دُعَاءِ الْفَرَجِ فَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ «اللَّهُمَّ...».

تفسیر القمی ج ۱ ص ۳۴۵، تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۱۷۸ ح ۲۹

۲. سند این روایت موثق است. مرآة العقول ج ۲۶ ص ۴۹۰

۳. الکافی ج ۸ ص ۳۳۵-۳۳۶ ح ۵۲۸. لم تكن لها حقيقة، وإنما وقعت كذلك لتعبير يوسف عليه السلام، و إنما أورد الراوي تلك الرواية تأييداً لما ذكره عليه السلام. مرآة العقول ج ۲۶ ص ۴۹۱

حجیت خواب ۱۶۳۱

همه اینها به کنار، خود احمد بصری تصریح کرده که طبق آیات و روایات، رؤیا در هیچ چیز الا شناخت خلیفه خدا حجیت ندارد^۱ آنوقت شما که پیرو او هستید چطور ادعا می کنید خواب پادشاه مصر بر یوسف عَلَيْهِ السَّلَام حجت بوده است؟!

آیه پنجم) «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ»^۲

محتوا: در این آیه از به حقیقت پیوستن خواب رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آینده ای نزدیک خبر می دهد و این بعد از ممانعت مشرکین از حج مسلمین و رخداد صلح حدیبیه بوده است.

توضیح آنکه: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مسلمین خبر داده بودند که به زودی امکان حج برای آنها فراهم خواهد شد اما وقتی به سمت مکه رهسپار شدند مشرکین از ورود ایشان جلوگیری نمودند و واقعه صلح حدیبیه رخ داد که طبق آن به مسلمین اجازه داده شد سال بعد به حج بیایند. در پی آن حضرت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور بازگشت به مدینه را صادر کردند و به همین واسطه عده ای از مسلمین به شک افتاده و از حضرت پرسیدند: آیا شما نگفتید ما وارد مکه می شویم؟ و حضرت به ایشان تذکر دادند که آیا من گفتم همین امسال وارد مکه می شویم؟

۱. لا حجية للرؤيا في دين الله عقيدة و شريعة، غير ما أثبتته النص (القرآن و الروايات)، و هو ما بيناه من تشخيص مصداق خليفة الله في أرضه. عقائد الإسلام ص ۸۷

۲. فتح: ۲۷

گفتند نه. حضرت فرمودند: پس همانطور که گفتیم ما إن شاء الله وارد مکه خواهیم شد؛ بعد ایشان خواب دیدند که با مسلمین به حج مشرف شده اند^۱ و خداوند این آیه را نازل فرمود و سال بعد به حج مکه مشرف شدند.^۲ طبق این آیه، خواب پیامبر ﷺ راست و بدون تعبیر بوده و دقیقاً همانچه را در خواب دیده بودند به واقعیت پیوست و مسلمین با کمال امنیت وارد مسجد الحرام شدند.

نتیجه اینکه بعضی از خوابها راست هستند و اینقدر وضوح دارند که نیازی به تعبیرشان نیست، اما آیه معیاری ارائه نمی دهد که کدام خوابها نیاز به تعبیر دارند.

نکته ای مهم: در آیه بعدی خداوند چنین فرموده: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً»^۳: اوست کسی که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و خداوند به عنوان شاهد کفایت می کند.

۱. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ صَدَّ عَنْ الْبَيْتِ وَقَدْ كَانَ سَاقَ الْهُدَى وَ أَحْرَمَ أَرَاهُ اللَّهُ الرَّؤْيَا الَّتِي أَخْبَرَهُ اللَّهُ بِهَا فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرَّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَ مُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّ اللَّهَ سَيَقِي لَهُ بِمَا أَرَاهُ». الكافي ج ۶

ص ۴۸۶ ح ۵

۲. بحار الأنوار ج ۵۸، ص ۱۵۵-۱۵۶، مجمع البيان ج ۶ ص ۴۲۴

۳. فتح: ۲۸

و جریان یمانی ادعا کرده: «مراد از شهادت خدا اینست که خلیفه خود را در زمینش، با رؤیا و مکاشفه آشکار می‌کند، و گرنه چگونه خداوند شهادت می‌دهد؟ و چگونه خدا با بندگانش چه کافر و یا مؤمن سخن گفته و برای آنها شهادت می‌دهد؟»^۱

خوب در اینجا دو مطلب ادعا شده است: یکی اینکه مراد از شهادت خدا خواب دیدن بندگان می‌باشد و دیگر اینکه محتوای شهادت خداوند آشکار کردن خلیفه خود توسط رؤیاست.

اما در پاسخ باید گفت: اولاً مراد از شهادت خداوند سخن گفتن ایشان با بندگان نیست که حمل بر خواب و رؤیا شود، و اصلاً چون شهادت خداوند برای همه بندگان است و همه مومنان و کافران خواب ندیده اند، نمی‌توان این شهادت را همان خواب دیدن تفسیر کرد. نتیجه اینکه گواهی دادن خداوند هر چه هست طوریست که مورد شهود همه انسانها باشد غیر از اینکه در این قضیه خود پیامبر ﷺ خواب دیده اند نه دیگران درباره ایشان. ثانیاً در کجای آیه آمده که محتوای شهادت خداوند شناساندن خلیفه خود بوده است؟

بلکه طبق بیان آیه، شهادت خداوند یا بر راست بودن رؤیای پیامبر ﷺ می‌باشد و یا بر اینکه دین اسلام را بر همه دینها غلبه می‌دهد که اگر اولی باشد

۱. و کیف يمكن أن يشهد الله لخلقه بغير الوحي سواء المباشرة أو بتوسط بعض خلقه من الأرواح والملائكة، وأي طريق للوحي مفتوح دائماً بين الله و كل المكلفين غير الرؤيا الصادقة من الله. عقائد الإسلام ص ۷۲

گواهی دادن خداوند به محقق کردن وعده ای است که در خواب به رسولشان نشان دادند که این وعده محقق شد و گواهی خدا تحقق یافت. و اگر دومی باشد که درباره قیام امام زمان علیه السلام خواهد بود و گواهی دادن خدا به اینست که آیات و معجزات بزرگی در اختیار امام زمان علیه السلام قرار دهد که بر همه انسان ها حجت تمام گردد. و برای همین طبق روایات فراوان، همه میراث های انبیاء علیهم السلام دست ایشان است و وعده ای از پیامبران یهود^۱ و امت های گذشته همچون اصحاب کهف^۲ و حضرت عیسی علیه السلام با ایشان می آیند^۳ تا یهودی و مسیحی راهی برای انکار نداشته باشند.

و جالب اینکه این وعده غلبه اسلام بر همه دینها در بعضی روایات به روز رجعت موکول شده: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» * قَالَ: يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الرَّجْعَةِ^۴، در حالیکه فرقه یمانی رجعت را بعد از مهدی های دوازده گانه می داند که صدها سال از قیام امام زمان علیه السلام گذشته است.^۵

و تفسیر آیات دیگری که خدا را به عنوان شاهد پیامبر صلی الله علیه و آله کافی دانسته^۶

۱. از جمله حضرت الیاس و حضرت خضر علیهم السلام.

۲. إحقاق الحق ج ۱۳ ص ۲۶۶

۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۰۲، الأمالی (للصدوق) ص ۲۱۸ ح ۴

۴. مختصر البصائر ص ۸۸

۵. عالم الرجعة یبدء مع نهاية ملک المهدي الثاني عشر و هو القائم الذی یرج علیہ الحسین علیه السلام...

۶. الرجعة ثالث ایام الله الکبری ص ۲۴

۶. «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا». إسرائ: ۹۶، «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ ←

نیز از همین قرار است. یعنی اینکه خدای متعال آنقدر آیات و بینات در اختیار پیامبرش گذاشته که هر انسان منصفی ببیند یا بشنود پی به حقانیت ایشان می‌برد و اینگونه گواهی خداوند محقق می‌گردد نه اینکه فقط افراد معدودی را توسط خواب هدایت نماید!

آیه ششم) «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ».^۱

محتوا: در این آیه خبر از خوابی می‌دهد که پیامبر اسلام ﷺ درباره حادثه ای دیده اند که مایه آزمایش سخت مردم است.

توضیح آنکه: پیامبر ﷺ در خواب دیدند بوزیگانی بر منبر ایشان بالا و پایین می‌روند و جبرئیل خبر از غضب منبر ایشان توسط بنی امیه داد.^۲ نکته قابل توجه در این آیه اینست که خداوند وقوع این خواب را مستقیماً به

→ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً. نساء: ۱۶۶، «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتُ مُرْسَلاً قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». رعد: ۴۳
۱. اسراء: ۶۰

۲. «إن رسول الله ﷺ نام فرای آن بنی امیه یصعدون المنابر فكلما صعد منهم رجل رأى رسول الله الذلة والمسكنة فاستيقظ جزوعاً من ذلك، و كان الذين رأهم اثنا عشر رجلاً من بني أمية، فأتاه جبرئيل بهذه الآية، ثم قال جبرئيل: إن بني أمية لا يملكون شيئاً إلا ملك أهل البيت ضعفيه». تفسیر العیاشی ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۱۰۱، و: «نَزَلَتْ لَمَّا رَأَى النَّبِيُّ فِي نَوْمِهِ كَأَنَّ قُرُوداً تَصْعَدُ مِنْبَرَهُ فَسَاءَ ذَلِكَ وَغَمَّهُ غَمّاً شَدِيداً فَأَنْزَلَ اللَّهُ: وَمَا جَعَلْنَا...». تفسیر القمی ج ۲ ص ۲۱

خود نسبت می‌دهند: «أَرَيْنَاكَ» که می‌رساند این خواب از مختصات مقام نبوت و رسالت بوده، و همانطور که در ذیل آیه بعدی بیان می‌کنیم حکم وحی را داشته است. همچنین طبق روایتی که این آیه را تفسیر کرده، خواب پیامبر ﷺ دارای تعبیر بوده که توسط جبرئیل بیان شده است.^۱

آیه هفتم) «قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ... فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ».^۲

محتوا: این آیات پیرامون خواب حضرت ابراهیم علیهِ السلام مبنی بر سر بریدن فرزند عزیزش برای خدا می‌باشد.

نکات مهمی در این آیات وجود دارد، از جمله:

الف) هنگامی که حضرت ابراهیم علیهِ السلام این خواب را با فرزند خود مطرح کرد او پاسخ نداد پدر جان آنچه در خواب دیده ای انجام بده بلکه گفت: آنچه بدان امر می‌شوی را انجام بده.^۳

همچنانکه خود حضرت ابراهیم نیز به فرزندش فرمود: خداوند به من امر

۱. همان

۲. صافات: ۱۰۲-۱۰۵

۳. «قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ وَلَمْ يَقُلْ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا رَأَيْتَ». عیون أخبار الرضا علیهِ السلام ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۱، الخصال ج ۱ ص ۵۶

نموده که تو را ذبح کنم: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي بِذَبْحِكَ».^۱

و این بیان به وضوح می‌رساند که خواب پیامبران یکی از اقسام وحی بوده^۲ که شیطان در آن راه نداشته است و ایشان موظف بوده اند طبق آن عمل نمایند یا خبری را به مردم برسانند. و این واقعیت در روایات تصریح شده که قبلاً به بررسی آن پرداختیم.

همچنانکه خداوند در پایان آیه می‌فرماید: «ابراهیم به خواب خود جامه عمل پوشاند و ما اینچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم»، در حالیکه اگر خواب وی امر خدا نبود و او به غیر امر خدا عمل کرده بود نیکوکار نامیده نمی‌شد، زیرا در منطق قرآن، کسی نیکوکار است که به اوامر خدا عمل نماید.^۳

ب) از تعبیر «إني أرى» که فعل مضارع می‌باشد چنین برداشت می‌شود که ابراهیم عليه السلام چند مرتبه این خواب را دیده^۴ و در بعضی تفاسیر اهل سنت ذکر شده که ایشان سه مرتبه آن خواب را دیده است.^۵

ج) خواب حضرت ابراهیم عليه السلام دارای تعبیر نبوده و دقیقاً آنچه را دیده بود انجام داد.^۶ حال سوال مهم اینست که معیار تشخیص اینکه کدام خواب دارای

۱. الکافی ج ۴ ص ۲۰۷ ح ۹. سند روایت موثق است: مرآة العقول ج ۱۷ ص ۴۱

۲. هذا يدل على أن نوم الأنبياء عليهم السلام بمنزلة الوحي. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۵۲

۳. ليس بمحسن من امثال غير أمر الله تعالى في ذبح ولده. كنز الفوائد ج ۱ ص ۲۳۰

۴. قوله: «إني أرى» يدل على تكرار هذه الرؤيا له. الميزان في تفسير القرآن ج ۱۷ ص ۱۵۲

۵. أنوار التنزيل وأسرار التأويل ج ۵ ص ۱۵

۶. و اینکه بعضی مفسرین مضمون خواب ابراهیم عليه السلام را چیز دیگری دانسته اند که تاویلش ←

تعبیر و کدام خواب بی نیاز از تعبیر است چیست؟ در این باره هیچ بیانی در روایات بیان نشده، لذا تنها حضرات معصومین علیهم السلام هستند که می دانند چه خوابی دارای تعبیر است و چه خوابی بی نیاز از تعبیر می باشد.

از طرفی اگر خواب حضرت ابراهیم علیه السلام دارای تعبیر نبوده، پس چطور آنچه در خواب دیده بود رخ نداد و فرزند ایشان ذبح نشد و عوض او گوسفندی ذبح گشت؟

جواب این سوال اینست که ظاهراً حضرت ابراهیم علیه السلام در خواب دید مشغول ذبح کردن فرزند خویش است نه اینکه سر بریدن کامل او را دیده باشد، و دقیقاً همان را که دیده بود رخ داد^۱ و ایشان مشغول ذبح فرزند خویش شد اما جاقو نبرید و فرمان جدید خداوند مبنی بر ذبح گوسفند نازل گشت.^۲ غیر از اینکه در روایتی آمده که حضرت ابراهیم علیه السلام صدایی در خواب شنید که فرزندت را برای خدا ذبح کن و سپس صورت آن پسری که باید ذبح

→ سر بریدن بوده است دلیلی بر آن نیافتیم: فمعنی الآية أن إبراهيم قال لابنه إني أبصرت في المنام رؤيا تأويلها الأمر بذبحك. مجمع البيان ج ۸ ص ۷۰۶

۱. قد تسمى الأفعال التي في مقدمات الذبح مثل القصد والإضجاع وأخذ الشفرة ووضعها على الحلق ونحو ذلك ذبحاً مجازاً واتساعاً. كنز الفوائد ج ۱ ص ۲۳۰-۲۳۱

إنَّ الله تعالى لم يأمر إبراهيم بالذبح الذي هو فري الأوداج بل بمقدماته كالإضجاع وتناول المذبة و نحو ذلك والعرب تسمي الشيء باسم مقدماته يدل عليه قوله وَ نَذِينَا أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا.

متشابه القرآن و مختلفه (لابن شهر آشوب) ج ۲ ص ۱۵۱

۲. الكافي ج ۴ ص ۲۰۸ ح ۹

حجیت خواب ۱۷۱۱

شود نشان داده شد نه اینکه خود ذبح کردن را در خواب دیده باشد: «... فَأَمَرَهُ اللَّهُ أَنْ يَذْبَحَ ابْنَهُ وَقَدْ رَأَى فِيهِ شَمَائِلَهُ وَخَلَاتِقَهُ».^۱

و با توجه به این حدیث، مراد قرآن از اینکه می‌گوید: ابراهیم علیه السلام خواب دید فرزندش را ذبح می‌کند، شنیدن امر و دیدن صورت فرزند در خواب است، مگر اینکه قائل به تعدد خواب ایشان شویم.

آیه هشتم) «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَلْتُمْ وَتَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ».^۲

محتوا: این آیه در رابطه با جنگ بدر است که خداوند در عالم خواب، تعداد لشکر مشرکان را به پیامبر صلی الله علیه و آله کم نشان دادند و ایشان نیز همین را به اصحاب خود فرمودند و روحیه آنها برای جنگ با مشرکان تقویت شد.

توضیح آنکه: وقتی مسلمین برای مصادره کاروان تجاری قریش رهسپار گشتند، قریش خبردار شد و مسیر کاروان را منحرف ساخت و در عوض، لشکری که از نظر تعداد، سه برابر مسلمین بود را به جنگ آنها فرستاد. مسلمین شب را در راه خوابیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله در رؤیا تعداد لشکر قریش را کم دیدند و فردا به اصحاب خبر دادند.^۳

۱. همان ص ۲۰۷ ح ۹. سند روایت موثق است. مرآة العقول ج ۱۷ ص ۴۱

۲. انفال: ۴۳

۳. ابْنُ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ: «إِنَّ الصَّحَابَةَ فَرَعُوا لَمَّا فَاتَ عَيْرَ أَبِي سُفْيَانَ وَأَذْرَكَهُمْ الْقِتَالُ فَبَاتُوا لَيْلَتَهُمْ... فَرَأَى النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فِي مَنَامِهِ قَلِيلَةً قُرَيْشٍ قَوْلُهُ إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا فَلَمَّا التَقَى ←

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است: یکی اینکه طبق ظاهر آیه، خوابی که پیامبر ﷺ دیده اند دارای تعبیر بوده و آن اینکه عده دشمن از نظر روحیه و نداشتن هدف متعالی در جنگ کم است نه از نظر تعداد نفرات. دوم اینکه چون خواب انبیاء ﷺ در حکم وحی است و ابهام و اشتباه در وحی امکان ندارد^۱، شخص پیامبر ﷺ از واقعیت آن خواب آگاه بوده اند اما تکلیفشان این بوده که همان چه دیده اند را برای اصحاب تعریف کنند نه تعبیرش را.

نکاتی که در این آیه وجود دارد اینست که:

- (الف) قرآن رخداد این خواب پیامبر ﷺ را به خود خداوند نسبت داده: «يُرِيكَهُمُ اللَّهُ»، و این می‌رساند خواب پیامبر ﷺ وحی گونه بوده است.
- (ب) بعضی از خواب های انبیاء ﷺ دارای تعبیر بوده نه صریح در موضوع، اما ایشان تعبیرش را هم می‌دانسته اند.
- (ج) نکته دیگر آن است که مسلمانان صدر اسلام به این امر عادت داشته و می‌دانستند خوابهای نبوی دستورات الهی است و روی خوابهای پیامبر ﷺ بحث و برنامه ریزی می‌کردند، زیرا این آیه می‌گوید اگر نفرات دشمن در خواب

→ الْجَمْعَانِ اسْتَحَقَرَا كُلُّ جَيْشٍ صَاحِبَهُ». مناقب آل أبي طالب ﷺ (لابن شهر آشوب) ج ۱ ص ۱۴۱
 و: «معناه یریکهم الله في نومك قليلاً لتخبر المؤمنين بذلك فيجترءوا على قتالهم وهو قول أكثر المفسرين». مجمع البيان ج ۴ ص ۸۴۰، بحار الأنوار ج ۱۹ ص ۲۳۴
 ۱. لا يجوز أن يلهمه اعتقاداً للشيء على خلاف ما هو به لأن ذلك يكون جهلاً لا يجوز أن يفعله الله سبحانه. همان

پیامبر زیاد بود، شما پس از شنیدن خواب ایشان سست می‌شدید و به جنگ نمی‌رفتید و پیروزی در جنگ بدر را از دست می‌دادید: «وَلَوْ أَرَاكَهْم كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ».

آیه نهم) «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ».^۱

محتوا: این آیه دو جور تفسیر شده:

یکی اینکه در گوشی حرف زدن دو نفر مقابل نفر سوم کاری شیطانی است که باعث ناراحت شدن آن فرد سوم می‌شود، و از پیامبر ﷺ نقل شده: زمانیکه سه نفر بودند دو نفری در گوشی سخن نگویید زیرا این کار باعث غمگین شدن نفر سوم می‌شود: «إِذَا كُنْتُمْ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى اثْنَانِ دُونَ الثَّالِثِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزُنُهُ».^۲ و دوم اینکه نجوای شیطان برای محزون ساختن مومنین می‌باشد، که در بعضی روایات به خوابهای آشفته از جانب شیطان تفسیر گشته است.^۳

نکته‌ای که از این تفسیر به دست می‌آید اینست که شیطان توانایی خواب

۱. مجادلة: ۱۰

۲. عوالي اللئالي ج ۱ ص ۱۴۶

۳. «إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ: أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ ... فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى

رَسُولِهِ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ ...». تفسیر القمي ج ۱ ص ۳۵۵-۳۵۶

و: «إِذَا رَأَى الرَّجُلُ مَا يَكْرَهُ فِي مَنَامِهِ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقِّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ نَائِمًا وَ لِيَقُلْ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ لِيَقُلْ عُدْتُ بِمَا عَادْتُ ...». الكافي

ج ۸ ص ۱۴۲ ح ۱۰۶

سازی حتی برای مومن را دارد و بعضی خوابها باطل می‌باشند.
 آیه دهم) «وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرُسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ
 أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ».^۱

محتوا: در این آیه تصریح شده که خداوند به خواریون عیسی ﷺ وحی
 فرستاد که به من و پیامبرم عیسی ایمان بیاورید.

فرقه یمانی ادعا می‌کند که مراد از وحی در اینجا، خواب دیدن آنها بوده
 است.^۲ این در حالیست که در هیچ روایتی چنین چیزی بیان نشده، بلکه در
 روایات، وحی بر آنها دو گونه تفسیر شده است.^۳ یکی اینکه مراد از وحی در
 اینجا الهام است: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عِزَّ إِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ قَالُوا أَلْهِمُوا»^۴،
 همچنانکه در قرآن آمده که خدا به زبور هم وحی نموده: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى
 النَّحْلِ»^۵ که منظورش الهام می‌باشد.^۶

و دیگر اینکه مراد امر کردن خدا به آنها به واسطه وحی بر حضرت
 عیسی ﷺ است.^۷ «وَإِنَّمَا وَحْيُ الْأَمْرِ فَقَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ

۱. مائده: ۱۱۱

۲. عقائد الإسلام ص ۷۱، ادله جامع یمانی ص ۶۲

۳. منهج الصادقین ج ۳ ص ۳۴۸

۴. تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۳۵۰ ح ۲۲۱

۵. نحل: ۶۸

۶. «وَإِنَّمَا وَحْيُ الْإِلَهَامِ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ». بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۱۶

۷. آی: امرتھم علی السنة رسلی. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ج ۴ ص ۲۶۰

آمَنُوا بِی وَ بِرَسُولِی»^۱، و از این جهت وحی به خود آنها نسبت داده شده که مضمومش مخصوص به ایشان بوده است. و اگر اشکال شود که چگونه ممکن است خدا کسی را که به پیامبری ایمان نیاورده توسط همان پیامبر امر به ایمان آوردن کند، در پاسخ می‌گوییم: آنها به حضرت عیسی علیه السلام ایمان آورده بودند و این ایمان غیر از ایمان قبلی و از قبیل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ»^۲، می‌باشد.^۳

همچنان که احتمال دارد وحی به آنها به صورت مستقیم رخ داده باشد چون بعضی از آنها پیامبر بوده اند.^۴

آیه یازدهم) «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ»^۵.

۱. بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۱۶

۲. نساء: ۱۳۶

۳. علت این برداشت به طور تفصیل در بعضی تفاسیر بیان شده است. مراجعه شود به المیزان فی تفسیر القرآن ج ۶ ص ۲۲۱

۴. ربما دل قوله تعالى: «وَإِذْ أُوحِيَ إِلَى الْخَوَارِجِ...» أن إجابتهن إنما كانت بوحى من الله تعالى إليهن، وأنهم كانوا أنبياء فيكون الإيمان الذي أجابوه به هو الإيمان بعد الإيمان. الميزان فى تفسير القرآن ج ۳ ص ۲۰۴

۵. انبياء: ۵. بعضی از این آیه و شبیه به آن چنین توهم کرده اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هیچ معجزه‌ای نداشته اند، در حالیکه درخواست این مشرکان معجزه‌ای مانند معجزات گذشتگان بود که در آیات دیگر بدان تصریح شده است.

محتوا: در این آیه سخن مشرکان بازگو شده که می‌گفتند حرفهایی که پیامبر می‌زند بخاطر دیدن خواب های آشفته است نه بلکه بر خدا عمداً دروغ می‌بندند نه بلکه روانش بر عقلش غلبه پیدا کرده و سجع می‌بافد و الا معجزه‌ای مثل معجزه پیامبران گذشته بیاورد.

احمد بصری می‌گوید: مراد مشرکان از خواب های آشفته، همان رؤیاهای صادقه ای بوده که مردم درباره پیامبر می‌دیده اند^۱، لذا هر کس خواب های صادقه ای که پیروان مدعی یمانی دیده اند را خواب آشفته و باطل تلقی کند پیرو مشرکان بوده بلکه راساً کافر است.^۲

این در حالیست که پیامبر ﷺ هیچگاه به خوابهای خود یا دیگر مسلمانها بر مشرکان استدلال ننمود، لذا سخن مشرکان در این آیه ربطی به آنچه جریان مدعی یمانی می‌گوید ندارد، بلکه هدف مشرکان این بود که مطالبی که پیامبر ﷺ به عنوان وحی الهی بیان می‌کند را مستند به خوابهای پریشان کنند. یعنی می‌گفتند پیامبر چیزهایی در خواب های آشفته می‌بیند و می‌آید همانها را به عنوان وحی الهی با بیان دیگری به ما عرضه می‌کند و چون نمی‌توانستند این ادعا را اثبات کنند مدام آن را تغییر داده و از ادعای توهم زدگی در خواب، به

۱. وردوا نص الله على محمد ﷺ نبیه بالرؤیا التي يراها الناس فقالوا كقولهم اليوم: «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ...». عقائد الإسلام ص ۷۹

۲. فمن يستخف بنص الله وبشهادة الله ووحی الله لأجل أهواه ماذا يمكن أن يوصف! غير أنه- في الحقيقة - كافر بالله. همان ص ۸۳

ادعای دروغ بافی آشکار پناه بردند و از آن نیز به شاعر بودن و غلبه پیدا کردن روان بر عقل و حتی جن زدگی، سحر و کهنات.^۱

آیه دوازدهم) «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ».^۲

محتوا: در این آیه خداوند از کسانی که حقانیت پیامبر ﷺ را انکار می‌کنند چنین می‌پرسد که: آیا احلامشان آنها را به اینجا کشانده یا اینکه علت انکارشان سرکش بودن نفس‌های ایشان است؟

و مراد از «احلام» یعنی عقلهای آنان^۳، زیرا «احلام» جمع «حلم» به معنای بردباری است که چون داشتن آن از نشانه‌های عقل است به معنای عقل هم به کار می‌رود.^۴ اما بعضی گمان کرده‌اند منظور از «احلام» در این آیه، خواب دیدن است و خدا می‌خواهد بگوید: آیا خوابهای تان شما را به این انکار راهنمایی نموده که در این صورت دارای برهان هستید یا اینکه برای مخالفت تان دلیلی ندارید و چون سرکش هستید انکار می‌کنید. در نتیجه آیه در صدد اثبات برهانی بودن خواب است.

۱. تهمت جن زدگی در آیات زیادی حکایت شده است، از جمله: قلم: ۵۱. و همچنین است تهمت سحر: صافات: ۱۵، و کهنات: حاقه: ۴۲.

۲. طور: ۳۲

۳. تفسیر القمی ج ۲ ص ۳۳۳

۴. قال الله تعالى: «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا»، قيل: معناه عقولهم وليس الحلم في الحقيقة هو العقل لكن فسروه بذلك لكونه من مسببات العقل. مفردات ألفاظ القرآن ص ۲۵۳

این در حالیست که اگر «احلام» را به معنای خواب بگیریم، از آنجا که در فرهنگ قرآن و روایات، احلام جمع «حُلُم» بر خواب های باطل و پریشان اطلاق می شود، معنای آیه این می شود که: آیا خواب های پریشان تان شما را به مخالفت سوق داده یا سرکشی تان. لذا آیه اصلاً در صدد اثبات برهانی بودن خواب نیست و ارتباطی با آنچه فرقه مدعی یمانی ادعا می کنند ندارد.

آیه سیزدهم) «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ»^۱

محتوا: این آیه سخن بلقیس را بازگو می کند در آن وقت که نامه حضرت سلیمان عليه السلام توسط عليه السلام هُدهد به او رسید، و او گفت: به من نامه ارزشمندی رسیده است. جریان مدعی یمانی چنین ادعا می کند که بلقیس از کجا دانست آن نامه بزرگ و ارزشمند است جز از طریق رؤیا؟ آری چون بلقیس در عالم رؤیا دانسته بود که سلیمان عليه السلام پیامبر خداست فهمید نامه او با ارزش است.^۲

اما این فقط صرف ادعاست و آیه هیچ ارتباطی با مساله رؤیا و حجیت آن ندارد، و بلقیس هم از محتوای نامه پی به بزرگی و ارزشمندی آن برد، و یا چون طبق بعضی تواریخ^۳ و تفاسیر^۴، درهای قصر بسته بود و هدهد آن را از دریچه

۱. نمل: ۲۹

۲. المشابهات ج ۱- ۴ ص ۲۳۶ ذیل سوال ۱۴۵، نصيحة الي طلبة حوزات العلمية ص ۱۸، جامع الأدلة ص ۳۱۱ و

۳. ترجمه نهاية الأرب، نویری ج ۹ ص ۱۱۳-۱۱۴

۴. إذ كانت مستلقية في بيت مغلفة الأبواب فدخل الهدهد من كوة وألقاه على نحرها بحيث لم تشعر به. أنوار التنزيل و أسرار التأويل ج ۴ ص ۱۵۹

کوچکی از سقف به دامن بلقیس که خوابیده بود انداخت، و او نفهمید چگونه این نامه به درون قصر رسیده است، آن را خارق العاده و ارزشمند تلقی نمود. لذا این سخن که چون نمی‌دانیم بلقیس از کجا کریمانه بودنِ نامه را فهمیده پس حتماً از طریق رؤیا بوده، واقعاً سبک و غیر منطقی است.

آیه چهاردهم) «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَلَبِثَ فِي السَّحْلِ إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ».^۲

محتوا: این آیات درباره وحی خدا به مادر موسی علیه السلام در راستای نجات جان وی سخن می‌گوید.

اهل سنت در کیفیت این وحی چهار احتمال داده اند^۳ از جمله اینکه وحی به مادر موسی علیه السلام در خواب بوده و ایشان بر اساس یک خواب، کودک خویش را در صندوقی به دریا افکنده است، و البته بعضاً از این احتمال تعبیر به «قیل»^۴ نموده اند^۵ که مشعر به ضعف آن می‌باشد و در تفسیر مجمع البیان این عقیده به جبائی رئیس معتزله نسبت داده شده است.^۶

۱. قصص: ۷

۲. طه: ۳۸-۳۹

۳. بالهام أو في منام أو على لسان نبي في وقتها أو ملك. أنوار التنزيل وأسرار التأويل ج ۴ ص ۲۷

۴. وقيل: إنه كان رؤيا منام. وضع البرهان في مشكلات القرآن ج ۲ ص ۱۴۵

۵. قيل كانت رأت في المنام عن الجبائي. مجمع البیان ج ۷ ص ۱۸ و: قيل كان هذا الوحي رؤيا منام ←

و در میان شیعه تنها یک نفر این کلام را با عنوان اتفاق اهل اسلام مطرح نموده است^۱، اما احمد بصری بدون ارائه هیچ دلیلی این وحی را در عالم رؤیا می‌داند.^۲

این در حالیست که در هیچ روایتی مساله خواب دیدن ایشان مطرح نگشته^۳ بلکه طوری سخن گفته شده که می‌رساند او در بیداری صدا را شنیده است، از جمله: خدا تابوت را بر موسی نازل کرد و به مادرش ندا داده شد: «أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُوسَى التَّابُوتَ وَ نُودِيََتْ أُمُّهُ ...»^۴.

همچنانکه در میان مفسران شیعه کسی را نیافتیم که وحی مادر آن حضرت را تفسیر به خواب کرده باشد، و اگر هم کسی چنین تفسیری نماید چون بدون

→ عبر عنها من يثق به من علماء بني إسرائيل عن الجبائي. همان ص ۳۷۷

۱. اتفاق اهل الإسلام على أن الوحي كان رؤيا مناما أو كلاما سمعته أم موسى في منامها على الاختصاص. تصحيح اعتقادات الإمامية ص ۱۲۱. البته این ادعا خلاف حقیقت بوده و نه تنها چنین اتفاقی وجود ندارد که اصلاً در میان شیعه به ندرت مطرح شده است.

۲. فأوحى الله بالرؤيا لأم موسى. عقائد الإسلام ص ۷۱

۳. بله در تفسیر المیزان ادعا شده که وحی به ایشان طبق روایات در خواب بوده است: (رؤيا أم موسى ... على ما ورد في الروايات أنه كان رؤيا. الميزان في تفسير القرآن ج ۱۱ ص ۲۶۸)، اما نه تنها در بحث روایی هیچ حدیثی به این مضمون ذکر نمی‌کند که هنگام تفسیر آیه نیز می‌گوید این وحی به صورت الهام بوده است: (و المعنى: و قلنا بنوع من الإلهام لأم موسى. همان ج ۱۶ ص ۱۰). اما نیازی به این بحثها نیست چون روایات پیش روی ماست و همانطور که گفتیم، در هیچکدام وحی به مادر آن حضرت تفسیر به خواب نشده است.

۴. تفسیر القمي ج ۲ ص ۱۳۵

حجیت خواب ۱۸۱

دلیل است قابل پذیرش نیست، غیر از اینکه به تصریح شیخ مفید، این یک قضیه شخصی مخصوص به مادر حضرت موسی علیه السلام بوده^۱، و نمی توان از آن یک قاعده کلی با عنوان حجیت خواب استنباط کرد.

همه اینها به کنار، مگر نه اینکه مدعی یمانی تصریح می کند رؤیا وقتی راه شناخت حجت خداست که متواتر باشد؟ پس کو تواتر رؤیا در خواب یوسف علیه السلام، کو تواتر رؤیا در خواب بلقیس، کو تواتر رؤیا در خواب مادر موسی علیه السلام؟ اینها که همه تک خواب بودند پس چگونه برای عموم مردم راه شناخت حجت خدا تلقی شدند؟ حق اینست که تواتر که هیچ، تعدد افراد خواب بیننده هم از هیچیک از آیات بدست نمی آید الا شماره ۱ و ۲ و ۳ از آیات ادعا شده که پاسخ آنها داده شد.

خاتمه: خلاصه آنچه ما از این آیات به دست می آوریم اینست که:

۱. خوابها لا اقل بر دو قسمند: رؤیای صادقه و احلامی که دارای تعبیر نیستند.

۲. شرط دیدن رؤیای صادقه مومن بودن نیست، همچنانکه خادم پادشاه مصر و خود پادشاه خواب راست دیدند ولی به صورت طبیعی غیر مومن به ندرت خواب راست می بیند، اما شرط دیدن رؤیای حسنه و بُشری، ایمان بسیار بالاست.

۱. کان رؤیا مناما أو كلاما سمعته أم موسی فی منامها علی الاختصاص. تصحیح إعتقادات الإمامیه ص ۱۲۱

۳. خواب های راست بر دو نوعند: آنها که صریح و روشنند و نیاز به تعبیر ندارند و آنها که نیازمند به تعبیر هستند، و پیامبران علیهم السلام هر دو نوع را می دیده اند.
۴. علم تعبیر خواب، علمی الهی است که خداوند به بعضی انبیاء عطا می نموده است.
۵. خواب پیامبران علیهم السلام در حکم وحی بوده و شیطان در خواب ایشان تسلطی نداشته است.
۶. شیطان توانایی خواب سازی برای مومن را دارد و بعضی خوابهای مومن باطل است.
۷. عموم خوابهایی که در قرآن ذکر شده مربوط به رخداد وقایعی در آینده بوده و هیچیک در اثبات امری مربوط به شریعت یا معرفی حجت خدا نیست. مگر خواب حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد امری که مربوط به مقام نبوت و شخص ایشان بوده و مورد دیگری برایش یافت نمی شود.
۸. قرآن درباره اینکه غیر معصوم هم می تواند تعبیر خواب کند بیانی ندارد.
۹. اعتنا به خواب مذموم نیست و فرد می تواند به دنبال تعبیرش بگردد.
۱۰. در قرآن درباره خواب های دارای حجیت برای افراد عادی و نیز حجیت خواب افراد عادی سخنی گفته نشده است.
۱۱. آنچه در قرآن مطرح شده تنها رؤیایی است که انبیاء علیهم السلام دیده اند یا ایشان آن را تعبیر نموده اند و این اخص از مدعاست که خواب از مردم و تعبیر

توسط غیر معصوم باشد، و از نظر علمی استدلال به اخص برای اثبات اعم باطل است.

بخش دوم) حجیت خواب در روایات

در میان احادیث شیعه، روایاتی وجود دارد که ممکن است توهم حجیت خواب را ایجاد کند. ما در این بخش به بررسی مهمترین این روایات اکتفا می‌نماییم.

۱. «خَيَّارُكُمْ أُولُو التُّهَى قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أُولُو التُّهَى فَقَالَ أُولُو التُّهَى أُولُو الْأَحْلَامِ الصَّادِقَةِ».^۱

محتوا: در این روایت از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده: بهترین شما اولوا التُّهَى هستند یعنی کسانی که دارای احلام صادق می‌باشند؛ و بعضی گمان کرده‌اند منظور از احلام خواب است.^۲

تدبر: غافل از اینکه لفظ «احلام» اگر جمع حُلُم باشد به معنای خواب است اما اگر جمع حِلْم باشد به معنای عقل یا بردباری می‌باشد^۳، و در اینجا لا اقل به دو دلیل عقل مراد است نه خواب:

۱. کتاب الغایات، احمد القمی ص ۸۹، بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۰ ح ۵۷

۲. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۰ ح ۵۷

۳. الأحلام جمع حلم بالكسر بمعنى العقل أو الأناءة و عدم التسرع إلى الانتقام و هو هنا أظهر. مرآة العقول ج ۹ ص ۲۷۸

اولاً با توجه به کلمه «أُولُو النُّهَى» که به معنای صاحبان عقل می‌باشد^۱ منظور از «أُولُو الْأَحْلَامِ الصَّادِقَةِ» که در تفسیر آن کلمه آمده نیز عقل‌های راستگو است یعنی کسانی که عقلشان ایمان آنها را تصدیق نموده و به کارهای نیک و می‌دارد و معنای حدیث اینست که بهترین شما صاحبان عقلهای راستگو هستند.

ثانیاً این حدیث بدون هیچ سندی در کتابی ضعیف نقل شده در حالیکه همین روایت در کتاب «کافی» با سند به این گونه ثبت گشته است: «إِنَّ خِيَارَكُمْ أُولُو النُّهَى قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أُولُو النُّهَى قَالَ هُمْ أُولُو الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ وَالْأَحْلَامِ الرَّزِينَةِ وَصِلَةِ الْأَرْحَامِ وَالْبِرَّةِ بِالْأُمَّهَاتِ وَالْأَبَاءِ وَ...»^۲. که اولاً «أُولُو النُّهَى» را صاحبان «الْأَحْلَامِ الرَّزِينَةِ» معرفی نموده نه احلام صادق و «رزینه» به معنای سنگین^۳ یعنی متین می‌باشد و در زبان عرب به زن عاقل «رزینه»^۴ و به مرد صاحب حلم «رزین» گفته می‌شود^۵. و این قطعاً با معنای خواب سازگاری ندارد و الا مضمون حدیث این می‌شود که بهترین شما کسی است که خوابش سنگین باشد! و ثانیاً این خصوصیت را در کنار اخلاق نیکو و صله رحم و خوبی به مادر

۱. النهية بالضم العقل كالنهي. القاموس المحيط ج ۴ ص ۴۵۹، النهية العقل الناهي عن القبائح جمعها نهى. مفردات ألفاظ القرآن ص ۸۲۷

۲. الکافی ج ۲ ص ۲۴۰ ح ۳۲

۳. الرزین: الثقیل من کل شیء. لسان العرب ج ۱۳ ص ۱۷۹

۴. الرزينة: العاقلة. الإفصاح فی فقه اللغة ج ۱ ص ۳۳۰

۵. رَجُلٌ رزین: أي حلیم. شمس العلوم ج ۴ ص ۲۴۹۱

و پدر و دیگر کارهای خیر شمرده که از سیاق کلام کاملاً مشخص است مراد افرادی هستند که ایمان شان در اعمالشان نمود دارد و حکم عقل را بر هوای نفس ترجیح می دهند.

و به همین معناست کلام امیر المومنین علیه السلام: «إِنَّمَا سِرَاةُ النَّاسِ أَوْلُوا الْأَحْلَامِ الرَّغِيَّةِ وَالْهِمَمِ الشَّرِيفَةِ وَ ذَوُو النَّبْلِ».^۱

حال بر فرض که سخن این حدیث درباره خواب باشد اما چه ربطی به حجیت خواب دارد؟! زیرا اولاً جایگاه خاصی برای خواب صادق بیان نمی کند که مثلاً راه شناخت حجت خدا هم هست یا نه، و ما نیز قبلاً توضیح دادیم که خواب صادق تلازمی با حجیت خواب ندارد، ثانیاً حدیث از کسانی سخن می گوید که همیشه خواب راست می بینند و الا هر کسی ممکن است رؤیایی صادق مشاهده کند، و از آنجا که طبق حدیث «توحید مفضل» فقط انبیاء علیهم السلام بوده اند که همه خوابهای شان صادق بوده، مراد حدیث معصومین علیهم السلام^۲ یا متقرب ترین افراد به مقام ایشان است نه هر کسی.

۲. امام رضا علیه السلام: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ

۱. عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ص ۱۸۰ ح ۳۶۹۱. بهترین و بزرگوارترین مردم صاحبان عقلهای

عمیق و نیات ارزشمند و با نجاتند. ترجمه بر طبق: شرح آقا جمال بر غرر الحکم ص ۹۶

۲. همچنانکه در حدیثی فرمودند: ما به خدا قسم اولو النهی هستیم: «نَحْنُ وَ اللَّهُ أَوْلُو النَّهْيِ». تفسیر

القمی ج ۲ ص ۶۱

لَا ضَحَايَه: هَلْ مِنْ مُبَشِّرَاتٍ؟ يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيَا»^۱.

محتوا: در این حدیث آمده روش پیامبر ﷺ کلاً این بوده که هر روز صبح به اصحاب خویش می فرمودند: آیا کسی مبشرات دیده؟ و مرادشان رؤیا بوده است.

تدبر:

الف) مبشرات یعنی چه؟ طبق تصریح روایت، مراد از "مبشرات" رؤیاست، اما نه خواب هایی که به امور دنیوی بشارت دهد و مثلاً کسی خواب ببیند خانه خریده یا قرض هایش را داده است. زیرا هر چند اینها باعث شادی شخص می شود ولی قطعاً پیامبر ﷺ نمی آمدند از این چیزها پرسند. در نتیجه به اقتضای تناسب حکم و موضوع یعنی بشارت و ایمان، محتوای مبشرات مطالبی درباره عاقبت مومن است که او با دیدن آنها شاد می گردد.

ب) مبشر صادق: طبق آنچه قبلاً توضیح دادیم اصطلاح «رؤیا» غالباً به معنای خواب های راست می باشد، غیر از اینکه سوال پیامبر ﷺ نیز از خواب های راست بوده است نه خواب های باطل. این در حالیست که در آن زمان شخص پیامبر ﷺ تشریف داشته و مبشر صادق را از خواب باطل جدا می نمودند اما همینکه که دست ما از معصوم کوتاه است برای فهم صدق رؤیا راهی جز مراجعه به معیارهای راست بودن خواب نداریم که شامل زمان، مکان،

حالت، روز و محتوا می بود و در گذشته آنها را بیان کردیم.

از طرفی طبق تصریح خود پیامبر ﷺ بعضی از مبشرات از جانب شیطان می باشد و این زمانست که فرد اهل عمل به همه قرآن نباشد: هرگز یکی از شما به خاطر رؤیایی که خودش دیده یا دیگری درباره او دیده مغرور نشود، بلکه خود را بر کتاب خدا عرضه کند اگر عمل کننده به آن بود شاد شود و الا بداند که خوابش از طرف شیطان بوده است: «لَا يَغْتَرَنَّ أَحَدُكُمْ بِالرُّؤْيَا يَرَاهَا أَوْ تُرَى لَهُ وَ لَكِنْ فَيَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا كَانَ عَامِلًا بِهِ فَلْيَفْرَحْ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهَا مِنَ الشَّيْطَانِ».^۱

محدث نوری در این باره می گوید: طبق خود حدیث، اگر کسی به مبشره ای که دیده بود مغرور شود نشانه الهی نبودن آن خواب است، زیرا مبشرات زمانی نعمت الهی هستند که بر خوف یا شوق یا عمل صالح آن شخص بیفزایند و الا ممکن است مصداقی از امتحان، استدراج یا پاداش دنیوی برای محروم ماندن از پاداش اخروی باشد.^۲

در نتیجه خواب هایی که پیروان فرقه های باطل می بینند که مثلاً در بهشت جای داده شده اند، یا صدایی شنیده اند که شما به خاطر همین عقیده بهشتی خواهید بود، نمی تواند جزء مبشرات تلقی شود چون این طور خوابها اگر از

۱. الجعفریات ص ۲۴۷

۲. إن نفس حصول الاغترار بها علامة عدم كونها نعمة من الله تعالى عليه لأنها تصير نعمة لو زادت في خوفه او شوه او عمله ... دار السلام ج ۴ ص ۱۸۸

طرف شیطان نباشد ناشی از حدیث نفس و انعکاس ذهنیات آنها در خواب می باشد. و همین طور است خواب هایی که قبل از گرویدن به فرقه های باطل دیده شده که خواب بیننده را بشارت به حقانیت فلان فرقه داده است.

و البته باید توجه داشت که مراد ما از «مبشرات» این نیست که کسی معصومی را در رؤیا دیده و ایشان به او بشارتی داده باشند، چون این نوع خواب ها را در بخش خواب دیدن معصومین علیهم السلام بررسی می کنیم.

ج) مبشر به معنای مشرّع نیست! منظور از مشرّع یعنی خوابی که در آن از وضع حکم جدید، نسخ حکم قدیم، تغییر محدوده و شرایط احکام، رخداد بداء در اخبارات پیامبر صلی الله علیه و آله، تاسیس عقیده ای جدید و از این قبیل موضوعات خبر داده شود.

یاران احمد «مبشرات» را به معنای مشرّعات یا چیزی که شامل مشرّعات هم بشود گرفته اند لذا به خواب های خود برای حقانیت عقیده به ۲۴ وصی استناد می نمایند^۱، در حالیکه هیچیک از این دو معنی صحیح نیست. زیرا اگر معنای اول را بگیریم یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز صبح می پرسیده اند چه کسی خوابی درباره احکام جدید یا عقائد دینی دیده؟! آیا معقول است پیامبری که خود متصل به وحی بوده و مشرّع احکام و خبر دهنده از عقاید حقیقی است از خواب دیگران کمک بگیرد و به خواب اصحابش استناد نماید؟ غیر از اینکه رخداد

۱. فصل الخطاب فی حجة رؤیا ولی الالباب ص ۱۲۰

چنین چیزی صریحاً توسط امام صادق علیه السلام نفی شده و عقیده مند به آن دروغگو معرفی گشته است.^۱

و اگر معنای دوم را انتخاب کنیم با روایت قبلی که می گفت رؤیای مومن در آخر الزمان جزئی از نبوت است سازگاری ندارد. زیرا این می گوید از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خوابهایی بوده و آن می گوید در آخر الزمان چنین خوابهایی خواهد بود.^۲

غیر از اینکه "بشارت" نوعی اخبار و خبر دادن است اما تشریع نوعی إنشاء و قرار دادن است پس امکان ندارد که «مبشرات» شامل تشریع حکم یا عقیده باشد.

همچنین رتبه انشاء و تشریع مقدم بر رتبه اخبار و تبشیر است. یعنی تا حکم یا عقیده ای وضع نشده باشد خبر دادن از آن امکان ندارد. مگر اینکه گفته شود، مراد کاشفیت «مبشرات» از تشریع است، اما این کاشفیت، زمانی ثابت می شود که راست بودن خواب با دلیل دیگری به اثبات رسیده باشد.

بنا بر این، بر فرض که بپذیریم مبشر شامل کاشف از تشریع هم می شود، اما از آنجا که هر خواب مبشری راست نیست و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به دنبال

۱. «... قُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ أُبَيَّ بْنَ كَعْبٍ رَأَاهُ فِي النَّوْمِ فَقَالَ كَذَبُوا...». الکافی ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱
۲. و استناد ما به مفهوم وصف یا لقب نیست تا عدم حجیت آنها مطرح شود بلکه مستند ما فهم عرفی است که از قید آخر الزمان حصر را می فهمد. همچنانکه چون آن حدیث منتسب به امام صادق علیه السلام می باشد قطعاً نگاهی به آینده است نه گذشته و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله.

خواب‌های باطل نبودند، تا زمانی‌که صادق بودن رؤیای مبشر به اثبات نرسد اعتباری نداشته، کشفی از تشریع نمی‌کند.

د) تعبیر مبشرات: همانطور که در گذشته توضیح دادیم، خواب‌های راست دارای دو قسمند: آنها که صریح و واضح می‌باشند و نیازی به تعبیر ندارند و آنها که دارای تاویل می‌باشند و باید تعبیر شوند، و خواب‌های مبشر نیز از این قاعده مستثنی نیستند. و از آنجا که تعبیر خواب نیز فقط در دست اهل بیت علیهم‌السلام بوده است، صرف اینکه کسی خواب راستی دید که از آن خشنود شد نمی‌تواند مفهومی از آن استنباط نماید. همچنانکه تعبیر بسیاری از خوابها به خاطر جنسیت خواب بیننده یا شب و روز یا ساعتی که خواب دیده، یا شرایط جسمی یا روحی یا اعمالی که انجام داده و ارونه یا با تاخیر است. پس می‌شود کسی اهل یک فرقه باطل باشد و خواب ببیند بهشتی است در حالیکه تعبیرش مربوط به زمانی است که دست از گمراهی برداشته و اعتقاد صحیح پیدا نماید. درست مانند ندائی که حر هنگام خروج از کوفه برای دستگیر کردن امام حسین علیه‌السلام شنید که او را بشارت به بهشت می‌داد: «يَا حُرُّ ابْشِرْ بِالْجَنَّةِ»^۱ حال آنکه این بشارت مربوط به بعد از توبه کردن وی و فدا نمودن جان‌ش در دفاع از سید الشهداء علیه‌السلام بود.

هـ) هدف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: ظاهراً هدف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از اینکه خودشان از

حجیت خواب ۱۹۱۱

«مبشرات» تفتیش می کرده اند این بوده است که خواب های راست را از دروغ معلوم نمایند و همچنین تعبیر خواب های تاویل دار را خود بیان نمایند تا کسی دچار سوء برداشت و گمراهی نشود. اما حال که دست ما از پیامبر ﷺ و دیگر معصومین علیهم السلام کوتاه است آیا می توان به «مبشرات» اعتماد کرد؟ تنها در یک صورت می توان و آن اینکه معیارهای صادقه بودن خواب بر آن منطبق باشد. در نتیجه ملاک خود «مبشرات» نیست، بلکه انطباق آن با دین و شریعت است که آن را با ارزش می نماید.

و) دائمی یا موقت؟ این نکته قابل تأمل است که هیچ معصوم دیگری دنبال «مبشرات» نبوده، و از هیچ امامی چنین نقل نشده که سیره اش جستجو کردن از مبشرات اصحابش باشد. لذا این سوال مهم در ذهن مطرح می شود که اگر «مبشرات» به خودی خود دارای جایگاهی بوده، چرا دیگر معصومین علیهم السلام به دنبال آن نبوده اند و فقط پیامبر ﷺ است که از «مبشرات» می پرسد؟ و این پرسش به ما اطمینان می دهد قضیه «مبشرات» هر چه که بوده مربوط به زمان شخص پیامبر ﷺ بوده است و بیان این حدیث توسط امام رضا علیه السلام دلالتی بر جریان قضیه «مبشرات» بعد از پیامبر ﷺ ندارد چون خود امام رضا علیه السلام و ائمه قبل و بعد از ایشان هیچکدام سوال از مبشرات اصحاب خود نمی کرده اند.

و تازه این سوال در صورتی است که سیره پیامبر ﷺ را در تمام طول نبوت بدانیم و الا دایره زمانی سوال از «مبشرات» کوچک و کوچکتر می شود.

اینها همه به کنار، عجیب اینست که در هیچ منبع شیعی نیافتم برای این

حدیث ادامه ای نقل شده باشد، یعنی کسی جوابِ سوال پیامبر ﷺ را داده باشد که بله من دیشب مَبَشَرَات دیده ام، و تنها چیزی که نقل شده فقط همین است که پیامبر ﷺ می پرسیدند!

این موضوع مهم، ما را به برداشت دیگری سوق می دهد که در نکته بعدی بدان می پردازیم.

ز) تفسیر «مَبَشَرَات» به رؤیا از جانب کیست؟ در حدیث، سوال پیامبر ﷺ از «مَبَشَرَات» به رؤیا تفسیر شده: «يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيَا». اما سوال اینست که این تفسیر از کیست، آیا ادامه سخن امام رضا علیه السلام است یا کلامی از خود راوی می باشد؟

توضیح آنکه گاهی اوقات کسی که حدیث امام را نقل می نموده، برای رفع ابهام از کلمه یا جمله ای در حدیث، توضیحی از خود می افزوده است که به چنین حدیثی اصطلاحاً حدیث مُدَرِّج گفته می شود. یعنی حدیثی که کلام راوی با کلام معصوم مخلوط شده است، و خیلی اوقات مخاطب، همه را کلام معصوم می پندارد. در حدیث مورد بحث نیز تفسیری برای «مَبَشَرَات» ذکر شده که ما نمی دانیم ادامه کلام امام رضا علیه السلام می باشد یا برداشتی از جانب راوی است که برای توضیح «مَبَشَرَات» بیان کرده است، و تا این نکته معلوم نشود استدلال به حدیث امکان ندارد. این احتمال، با وجود کلمه «يَعْنِي» - توضیحی نه سوالی یا تفسیری - آن هم در پایان حدیث بیشتر تقویت می شود.

حال اگر فرض را بر این بگذاریم که فقره آخر حدیث: «يَعْنِي بِهِ الرُّؤْيَا»،

حجیت خواب ۱۹۳۱

جزء کلام امام رضا علیه السلام نباشد، "مبشرات" بر معنای لغوی خود یعنی خبرهای خوش حمل شده، مضمون حدیث این می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز صبح از اصحاب خود درباره خبرهای خوش دینی یا دنیوی می پرسیده اند، خبرهایی مثل اینکه چه کسی جدیداً ایمان آورده یا برای چه کسی کودکی متولد شده، تا به اصحاب خود یاد دهند که خوش خبر باشند و با دادن خبرهای خوش یکدیگر را خوشحال نمایند.

در این صورت، این حدیث هیچ ربطی به موضوع خواب و حجت بودن آن ندارد، و ما با اینکه بر این برداشت اصراری نداریم اما آن را عقلانی می دانیم و تا وقتی که در یک حدیث دو احتمال عقلانی مخالف وجود داشته باشد قابل استدلال نیست.^۱

این در حالیست که در منابع شیعه تنها همین یک حدیث وجود دارد که کلمه «مبشرات» را تفسیر به رؤیا نموده است، حال آنکه در کتب اهل سنت روایات متعددی موافق همین مضمون وجود دارد، که احتمال مُدرَج بودن حدیث را بالا می برد، از جمله: «انْقَطَعَ الْوَحْيُ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ، وَهِيَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ، يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ أَوْ تُرَى لَهُ».^۲

۱. بلکه فقط یک شبهه وجود دارد که چرا این پیگیری را در صبح انجام می دادند در حالیکه معمولاً حوادث در طول روز رخ می دهد نه طول شب. و این شبهه معنای اول را تقویت می کند اما در حدی نیست که بتواند احتمال دوم را ابطال نماید.

۲. مفردات ألفاظ القرآن ص ۱۲۶

و به عبارت دیگر: آن مذهبی که «مبشرات» را تفسیر به رؤیا نموده، مذهب اهل سنت است و در شیعه تنها یک روایت وجود دارد^۱ که معلوم نیست قسمت تفسیرش جزء کلام معصوم باشد.

اشتباه نشود، ما منکر خوابهای بشارت گونه نیستیم، بلکه می‌گوییم این موضوع که پیامبر ﷺ هر روز صبح در میان اصحاب خود به دنبال خوابهای مبشرات می‌گشته اند قابل اثبات از مذهب شیعه نیست.

با فهم آنچه در اینجا گفته شد، پاسخ این شبهه روشن می‌شود که چرا دیگر معصومین علیهم‌السلام بعد از پیامبر ﷺ پیگیر «مبشرات» نبودند. جواب اینست که منظور از «مبشرات» خبرهای خوش اصحاب پیامبر ﷺ بوده چون آنها جامعه کوچکی را تشکیل می‌دادند و امکان پیگیری خبرهای خوش ایشان وجود داشته، ولی در زمان دیگر معصومین علیهم‌السلام که اصحاب ایشان در شهرهای مختلف پراکنده بوده اند چنین پیگیری موضوعیتی نداشته است.

ح) مراد از اصحاب کیست؟ حدیث می‌گوید پیامبر ﷺ هر روز صبح از اصحاب خود می‌پرسیدند چه خبر از «مبشرات»؟ اما منظور از «اصحاب خود» یعنی چه کسانی است؟ آیا مراد همه کسانی است که به ایشان به ظاهر ایمان

۱. بله در جامع الأخبار (للسعیری) ص ۱۷۲ نیز این حدیث ثبت شده: «انْقَطَعَ الْوَحْيُ وَ بَقِيَ الْمُبَشِّرَاتُ أَلَا وَ هِيَ نَوْمُ الصَّالِحِينَ وَ الصَّالِحَاتِ»، اما منبع آن از اهل سنت است همچنانکه در متن به آن اشاره کردیم. نیز در صحیح بخاری، صحیح مسلم و سنن ابن ماجه به این لفظ ثبت شده: «ذهبت النبوة و بقيت المبشرات». بخاری ج ۲ ص ۳۳۱، صحیح مسلم ص ۴۷۹، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۱۲۸۳

آورده اند؟ اهل سنت چنین عقیده ای دارند. ولی در خصوص این حدیث قطعاً این معنا مراد نیست زیرا اصحاب پیامبر ﷺ فراوان بوده اند و معقول نبوده که هر روز از تمام آنها پرسند آیا «مبشرات» دیده اید. ممکن است گفته شود منظور افراد دور و بر ایشان بوده اند یعنی هر روز صبح از همان عده که اطراف ایشان بوده اند چنین سوالی می پرسیده اند. اما این نیز قابل پذیرش نیست زیرا گاهی در میان آنها غاصبان و مارقان و ناکثان آینده می بودند که انتظار دیدن «مبشرات» توسط آنها معقول نبوده است. در نتیجه آنچه به ذهن می رسد اینست که مخاطب پیامبر ﷺ تنها اصحاب خاص شان بوده که جایگاهی نزد خدا داشته اند، کسانی مثل سلمان، مقداد، ابوذر، عمار، حذیفه نه هر کسی. و این دقیقاً مطابق همان برداشتی است که در تفسیر آیه «بُشْرَى» در سوره یونس بیان نمودیم.

حال اگر از این برداشت دست بر داریم، لا اقل این را باید بپذیریم که مخاطب پیامبر ﷺ پیروان فرقه های منحرف نبوده اند بلکه از اصحاب خود این سوال را می پرسیده اند، لذا این حدیث نمی تواند مستند خواب های بشارتی باشد که پیروان فرقه های منحرف قبل از گرویدن یا بعد از گرویدن دیده اند. بلکه ابتدا باید حق بودن خود را با دلیل دیگری ثابت نمایند تا نوبت به این حدیث برسد.

با این بیان نیز روشن می شود «مبشرات» به تنهایی معیار تشخیص حق از باطل نیست و آنچه به «مبشرات» ارزش می بخشد مطابقت محتوای آن با

موازین دین و شریعت می‌باشد.

خلاصه: معیار تشخیص اینکه خواب دیده شده، جزء مبشرات صادقه ای است که پیامبر ﷺ از آن جستجو می‌کرده اند، در خود حدیث ذکر نشده است، و اگر بخواهیم آن را بر معنایی عرفی حمل کنیم، باز تا صادقه بودن آن ثابت و تعبیرش روشن نشود قابل استناد نمی‌باشد. غیر از اینکه این روایت تنها در مورد نوع خاصی از خواب به نام «مبشرات» سخن می‌گوید لذا بر فرض هم حجیت آن را به اثبات برساند ربطی به حجیت دیگر خوابها مثل امر و نهی و خبر دادن از صحت یا باطل بودن عقیده ندارد.

۳. از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده که: «رَأَى الْمُؤْمِنُ رُؤْيَاهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ عَلَى سَبْعِينَ جُزْءًا مِنْ أَجْزَاءِ النَّبُوءَةِ».^۱

محتوا: این روایت می‌گوید رأی مومن و رؤیای او در آخر الزمان بر هفتاد جزء از اجزاء نبوت است، و یاران احمد به این حدیث برای اثبات حجیت خواب بسیار استناد می‌کنند.^۲

تدبر:

الف) مراد از مومن کیست؟ در این روایت، رأی و رؤیای هر کسی از اجزاء نبوت شمرده نشده، بلکه آن منحصر به مومن معرفی شده است و چون عقل

۱. الکافی ج ۸ ص ۹۰ ح ۵۸

۲. فصل الخطاب فی حجیة رؤیا اولی الالباب ص ۱۴

حکم می‌کند که بین حکم و موضوع باید تناسب باشد، روشن می‌شود تنها به کسی جزئی از نبوت عطا می‌گردد که از شدت تقوا و اخلاص نزدیک به مقام نبوت گشته باشد، پس شامل هر شیعه ای نمی‌شود.

و به عبارت دیگر: از آنجا که خواب انبیاء علیهم‌السلام طبق روایت «توحید مفضل» همیشه صادق بوده^۱، می‌فهمیم مراد از مومن در این حدیث، شخصی است که همیشه خوابهای صادق می‌بیند، همچنانکه در دو روایت دیگر به جای خواب مومن تعبیر به خواب صادق شده است: «إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ».^۲

و اگر در دو نقل منسوب به ائمه علیهم‌السلام وارد شده که رؤیای مومن همیشه درست است و حکم وحی الهی را دارد^۳، مراد خالص ترین مومن هاست که همیشه خواب راست می‌بینند.

این در حالیست که خود کلمه «رؤیا» غالباً به معنای خواب راست می‌باشد و برای همین در قرآن در مورد خواب‌های راست، فقط لفظ «رؤیا» به کار برده شده است. لذا معنای حدیث این می‌شود که خواب های راست مومن

۱. توحید المفضل ص ۸۵، بحار الأنوار ج ۳ ص ۸۵

۲. من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۵۸۵ ح ۳۱۹۱ از امام رضا علیه‌السلام، الإختصاص ص ۲۴۱ از امام صادق علیه‌السلام.

۳. کنز الفوائد ج ۲ ص ۶۱ و جامع الأخبار ص ۱۷۲. ما در پایان بخش دوم بی اعتبار بودن این دو نقل را آشکار نمودیم.

جزئی از نبوت محسوب می‌شود نه هر خوابی که ببیند، و معیار راست و دروغ بودن خواب، بسته به محتوای آن فرق می‌کند. یعنی - همانطور که در گذشته گفتیم - اگر حادثه‌ای را خواب ببیند معیار صدقش رخ دادن آن است، و اگر حکم شرعی یا عقیده‌ای را خواب ببیند ملاک صدقش منطبق بودن آن با موازین دین می‌باشد. این در حالیست که ادعای احمد بصری در مورد ۲۴ وصی مخالف روایات متواتر شیعه می‌باشد^۱ و همین روشن می‌کند خوابهایی که پیروان او درباره حقانیت وی دیده‌اند صادق نبوده است.

ممکن است کسی اشکال کند که اگر مراد این حدیث فقط خوابهای صادق مومن می‌باشد، پس چرا آن را به آخر الزمان اختصاص داده است، چون در هر زمانی رؤیای صادق جزئی از نبوت محسوب می‌شود.

اما در پاسخ باید گفت اولاً اتفاقاً در حدیث دیگری کلمه «آخر الزمان» وجود ندارد و این موید برداشت ماست: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ رُؤْيَاهُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُعْطَى عَلَى الثَّلَاثِ»^۲.

غیر از اینکه صرف دیدن خواب صادق جزئی از نبوت نیست زیرا هم سلول یوسف علیه السلام هم خواب صادق دید، بلکه همانگونه که توضیح دادیم، آنچه جزئی از نبوت بوده، همیشه راست بودن خواب‌های پیامبران می‌باشد، لذا اگر

۱. ما این روایات را در کتاب «دوازده خورشید» گرد آورده ایم.

۲. رؤیای مومن جزئی از هفتاد جزء نبوت است و به بعضی مومنان سه جزء داده می‌شود. المؤمن ص ۳۵ ح ۷۱. ترجمه طبق بیان بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۱ ثبت شده است.

کسی به این مقام رسید که همیشه خواب های راست ببیند او به یکی از هفتاد جزء از نبوت دست یافته است.

قرطبی از علماء سنی در شرح همین حدیث با لفظ: «الرؤیا الصادقة جزء من سبعین جزءاً من النبوة»، می نگارد: رؤیا نمی تواند جزئی از نبوت باشد الا زمانی که توسط مسلمان صالح راستگو دیده شود چون حال چنین کسی با حال پیامبر تناسب دارد. اما راست در آمدن خواب کافر و دروغگو و متوهم به ندرت، مثل راست در آمدن خبر کاهن و منجم از غیب به ندرت است.^۱

و اصلاً اگر به واقعیت خارجی هم نگاه کنیم، می بینیم که مومن همیشه خواب راست و درست نمی بیند و همچنانکه در حدیثی آمده، رؤیا بر سه قسم است: بشارتی از جانب خدا، ترساندنی از جانب شیطان، و انعکاس آنچه شخص در ذهن داشته است: «الرؤیا ثلاثة بُشِّرَى مِنَ اللَّهِ وَ تَحْزِينٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ الَّذِي يُحَدِّثُ بِهِ الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ فَيَرَاهُ فِي مَنَامِهِ».^۲

خلاصه اینکه: روایت نمی گوید خواب مومن جزئی از اجزاء نبوت است بلکه می گوید: «رؤیای مومن»، و منظور از رؤیا خواب های صادق است، و با توجه به معرفی آن به عنوان جزئی از نبوت، تنها شامل کسی می شود که همیشه خواب راست می بیند، یعنی کسی که نزدیک به مقام نبوت باشد.

۱. الجامع لأحكام القرآن ج ۹ ص ۱۲۴-۱۲۵

۲. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۱۹۱ به نقل از کتاب التبصره لعلی بن بابویه.

حال کدامیک از یاران احمد که با خواب به او ایمان آورده اند، می‌توانند ادعا کنند در چنین مرحله ای از تقوا و اخلاص و ایمان قرار داشته اند؟ از طرفی ما از یاران احمد می‌پرسیم این حدیث شامل کدام خواب شما می‌شود، خواب قبل از ایمان که توسط آن ایمان آورده اید یا خواب های بعد از ایمان؟ اگر مرادتان خواب قبل از ایمان است که فرد خواب بیننده هنوز به دعوت احمد بصری مومن نبوده در حالیکه حدیث می‌گوید خواب مومن از اجزاء نبوت است، و اگر مرادتان خواب های بعد از ایمان است و منظور از مومن را مومن به دعوت احمد بصری می‌دانید که خواب بعد از ایمان نمی‌تواند دلیل بر خود ایمان تلقی شود، غیر از اینکه توضیح دادیم مراد از مومن در این حدیث چه کسانی هستند.

تازه همه آنچه گفته شد با توجه به خود روایت بود، و الا در آیات و روایات متعدد نشانه هایی برای مومن بیان شده که تنها در افراد بسیار کمی یافت می‌شود، ولی چون ممکن بود کسی بگوید مومن در حدیث بدون قید خاصی عنوان شده، پس منظورش اصطلاح عمومی است، ما به آن آیات و روایات اشاره نکردیم و از خود حدیث ثابت نمودیم که مرادش از مومن، افراد واقعاً خاصی است.

اینها همه مربوط به خواب خود شخص بود، اما اگر دیگری خوابی درباره او یا همه امت دید و به ما خبر داد، در این صورت مراد از مومن چه کسی است؟ صرف شیعه راستگو، یا کسی که بتوان دین و اعتقاد خود را بر اساس خواب او

حجیت خواب ۱۰۸۱

اصلاح نمود؟ بدیهی است که در مهمترین مساله زندگی انسان یعنی مذهب و اعتقاد، عقل تکیه بر خواب افراد عادی را نمی‌پذیرد و به غیر از خواب برترین مومنان اعتنا نمی‌کند.

ب) آخر الزمان یعنی چه موقع؟

اصطلاح «آخر الزمان» لا اقل به ۱۰ معنی در روایات به کار رفته است که شاید بتوان همه اینها را در چهار گزینه جای داد: ۱. از دوره پیامبر ﷺ به بعد ۲. دوره ما قبل از ظهور تا ظهور ۳. دوره ما بعد از ظهور تا قبل از نزدیک شدن قیامت ۴. دوران نزدیک به بر پا شدن قیامت.

حال منظور حدیث مورد بحث از «آخر الزمان» کدامیک از این موارد است؟ قطعاً چون این حدیث منسوب به امام صادق علیه السلام می‌باشد به زمانی بعد از عصر ایشان اشاره دارد، اما چه زمانی؟ زمان غیبت حجت الهی، زمان قبل از ظهور، زمان بعد از خروج، زمان تشکیل حکومت عدل جهانی، زمان نزدیک شدن قیامت؟ فعلاً دلیلی برای انتخاب هیچیک از این گزینه‌ها نداریم تا نکته بعدی را بررسی کنیم.

ولی به هر حال باید به این نکته توجه داشت که در سه حدیث دیگر، فقره «آخر الزمان» اصلاً وجود ندارد: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ رُؤْيَاهُ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوءَةِ...»^۱ و: «إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوءَةِ»^۲.

۱. المؤمن ص ۳۵ ح ۷۱

۲. من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۵۸۵ ح ۳۱۹۱ و الاختصاص ص ۲۴۱

نیز باید توجه داشت که اگر ما نتوانیم مراد از «آخر الزمان» را از بین این همه معانی ثابت نماییم، نمی‌توانیم به مضمون این حدیث برای اثبات حجیت خواب های قبل از ظهور استدلال کنیم.

حال اگر فرض را بر این بگذاریم که مراد حدیث، دوره نزدیک به ظهور است، خوب ما از کجا بدانیم که در دوره نزدیک به ظهور قرار داریم؟ بله بعضی پیروان احمد بصری چیزهایی را به عنوان علامتهای دوره نزدیک به ظهور مطرح کرده اند^۱ که اثبات غلط بودن آنها کتاب دیگری می‌طلبد.^۲

ج) منظور از رأی مومن چیست که به همراه رؤیای مومن جزئی از نبوت تلقی شده است؟ فهم این نکته بسیار مهم است زیرا می‌تواند کمک کند تا محدوده آخر الزمان را تشخیص دهیم.

«رأی» به معنای اندیشه ی برخاسته از تعقل است، در نتیجه معنای حدیث این می‌شود که اندیشه مومن به همراه رؤیایش در آخر الزمان جزئی از هفتاد جزء نبوت خواهد بود، لذا این سوال مطرح می‌شود که مگر در آخر الزمان چه اتفاقی می‌افتد که اندیشه مومن در حد جزئی از نبوت ارتقاء می‌یابد؟ جواب این سوال را در بیان امام باقر علیه السلام خواهید یافت که می‌فرمایند: زمانیکه قائم ما قیام کند دست خود را بر سر مردم گذاشته، عقل های ایشان را جمع می‌نماید لذا

۱. در کلیپ هایی که در سی دی ها یا کانال های خود منتشر می‌کنند.

۲. مثل ظهور کف در آسمان و شنیده شدن صیحه گاو و ظهور سفیانی اول که ادعا می‌کنند رخ داده است.

حجیت خواب ۱۱۰۳۱

عقلها - یا خوابهای - آنها کامل می شود: ^۱ «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَاءَهُمْ».^۲

و غیر از این حدیث جواب دیگری نمی توان یافت، زیرا قطعاً صرف گذشت زمان تاثیری در صادقه شدن رؤیایها ندارد^۳ و حتماً باید واقعه خاصی رخ دهد که همه رؤیاهای مومن صادقه گردد و اندیشه اش جزئی از نبوت شود، و در این حدیث از آن واقعه مهم پرده برداشته شده است.

لذا از این روایت در می یابیم که مراد حدیث از «آخر الزمان» دوره بعد از خروج است و ربطی به خواب هایی که قبل از خروج دیده می شود ندارد.

همچنانکه اهل سنت از پیامبر ﷺ نقل کرده اند: زمانیکه تقارب زمان رخ دهد خواب مومن دروغین نخواهد شد: «إِذَا تَقَارَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكْذُ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ تَكْذِبٌ...».^۴

و در حدیث دیگری مراد از تقارب زمان هنگام حکومت حضرت مهدی علیه السلام معرفی شده که سال به اندازه ماه می گذرد و ماه به اندازه هفته و هفته به اندازه یک روز و یک روز به اندازه یک ساعت: «یتقارب الزمان حتى تكون

۱. که اگر «أَحْلَاءَهُمْ» را به معنای خواب آنها بگیریم دقیقاً مطابق با حدیث مورد بحث می باشد.

۲. الکافی ج ۱ ص ۲۵ ح ۲۱ و به سند دیگر: الخرائج و الجرائح ج ۲ ص ۸۴۰ ح ۵۷

۳. لا أثر لاعتدال الزمان في صدق الرؤيا. البضاعة المزجاة ج ۲ ص ۹۳

۴. الأمالي (للطوسي) ص ۳۸۶ ح ۹۴. عموم راویان این حدیث از اهل سنت می باشند.

السَّنةُ كالشَّهر، و الشَّهر كالجمعة، و الجمعة كالیوم، و الیوم كالسَّاعة».^۱
 بله بعضی نیز این احتمال را داده اند که مراد از «آخر الزمان» زمان نزدیک به قیامت باشد چون در هنگامه قیامت همه حقایق منکشف می شود و برای همین یکی از نام های قیامت «الحاقّة» است؛ در نتیجه وقتی قیامت نزدیک گردد خواب ها راست می شوند.^۲

همچنانکه مساله «تقارب زمان» در روایت دیگری مربوط به دوران نزدیک به قیامت معرفی شده است: «لا تقوم السَّاعة حتّی یتقارب الزّمان، فتكون السَّنة كالشَّهر، و يكون الشَّهر كالجمعة، و تكون الجمعة كالیوم، و يكون الیوم كالسَّاعة».^۳

اما اینکه بعضی گفته اند مراد از رأی، استنباط یقینی است^۴ دلیلی بر آن نیافتیم^۵، الا اینکه گفته شود یکی از نام های قیاس باطل در روایات، «رأی»

۱. قالوا یرید خروج المهدي و بسطه العدل. الفائق في غریب الحديث ج ۳ ص ۸۲، شرح الکافی (المازندرانی) ج ۱۱ ص ۴۴۵

۲. لأنّ القيامة هي الحاقّة التي تحقّق فيها الحقائق، و كلّ ما قرب منها فهو أخصّ بها. البضاعة المزجاة ج ۲ ص ۹۳

۳. معجم الأحادیث الإمام المهدي عليه السلام ج ۳ ص ۴۳۷

۴. الاستنباط یقینی. مرآة العقول ج ۲۵ ص ۲۰۴

۵. بعضی محققین در رد این ادعا می گویند: وجهی برای تخصیص رأی مومن به استنباط یقینی وجود ندارد و ظاهر لفظ حدیث، مطلق اندیشه مومن را می رساند، همچنانکه وجهی برای تخصیص آخر الزمان به دوران غیبت وجود ندارد: لا وجه لتخصیص الرأی بما ذکر، بل الظاهر تعمیمه في مطلق ←

است، و اهل قیاس معروف به اهل رأی بوده اند^۱، و قیاس نوعی استنباط باطل از احکام شرعی می باشد، پس مراد از رأی در این روایت نیز استنباط احکام است اما استنباطی یقینی که با جزء نبوت بودن سازگار باشد.

ولی چه تناسبی بین رأی مومن و رؤیای او وجود دارد که در کنار هم جزئی از نبوت شمرده شده اند؟ و در آخر الزمان چه رخ می دهد که همه استنباطات شرعی او یقینی می گردد؟^۲

جواب را در کلام امام باقر علیه السلام می یابید که می فرمایند: زمانیکه قائم قیام کند در هر اقلیمی از اقالیم زمین مردی را بفرستد و بگوید عهد تو در کف دست تو است، هرگاه با موضوعی مواجه شدی که خودش و قضاوت درباره آن را ندانستی به کف دستت نگاه کن و به آن چه در وی است عمل نما:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا».^۳

→ فِرَاسَةُ الْمُؤْمِنِ وَ إِدْرَاكَاتِهِ الْحَقَّةَ. وَ كَذَا لَا وَجْهَ لِتَخْصِصِ آخِرِ الزَّمَانِ بِزَمَانِ الْغَيْبَةِ. الْبُضَاعَةُ الْمَرْجَاةُ

ج ۲ ص ۹۲

۱. «إِيَّاكُمْ وَ أَصْحَابَ الرَّأْيِ، فَإِنَّهُمْ أَعْدَاءُ السُّنَنِ»: التفسير المنسوب ص ۵۳، «أَنَّ أَصْحَابَ الرَّأْيِ وَ الْقِيَاسِ مُخْطِئُونَ»: المحاسن ج ۱ ص ۲۰۹-۲۱۰ ح ۷۶

۲. توجه به این نکته نیز مهم است که ذکر «رأی مومن» منحصر در این روایت است و در آن سه روایت دیگری که قبلاً آوردیم سخنی از رأی مومن به میان نیامده است.

۳. الغيبة للنعماني ص ۳۱۹ ح ۸

و از این حدیث نیز متوجه می‌شویم مقصود از «آخر الزمان» زمان بعد از خروج مهدی موعود علیه السلام و تشکیل حکومت عدل جهانی است.

(د) مراد از جزء نبوت یعنی چه؟ ما در خلال مباحث گذشته چند بار توضیح دادیم که صادق بودن خواب تلازمی با حجت بودن آن ندارد^۱. اما آنها که اصرار بر تلازم می‌کنند نسبت به این حدیث باید پاسخ دهند که آیا منظورش اینست که رؤیای مومن در آخر الزمان بالفعل حجت است یا اینکه اقتضاء حجیت را دارد یعنی می‌تواند حجت باشد به شرطی که مانعی از پذیرش آن وجود نداشته باشد؟ اگر اولی باشد در صورتی که یک مومن دو خواب متعارض ببیند یا دو مومن دو خواب متعارض درباره یک موضوع ببینند تکلیف چیست؟ آیا می‌توان هر دو خواب متعارض را حجت دانست؟ اینکه امکان ندارد، لذا متوجه می‌شویم مراد این حدیث، اثبات اقتضاء حجیت برای خواب مومن است در صورتی که مانعی نباشد، که یکی از موانع، مخالف بودن محتوای خواب با موازین مذهب و شریعت می‌باشد، همچنانکه یکی دیگر از موانع، خواب دیدن

۱. البته ممکن است کسی بگوید: درباره شناخت حجت خدا، صادق بودن خواب ملازم با حجت بودن آنست و معنا ندارد خوابی که مثلاً در مورد مهدی بودن فلان شخص دیده شده را صادق بدانیم اما اعتقاد به وی را لازم نشمریم. ولی این سخن درست نیست زیرا تا حجت بودن خواب اثبات نشود لزوم اعتقاد به محتوای خواب ثابت نمی‌گردد هر چند خواب صادق باشد. همچنانکه ائمه علیهم السلام نسبت به عامل قتل خویش علم داشتند اما موظف به خودداری از آن نبودند و بدین گونه اقدام آنها نسبت به عامل قتل خویش خودکشی محسوب نمی‌شده است.

حجیت خواب ۱۱۰۷۱

اثبات حکم شرعی یا عقیده است که با این حدیث صحیح مخالفت دارد که می‌گوید: دین خدا ارجمندتر از آنست که در خواب دیده شود: «فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ».^۱

و جالب اینکه این حدیث صحیح درباره تشریع اذان مستحب وارد شده و بر آن دین اطلاق شده است. حال وقتی حتی اذان مستحب با خواب و رؤیا به اثبات نمی‌رسد آیا شناخت حجت خدا که سعادت بشر به آن گره خورده با خواب امکان دارد؟!

بله در اینجا احتمالی وجود دارد که مراد این حدیث صحیح، إنشاء احکام باشد نه إخبار از آن^۲، بدین معنا که وقتی دین جدیدی آمد خداوند احکام آن دین را در خواب یاران پیامبرش بیان نمی‌کند نه اینکه اگر حکمی توسط دین بیان شده اما به مرور زمان دستخوش تحریف یا فراموشی قرار گرفته، صحیحش در خواب گفته نخواهد شد. و علت این احتمال، جهت صدور حدیث می‌باشد، زیرا اهل سنت اعتقاد داشتند که اذان در خواب یکی از اصحاب بیان شده و پیامبر هم بر آن خواب اعتماد کردند و امام صادق علیه السلام با رد این ادعا فرمودند: دین خدا در خواب دیده نمی‌شود.

۱. الکافی ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱

۲. ممکن أن یخص بابتداء شرعيتها. بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۲۴۲-۲۴۳، و: یمکن أن یقال المراد أنه لا یشیت أصل شرعية الأحكام بالنوم. همان ج ۵۸ ص ۲۳۷

اما این مجرد یک احتمال است که اطمینانی برای ما نمی‌آورد، و این حدیث صحیح بر عمومیت خود باقی است.

مدعی یمانی در راستای فرار از این اشکال می‌گوید: رؤیا نسبت به هیچ عقیده یا حکمی حجیت ندارد الا نسبت به تشخیص خلیفه خدا در زمین که قرآن و روایات بدان تصریح کرده است.^۱

این در حالیست که اولاً چنین تخصیصی در قرآن و روایات وجود ندارد و حدیث مورد بحث و روایات دیگری که در ادامه می‌آید نیز اطلاق دارند لذا اگر حجیت خواب ثابت شود در همه چیز ثابت خواهد بود.

ثانیاً در روایات که هیچ نصی درباره شرعیت شناخت حجت خدا از طریق رؤیا وجود ندارد و آنچه در قرآن وارد شده نیز - بر فرض ثبوت - تنها در مورد چند خلیفه خداست و قانونی کلی به ما جهت شناخت همه حجت‌های خدا ارائه نمی‌دهد.

ممکن است گفته شود: رخداد دو خواب متعارض، تنها یک فرض است که در آخر الزمان اتفاق نمی‌افتد. غافل از آنکه یاران احمد، همین روزگار را دوره آخر الزمان می‌دانند درحالیکه عده‌ای خواب‌های متعددی بر ضد احمد بصری دیده‌اند که با محتوای خواب یمانی‌ها پیرامون تأیید احمد در تعارض است.

۱. لا حجة للرؤيا في دين الله عقيدة و شريعة، غير ما أثبتته النص (القرآن و الروايات) و هو ما بيناه من تشخيص مصداق خليفة الله في أرضه. عقائد الإسلام ص ۸۷

حجیت خواب ۱۱۰۹

هر چند احمد برای فرار از این اشکال چنین عنوان می‌کند که آنچه شرعاً ثابت شده، اعتنا به خواب برای شناخت حجت خداست نه اعتنا به خواب برای رد مدعی خلافت.^۱

غافل از آنکه او تمثیل شیطان به معصوم را در عالم رؤیا مطلقاً رد کرده، پس طبق مبنای خودش اگر کسی معصومی را در خواب ببیند که بطلان احمد را اعلام کند حجت است و راهی برای انکار آن وجود ندارد.

غیر از اینکه اولاً اطلاق روایات مورد بحث، مقابل چشم شما خواننده عزیز است که شامل اثبات و رد مدعی، هر دو می‌شود. لذا به وضوح مکر و حیلۀ این جریان جهت فرار از خواب‌هایی که بر ضدشان دیده شده را مشاهده می‌کنید، ثانیاً خود انشعابات جریان مدعی یمانی بر ضد هم خواب دیده اند مثل رأیاتی بر ضد مکتبی‌ها.

از طرفی حدیث می‌گوید رأی مومن به همراه رؤیای او جزئی از نبوت است، حال اگر رأی مومن مخالف رؤیایش در آمد وظیفه چیست؟ مثل اینکه صدها دلیل در مورد باطل بودن ادعای احمد وجود دارد، و رأیش می‌گوید احمد حجت خدا نیست اما صدایی در خواب می‌شنود که: احمد بر حق است، خوب در این صورت کدام حجت است؟ نیز اگر رؤیای او با رأی یک مومن دیگر

۱. و لا يجب الالتفات للرؤى المدعاة في نفي خلافة الله في أرضه عن شخص؛ لأن ما ثبت شرعاً هو أنها تأتي كدليل تشخيص، و لم يثبت شرعاً أنها تأتي كدليل معارضة أو نفي. همان ص ۸۰

مخالف در آمد چه؟ مانند اینکه مومنی با ادله محکم به این رأی رسیده که جریان یمانی باطل است اما او خواب دیده که درست است، آیا در این صورت رأی مقدم است یا رؤیا، در حالیکه هر دو در کنار هم جزئی از نبوت شمرده شده اند؟ تنها راه حل برای این تعارض همانست که بگوییم حجیت خواب، - بر فرض ثبوت - اقتضائی است لذا اگر مانعی بر سر راهش مثل مخالفت رأی مومن وجود داشت، حجیت ندارد.

۴. «رَوِيَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءُ قَالَ كُنَّا عِنْدَ رَجُلٍ بِمَرْوَ وَكَانَ مَعَنَا رَجُلٌ وَإِقْفِي فَقُلْتُ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ قَدْ كُنْتُ مِثْلَكَ ثُمَّ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبِي فَصُمُّ الْأَرْبَعَاءَ وَالْخَمِيسَ وَالْجُمُعَةَ وَاغْتَسِلْ وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَسَلِّ اللَّهَ أَنْ يُرِيكَ فِي مَنَامِكَ مَا تَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ فَرَجَعْتُ إِلَى الْبَيْتِ وَقَدْ سَبَقَنِي كِتَابُ أَبِي الْحَسَنِ إِلَيَّ يَأْمُرُنِي فِيهِ أَنْ أَدْعُو إِلَى هَذَا الْأَمْرِ ذَلِكَ الرَّجُلَ فَأَنْطَلَقْتُ إِلَيْهِ وَأَخْبَرْتُهُ وَقُلْتُ لَهُ أَحْمَدُ اللَّهِ وَاسْتَخِرَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَقُلْتُ إِنِّي وَجَدْتُ كِتَابَ أَبِي الْحَسَنِ قَدْ سَبَقَنِي إِلَى الدَّارِ أَنْ أَقُولَ لَكَ وَفِيهِ مَا كُنَّا فِيهِ وَإِنِّي لَا زُجُو أَنْ يُنَوِّرَ اللَّهُ قَلْبَكَ فَافْعَلْ مَا قُلْتُ لَكَ مِنَ الصَّوْمِ وَالِدُّعَاءِ فَأَتَانِي يَوْمَ السَّبْتِ فِي السَّحَرِ فَقَالَ لِي أَشْهَدُ أَنَّهُ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ أَتَانِي أَبُو الْحَسَنِ الْبَارِحَةَ فِي النَّوْمِ فَقَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ وَاللَّهِ لَتَرْجِعَنَّ إِلَى الْحَقِّ وَزَعَمَ أَنَّهُ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ إِلَّا اللَّهَ».^۲

۱. در مدینه المعاجز ج ۷ ص ۱۲۰ استجیره: پناه بردن به خدا ثبت شده است.

۲. الخرائج و الجرائح ج ۱ ص ۳۶۶ ح ۲۳

حجیت خواب ۱۱۱۱

محتوا: در این حدیث، بدون سند با تعبیر «رُوی: روایت شده» از حسن و شاء نقل می‌کند که به مردی واقعی گفته برای اینکه بفهمی امام رضا علیه السلام بر حق است روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و بعد غسل کن و دو رکعت نماز بخوان و از خدا بخواه در خوابت چیزی نشان دهد که تو بر امامت آن حضرت بدان استدلال کنی. سپس وقتی حسن به خانه می‌آید می‌بیند نامه ای از امام رضا علیه السلام رسیده که آن مرد را دعوت به امامت ایشان کند. حسن نزد آن مرد می‌رود و می‌گوید خدا را حمد کن و صد مرتبه از او طلب خیر نما که نامه ای از آن حضرت به من رسیده که تو را دعوت به امامت ایشان نمایم پس آن روزه و آن دعا که گفتم^۱ را انجام بده. آن مرد سحر روز شنبه نزد حسن آمد و ابراز ایمان نمود و گفت امام رضا علیه السلام در خوابم آمده و گفتند: ابراهیم به خدا قسم تو حتماً به حق باز می‌گردی. و اعتقاد آن مرد این بود که غیر از خدا کسی از این ماجرا اطلاع نداشته است.

تدبر: هر چند این حدیث بدون هیچ سندی و دارای مضمون منحصر به فردی در کتابی ضعیف ثبت شده است، اما مهمتر از آن اینست که عمل مذکور منسوب به معصوم نیست و تنها حسن و شاء چنین پیشنهادی به آن مرد داده است

۱. محدث نوری درباره این دعا می‌نگارد: احتمال دارد مراد دعای مخصوصی بوده که هنگام نقل ساقط شده. دار السلام ج ۳ ص ۲۲. اما مشخص است که منظور همان درخواست از خدا جهت هدایت یافتن در خواب می‌باشد که حسن و شاء قبلاً به آن مرد گفته بود: «سَلِّ اللَّهَ أَنْ يُرِيكَ فِي مَنَامِكَ».

در حالیکه عمل غیر معصوم برای ما حجت نیست^۱. گمان نشود که مراد از فقره: «أَنْ أَدْعُوَ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ» در نامه امام، دعوت ایشان به انجام این عمل بوده است، بلکه مراد از «هَذَا الْأَمْرِ» امر امامت می باشد که در یک سطر قبل هم ذکر شده است: «تَسْتَدِلُّ بِهِ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ»؛ در نتیجه عمل مذکور منتسب به معصوم نیست و قابلیت استناد ندارد.

و این سخن که حسن و شاء از بزرگان اصحاب بوده و امکان ندارد چیزی از پیش خودش در آورده باشد پس حتماً این عمل را از معصوم شنیده، قابل پذیرش نیست، زیرا برای این نقل هیچ سندی ارائه نشده تا ثابت کند واقعاً حسن و شاء چنین عملی را پیشنهاد کرده بوده. و هیچ بُعدی ندارد که بعضی از واقفیه برای سست نشان دادن ادله امامت حضرت رضا (علیه السلام) این حدیث را ساخته اند تا چنین جلوه دهند افرادی که دست از وقف بر امام کاظم (علیه السلام) برداشته اند با دلیل و برهان محکم نبوده، بلکه با چیزهایی مثل خواب و استخاره بوده است. همچنانکه شیخ طوسی در کتاب الغیبة از علی بن معاذ واقفی نقل می کند که از صفوان بن یحیی پرسید چگونه به امامت علی (امام رضا علیه السلام) قطع پیدا کردی؟

۱. هر چند محدث نوری از صدر حدیث چنین برداشت کرده که آن عمل بین شیعه برای هدایت یافتن متداول بوده: و ظاهر صدر الخبر كون العمل المذكور كان معهوداً متداولاً بينهم للحاجة المزبورة. دار السلام ج ۳ ص ۲۲. اما اگر اینگونه بوده پس چرا هیچ کس غیر از حسن و شاء این عمل متداول را نقل نکرده و همان نقل هم تا قرن ششم در هیچ کتاب حدیثی ذکر نشده و وقتی هم ثبت شده هیچ سندی برایش ارائه نگشته و به هیچ معصومی هم منتسب نشده است؟!

حجیت خواب ۱۱۳۱

و او پاسخ داد: نماز خواندم و خدا را خواندم و از او درباره وی طلب خیر نمودم و بر امامتش قطع کردم: علي بن معاذ قال قلت لصفوان بن يحيى بأي شيء قطعت علي علي قال صليت و دعوت الله و استخرت عليه^۱ و قطعت عليه^۲.
گو اینکه امام رضا علیه السلام هیچ دلیل محکمی بر امامت خویش نداشته که شخص بزرگی مانند صفوان باید با نماز و دعا امامت ایشان را بفهمد!

خود شیخ طوسی در اینباره می نگارد: اگر می گفتند صفوان تنها از روی تقلید دیگران به امامت حضرت رضا علیه السلام اعتقاد پیدا کرده شنیع تر از این نبود که بگویند با نماز و استخاره ایمان پیدا نموده، و شاید هم صفوان، علی بن معاذ را در درجه ای از ابله بودن دیده که تکلیفی نسبت به هدایت وی بر خود ندیده و با این کلام از بحث با او طفره رفته است:

فهذا ليس فيه أكثر من التشنيع على رجل بالتقليد وإن صح ذلك فليس فيه حجة على غيره على أن الرجل الذي ذكر ذلك عنه فوق هذه المنزلة لموضعه و فضله و زهده و دينه فكيف يستحسن أن يقول لخصمه في مسألة علمية أنه قال فيها بالاستخارة اللهم إلا أن يعتقد فيه من البله و الغفلة ما يخرج به عن التكليف فيسقط المعارضة لقوله^۳.

جالب اینکه خود حسن و شاء مدتی واقفی بوده اما برای یافتن حقیقت به

۱. ليس في نسخ «أ، ف، م».

۲. الغيبة (للطوسي) ص ۶۱

۳. همان ص ۶۲

این عمل متمسک نشد بلکه از طریق طرح مسائل علمی و دیدن معجزه امام رضا (علیه السلام)، دست از وقف برداشته، به آن حضرت ایمان آورد^۱، در حالیکه اگر چنین عملی را یاد داشت زحمت آن همه فکر کردن و طرح مسائل پیچیده و آزمودن آن امام را به خود نمی داد.

همچنانکه در متن حدیث گفته نشده آن مرد عمل مذکور را انجام داده و بدین واسطه حجت خدا را شناخته، بلکه علت ایمان او را معجزه غیب گویی امام رضا (علیه السلام) معرفی می نماید^۲: «وَزَعَمَ أَنَّهُ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ».

اما با صرف نظر از این اشکالات، چون آن مرد چهره معصوم را در بیداری دیده بوده و همان چهره را در خواب مشاهده کرده، و بعداً خواهیم گفت که شیطان به صورت واقعی معصوم در خواب در نمی آید، حجت خواب وی مبتنی بر دیدار چهره معصوم بوده نه اینکه مطلق خواب، راهی برای شناخت حجت خدا باشد.

۱. «كُنْتُ كَتَبْتُ مَعِيَ مَسَائِلَ كَثِيرَةً قَبْلَ أَنْ أَقْطَعَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَ وَجَمَعْتُهَا فِي كِتَابٍ مِمَّا رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ عَ وَغَيْرِ ذَلِكَ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ أَتَّبِعَ فِي أَمْرِهِ وَ أَخْتَبِرَهُ فَحَمَلْتُ الْكِتَابَ فِي كُمِّي وَ صِرْتُ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ أَرَدْتُ أَنْ أَخْذَ مِنْهُ خُلُوةً فَأَتَانَا وَلَهُ الْكِتَابُ فَجَلَسْتُ نَاحِيَةً وَ أَنَا مُتَفَكِّرٌ فِي طَلَبِ الْإِذْنِ عَلَيْهِ وَ بِالْبَابِ جَمَاعَةٌ جُلُوسٌ يَتَحَدَّثُونَ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ فِي الْفَكْرَةِ فِي الْإِحْتِيَالِ لِلدُّخُولِ عَلَيْهِ إِذْ أَنَا بِغَلَامٍ قَدْ خَرَجَ مِنَ الدَّارِ فِي يَدِهِ كِتَابٌ فَنَادَى أَيْكُمُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَاءُ ابْنُ بِنْتِ الْيَاسِ الْبَغْدَادِيِّ فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ أَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَمَا حَاجَتُكَ فَقَالَ هَذَا الْكِتَابُ أَمَرْتُ بِدَفْعِهِ إِلَيْكَ فَهَآكَ خُذْهُ فَأَخَذْتُهُ وَ تَنَحَّيْتُ نَاحِيَةً فَقَرَأْتُهُ فَإِذَا وَ اللَّهُ فِيهِ جَوَابُ مَسْأَلَةٍ مَسْأَلَةٍ فَعِنْدَ ذَلِكَ قَطَعْتُ عَلَيْهِ وَ تَرَكْتُ الْوَقْفَ». عيون أخبار الرضا (علیه السلام) ج ۲

روایات مخالف:

نه تنها این روایاتی که تا به حال مورد بررسی قرار دادیم، نتوانست حجیت خواب را برای عموم مردم به اثبات برساند که حتی احادیثی بر خلاف این مدعا وجود دارد، از جمله در کتاب بصائر الدرجات از عابدی که قبلاً سنی بوده^۱ و خوابهای خوبی می دیده و دیگران نیز در مورد وی خواب های خوبی می دیدند نقل می کند که بعد از شیعه شدنم توسط معجزه امام کاظم (علیه السلام)، دیگر خوابهای خوب نمی دیدم و کلاً رؤیاهایم قطع شد، پس شبی در خواب امام صادق (علیه السلام) را دیدم و به ایشان در این باره شکایت کردم که در پاسخم فرمودند: غصه نخور زیرا مومن هنگامی که در ایمان راسخ شود رؤیا از وی برداشته می گردد: «كَانَ لِي ابْنٌ عَمٌّ يُقَالُ لَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَكَانَ مِنْ أَعْبِدِ أَهْلِ زَمَانِهِ ... وَكَانَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ يَرَى الرُّؤْيَا الْحَسَنَةَ وَتُرَى لَهُ ثُمَّ انْقَطَعَتْ عَنْهُ الرُّؤْيَا فَرَأَى لَيْلَةً أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ فِيمَا يَرَى النَّائِمُ فَشَكَا إِلَيْهِ انْقِطَاعَ الرُّؤْيَا فَقَالَ لَا تَغْتَمَّ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا رَسَخَ فِي الْإِيمَانِ رُفِعَ عَنْهُ الرُّؤْيَا»^۲.

ما از این نقل می فهمیم که اولاً دلخوش بودن به خواب های خوب روش اهل سنت بوده که هم خودشان خواب خوب می دیده اند و هم دیگران درباره

۱. محدث نوری سهواً او را واقعی معرفی نموده (دار السلام ج ۴ ص ۱۵۶) در حالیکه در خود روایت تصریح شده که وی ولایت هیچیک از ائمه (علیهم السلام) را قبول نداشته و مرید خلفا بوده. بله در کتاب کافی برادرش که راوی حدیث می باشد توصیف به واقعی شده است. الکافی ج ۱ ص ۳۵۲ ح ۸

۲. بصائر الدرجات ص ۲۵۵ ح ۶

همدیگر، و ثانیاً بعضی از خواب های حسنه و مبشره که دیده می شود از جانب شیطان است تا تو را در گمراهی بی که به سر می بری راسختر نماید، و ثالثاً رؤیای خوب راه ارتباطی ضعیف برای کسانی است که در ایمان راسخ نیستند و الا کسی که در ایمان راسخ باشد رؤیا از او بر داشته می شود. و از این ضعف در می یابیم که رؤیا نمی تواند راه شناخت حجت خدا باشد که نقش تعیین کننده در سعادت و شقاوت ابدی افراد دارد.

البته این نکته اخیر را امام صادق علیه السلام در خواب آن عابد فرموده اند، ولی فرقه یمانی که قائلند کلام امام در خواب، مانند کلام ایشان در بیداری است به ناچار باید این گفته را نیز قبول نمایند.

همچنین در کتاب تحف العقول از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: احدی از شما به جهت اینکه رؤیا از وی برداشته شده غمگین نگردد زیرا اگر کسی در علم راسخ شود رؤیا از او برداشته می گردد: «لَا يَحْزَنُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَرْفَعَ عَنْهُ الرُّؤْيَا فَإِنَّهُ إِذَا رَسَخَ فِي الْعِلْمِ رُفِعَتْ عَنْهُ الرُّؤْيَا».^۱

خوب در این روایت نیز تصریح شده که رؤیا مربوط به کسانی است که در علم راسخ نیستند و الا کسی که در علم راسخ باشد نیازی به رؤیا ندارد و رؤیا از او برداشته می شود.

همچنانکه شیخ مفید می گوید: هر که علمش زیاد گردد خوابهایش کم

حجیت خواب ۱۱۷۱

می‌شود: *إن کل من کثر علمه و اتسع فهمه قلّت مناماته*.^۱
و این حدیث نیز می‌فهماند معیار اصلی برهان علمی است و رؤیا دارای آن
جایگاه نیست که برای شناخت حجت خدا از آن استفاده شود.

بخش سوم) حجیت قول معصوم در خواب

دو مقدمه:

مقدمه اول) پیشینه و اقسام:

مساله حجیت قول معصوم در خواب، موضوع جدیدی نیست بلکه عمری
به درازای تاریخ اسلام دارد و علمای زیادی در این زمینه قلم زده اند، از جمله
شیخ مفید (۴۱۳)، سید مرتضی (۴۳۶)، علامه کراچکی (۴۴۹)، علامه حلی
(۷۲۶)، علامه مجلسی (۱۱۱۰) و محقق بحرانی (۱۱۸۶).

خواب دیدن معصوم به شش گونه قابل تصور است:

۱. قبلاً چهره معصوم را در بیداری دیده لذا وقتی در خواب می‌بیند می‌داند
که همان معصوم است.
۲. چهره را در بیداری ندیده اما در خواب احساس می‌کند چهره معصوم
است.
۳. چهره را در بیداری ندیده ولی به او الهام می‌شود که فلان معصوم

۱. کنز الفوائد ج ۲ ص ۶۱

است.^۱

۴. خود شخصی که خواب دیده بگوید من فلان معصوم هستم.

۵. شخص دیگری در خواب بگوید که او فلان معصوم است.

۶. از روی قرائن و شواهدی حدس بزند که آن چهره متعلق به فلان معصوم می‌باشد^۲ مثل اینکه اعمالی را جهت خواب دیدن معصوم انجام داده و شب خوابی دیده که آن را بر دیدن معصوم تطبیق می‌دهد یا سیدی همانم یکی از معصومین علیه السلام دیده و گمان می‌کند همان معصوم است.

مورد اول برای ائمه علیهم السلام و مردمی که در زمان معصومین علیهم السلام ایشان را در بیداری دیده بودند رخ می‌دهد و بسیاری از روایاتی که در زمینه خواب دیدن معصومین علیهم السلام توسط افراد ثبت شده از این قبیل می‌باشد.^۳

۱. علامه شعرانی در مورد کسانی که بعد از عصر معصومین علیهم السلام می‌زیسته و خواب ایشان را دیده اند فقط صورت الهام را پذیرفته و می‌نگارد: هذا هو المقصود و الا فليس أحد ممن جاء بعد رسول الله صلى الله عليه وآله يعرفه بصورته حتى يعلم أن المتمثل بصورته هو أو بغير صورته ... و بالجملة الالهام من عالم الغيب يلقي الى قلب الرائي و يعرف هو صحته بعلم ضروري لا يشك فيه. شرح الكافي (المازندرانی) ج ۷ حاشیه ص ۳۷۷

۲. و البته صورت ۲ تا ۶ شامل این گزینه نیز می‌شود که چهره معصوم را در بیداری دیده اما در خواب ایشان را به شکل دیگری مشاهده نموده است، هر چند چنین موردی در روایات یافت نشد.

۳. گفته نشود که ائمه متاخر نیز صورت پیامبر صلی الله علیه و آله را در بیداری ندیده بودند اما بارها می‌فرمودند ما خواب پیامبر را دیدیم. زیرا طبق تصریح روایات متعدد، ائمه علیهم السلام هر از گاهی در عالم معنی با پیامبر صلی الله علیه و آله دیدار داشته اند و چهره ایشان را می‌شناختند: «إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَافَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْعَرْشَ وَ وَافَى الْأَيَّمَةَ علیهم السلام مَعَهُ» (الكافي ج ۱ ص ۲۵۴ ح ۲). غیر از اینکه چون به تصریح روایات، ←

حجیت خواب ۱۱۹۱

از طرفی کسی را که در خواب می بینیم یا صورت شخص دیگری است که او را می شناسیم ولی در خواب یا بعد از خواب چنین برداشت یا تعبیر می کنیم که فلان معصوم است؛ یا چهره هایی است که از معصومین علیهم السلام نقاشی کرده اند؛ و یا صورتی است که در بیداری ندیده ایم که یا خیلی منحصر به فرد است و یا معمولی است، و گاهی هم فقط یک صورت پر از نور می بینیم که قادر به تشخیص خصوصیات چهره اش نیستیم.

از طرف دیگر، گاهی ما صورتی در خواب می بینیم که با ما حرف می زند، گاهی تصویری نمی بینیم و تنها صدایی می شنویم که مطلبی می گوید، گاهی صورتی می بینیم که به ما کاغذی نشان می دهد که در آن مطلبی نوشته است، و گاهی فقط نوشته یا کتابی را در خواب می بینیم و نه صورتی در کار است و نه صدایی.

با توجه به همه این مطالب نکاتی را متذکر می شویم:

نکته اول) برداشت ما نسبت به اینکه معصوم را در خواب دیده ایم چند گونه قابل تصور است:

→ شیطان متعرض ایشان نمی شده است: «الشَّيْطَانُ يَا زُرَّارُهُ لَا يَتَعَرَّضُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ» (بصائر الدرجات ج ۱ ص ۳۱۹ ح ۲) با الهام غیر شیطانی هم می توانستند بفهمند که پیامبر صلی الله علیه و آله را خواب دیده اند. و اصلاً آنها که خلیفه خدا در روی زمین هستند دارای علم حضوری به همه اشیاء می باشند و به علم حضوری می دانند که چه کسی را خواب دیده اند. در نتیجه ادعای ایشان نسبت به خواب دیدن پیامبر یا دیگر معصومین علیهم السلام قابل مقایسه با ادعای مردم عادی نیست.

اول) اگر صورتی که در خواب دیده ایم، یکی از تصویرهای نقاشی شده از معصومین علیهم السلام باشد، راست بودن این خواب قابل اثبات نیست. چون اولاً طبق بعضی روایات، نقاشی صورت انسان حرام می باشد^۱ پس آیا می شود معصومین علیهم السلام با ظاهر شدنشان به شکل آن نقاشی ها، این عمل حرام را تایید کنند؟ ثانیاً از آنجا که این تصویرها در خزانه ذهن موجود می باشند و ما پیش زمینه دیدن چنین تصویرهایی را در خواب داریم، احتمال اینکه این خوابها از نوع خوابهای نفسانی باشد کاملاً قوی است.

دوم) اگر صورتی که در خواب دیده ایم، چهره یکی از افراد آشنا باشد اثبات اینکه معصوم را در خواب دیده باشیم مشکل است. زیرا هیچ فرد غیر معصومی لیاقت این را ندارد که معصوم به چهره او ظاهر شود حتی اگر در عالم خواب باشد، و این سخن حتی درباره پاک ترین انسانها نیز صادق است زیرا بالآخره آنها معصوم نیستند و مقامشان از مقام اهل بیت علیهم السلام خیلی فاصله دارد. و حتی اگر سیدهم باشند باز نمی توان پذیرفت که معصوم به چهره آنها درآمده باشد. سوم) اگر ما حدس زده ایم که معصوم را در خواب دیده ایم، حدس حجیت شرعی ندارد و جز ظن و گمان چیزی نیست و قرآن می فرماید: ظن به هیچ وجه جای واقعیت را نمی گیرد.^۲

۱. «قَالَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةُ إِنْسَانٍ». الكافي ج ۳ ص ۳۹۳ ح ۲۶

۲. «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا». نجم: ۲۸، یونس: ۳۶

حجیت خواب ۱۲۸۱

حال اگر از روی قرائن و شواهد حدس زده ایم که معصوم را دیدیم، باید دید آیا آن قرائن عقل پسند است یا خیر. مثلاً چون یک خانم با چهره نورانی دیده ایم می‌گوییم حضرت فاطمه علیها السلام بوده است! اما سوال اینست که آیا نفس یا شیطان نمی‌تواند یک صورت نورانی در خواب به ما نشان دهد؟ بله اگر آن صورت نورانی خودش گفته باشد من فلان معصوم هستم این بحث پیش می‌آید که آیا شیطان در خواب به صورت معصوم در می‌آید یا خیر، و ما این مساله را در ضمن روایات بررسی خواهیم کرد.

چهارم) در صورتی که ما احساس کرده باشیم معصوم را در خواب دیده ایم، اگر این احساس دارای پیش زمینه بوده مثل اینکه به خود تلقین کرده ایم که امشب حتماً باید معصوم را در خواب ببینم، یا کسی به ما گفته تو امشب معصوم را در خواب خواهی دید، یا اعمالی را به نیت خواب دیدن معصوم انجام داده ایم و با فکر خواب دیدن او به خواب رفته ایم، احتمال اینکه این خوابها از نوع نفسانی باشد کاملاً قوی است. حال چه آن اعمال در روایات وارد شده بوده - که این را بعداً بررسی می‌کنیم - و چه در روایات وارد نشده بوده که این خودش بدعت در دین است و دریچه‌ای برای تسلط شیطان بر ایجاد خواب برای او باز می‌کند.

لذا تمام یاران احمد که واسطه خواب دیدنشان دستور العمل احمد بصری بوده مبنی بر اینکه سه روز روزه بگیرند و بعد به حضرت زهرا علیها السلام جهت کشف

حقانیت احمد در خواب متوسل شوند^۱ یا دعایی که او گفته را چهل شب بخوانند^۲، چون اصل این روزه و آن دعا در روایات نیامده، عملشان بدعت تلقی شده، هر خوابی که بینند به دور از تسلط شیطان در خواب نیست.^۳

ما در اینجا روایتی ذکر می‌کنیم تا نقش دریچه شیطان کمی واضح تر شود. شخصی از امام صادق (ع) در مورد خواب وحشتناکی که پیوسته به سراغ او می‌آید کمک خواست. خواب وی این بود که زنی وحشتناک به سمتش می‌آید و او آنچنان از ترس فریاد می‌کشد که همسایه‌ها صدایش را می‌شنوند. امام صادق (ع) فرمودند: علت دیدن این خواب اینست که تو زکات نمی‌دهی. گفت: می‌دهم. فرمودند: پس به اهلش نمی‌دهی.^۴

شما در این حدیث مشاهده می‌کنید که علت خواب‌نما شدن آن شخص

۱. احمد می‌گوید: أقصر طريق للإيمان بالغيب هو الغيب، إسألني الله بعد أن تصومي ثلاثة أيام و تتوسلي بحق فاطمة بنت محمد أن تعرفني الحق من الله بالرؤيا أو الكشف أو بأى آية من آياته الغيبية الملكوتية سبحانه و تعالى. الجواب المنير ج ۱ ص ۷

۲. بشارتی ص ۲

۳. اشکال نشود که آنها احمد را حجت معصوم و فرستاده خدا می‌دانند لذا عمل به دستورات او برای ایشان بدعت نیست. زیرا آنها خواب را حجت مستقل می‌شمرند و می‌گویند همین که خواب حقانیت احمد را دیدی حجت بر تو تمام است. در نتیجه گروهی از ایشان که به واسطه دستور العمل احمد و دیدن خواب به او ایمان آورده‌اند، در حالی برای دیدن خواب به دستور العمل وی عمل کرده‌اند که هنوز حقانیت او برای شان مشخص نشده بوده، و این دقیقاً مصداقی از بدعت است.

۴. المحاسن ج ۱ ص ۸۷ ح ۲۷

حجیت خواب ۱۲۳۱

سهل انگاری در پرداخت صحیح زکات بوده و همین امر باعث تسلط شیطان بر خواب وی گشته است. و البته خوابهای شیطانی همیشه از نوع ترسناک نیست بلکه طبق روایات - همانطور که در اقسام خواب گذشت - یکی از خوابهای شیطانی ایجاد انحراف در عقیده است.

پنجم) کسانی که می‌گویند به ما الهام شد که این چهره فلان معصوم است باید بدانند که احساس کردن با الهام شدن فرق دارد و الهام الهی تنها برای کسانی رخ می‌دهد که در درجات بسیار بالای ایمان و تقوا بوده و از بسترهای تسلط شیطان نیز به دور باشند و حتی همان افرادی که اهل الهامات هستند تصریح می‌کنند که گاهی در اصل الهام یا تعبیری که از آن دارند دچار اشتباه می‌شوند. بلکه رخداد اشتباه حتی در بیداری هم ممکن است همچنانکه مرحوم مشیری در تشرف خدمت امام زمان علیه السلام حضرت خضر را با ایشان اشتباه گرفت.^۱

حال وقتی ما می‌گوییم در خواب به ما الهام شده که فلان معصوم بوده، چه راهی برای اثبات عصمت خود از اشتباه در الهام داریم که توهم را با الهام اشتباه نگرفته باشیم؟ راهی که قاعده ای کلی برای همه خوابهای همه افراد ارائه دهد؟ این سوالی است که همچنان بی پاسخ مانده و کسانی که ادعای الهام می‌کنند بیش از اینکه بگویند بر احساس خود تکیه کرده اند سخنی ندارند.

۱. مشروح این داستان را در کتاب راه های ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام آورده ام.

همچنانکه چه بسیار در برداشت از محتوای خواب به اشتباه می‌رویم. در همین راستا از امام صادق علیه السلام نقل شده: روزی اُمّ ایمن خواب دید قسمتی از اعضاء بدن پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه اوست و (وی گمان کرد که ایشان به زودی وفات خواهند کرد) لذا تمام شب و صبح را گریه کرد. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلع شدند فرمودند: تعبیر رؤیا چیزی نبوده که تو دیدی بلکه فاطمه حسین را به دنیا خواهد آورد و تو او را پرورش می‌دهی و به این صورت قسمتی از اعضاء من در خانه تو خواهد بود. چون حسین متولد شد اُمّ ایمن او را در پارچه‌ای پیچیده، نزد آن حضرت آورد و ایشان فرمودند: این تاویل رؤیای تو بود.^۱ خوب در این حدیث، اُمّ ایمن پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده اما تعبیرش چیزی نبوده که او تصور نموده است.^۲

ششم) اگر صدایی شنیدیم که خودش را معرفی نکرد نمی‌توانیم بگوییم حتماً صدای معصوم یا فرشته بوده، همچنین اگر فقط نوشته‌ای را در خواب دیدیم که در آن مطلبی نوشته شده نمی‌توانیم چنین برداشت کنیم که این نوشته از طرف معصوم یا خداوند بوده، نیز اگر شخص دیگری را در خواب دیدیم که گفت این فلان معصوم است چون خود آن شخص را نمی‌شناسیم یا اگر

۱. الأُمّالی (للصدوق) ص ۸۲-۸۳ ح ۱

۲. اشکال نشود که او تنها عضوی از حضرت را دیده نه کل بدن را، زیرا تا او خود حضرت را ندیده باشد چطور فهمیده آن عضو قسمتی از جسم پیامبر صلی الله علیه و آله است؟

می‌شناسیم ایمن نیستیم که تمثیل شیطان نباشد^۱ نمی‌توانیم به گفته او اعتماد کرده و ادعا کنیم که فلان معصوم را در خواب دیده ایم.

نتیجه اینکه: ادعای خواب دیدن معصوم تنها در صورتی قابل طرح است که ما چهره ای را در خواب ببینیم و او خودش بگوید من فلان معصوم هستم و یا از حرفهایش متوجه شویم که فلان معصوم می‌باشد یا قرائن قطعی بر این امر دلالت کند و یا به علم حضوری چنین دریافت نماییم. ولی این ادعا فقط قابل طرح است اما اینکه قابل اثبات هم می‌باشد إن شاء الله در ضمن بررسی روایات روشن خواهد شد.

نکته دوم) با توجه به روایتی که با چندین سند صحیح می‌گوید حکم شرعی در خواب دیده نمی‌شود^۲، در می‌یابیم که امکان ندارد یکی از معصومین علیهم‌السلام برای اثبات یا رد حکم یا عقیده ای تنها به خواب اکتفاء نموده، جهت بیان چنین مطالبی در خواب افراد بیاید.

نکته سوم) اگر یکی از عوامل دروغ بودن خواب در فرد وجود داشت مثل جنابت یا بی وضو بودن یا اول شب خواب دیدن، نمی‌تواند ادعا کند کسی را که در خواب دیده فرد معصوم بوده است. زیرا در احادیثی که قبلاً متذکر شدیم، تصریح به باطل و دروغ بودن چنین خوابی گشته است.

۱. اشکال نشود که در حدیثی آمده شیطان به صورت شیعیان متمثل نمی‌شود، زیرا در آینده توضیح خواهیم داد که مراد هر شیعه ای نیست.

۲. الکافی ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱، علل الشرائع ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۱ با چند سند صحیح دیگر.

نکته چهارم) وقتی به واقعیت بیرونی نگاه می‌کنیم می‌بینیم در طول تاریخ اسلام، افراد متعددی از فرقه‌های گوناگون ادعای دیدن پیامبر ﷺ را در خواب نموده‌اند که ایشان عقائد آن فرد را تایید یا حتی تاکید کرده‌اند و قطعاً نمی‌شود همه این خواب‌ها راست باشد و نمی‌شود همه آن افراد را در ادعای خواب دیدن دروغگو فرض کرد.

این ادعا به وفور در میان پیروان مذاهب فقهی اهل سنت مثل حنفی و حنبلی و شافعی، مکاتب حدیثی شیعه مثل اخباری‌ها و ضد فلسفه‌ها، مکاتب عرفانی و صوفی مثل عرفان ابن عربی و فلسفه ملا صدرا، و فرقه‌های جدا شده از تشیع مثل بابیت و بهائیت یافت می‌شود.

شیخ مفید در همین زمینه می‌نگارد: اینکه انسان پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه ﷺ را خواب ببیند نزد من بر سه قسم است: صحیح قطعی، باطل قطعی، محتمل الصحة و البطلان.

صحیح قطعی آنست که پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه ﷺ را خواب ببیند در حالیکه ایشان انجام دهنده طاعتی یا دستور دهنده به طاعتی یا نهی کننده از معصیتی یا بیان کننده زشتی معصیتی و یا گوینده حق و دعوت کننده به آن باشند.

باطل قطعی هر چه بر عکس این باشد، زیرا ما علم داریم که پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ صاحبان حق و به دور از باطل هستند.

و محتمل الصحة خوابی است که پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه ﷺ را در

حجیت خواب | ۱۲۷۱

حالتی عاری از حالات مخصوص به تشریع ببیند مثلاً سواره یا پیاده و یا نشسته. و با این بیان روشن می شود مراد روایتی که می گوید شیطان نمی تواند در خواب متمثل به پیامبر ﷺ گردد، قسم اول است زیرا شیطان هیچگاه در بیان طاعت متمثل به ایشان نمی شود.

از طرفی وقتی بشری مثل فرعون و مانند او در عالم بیداری ادعای خدایی می کند چه مانعی وجود دارد که شیطان در خواب کسی آمده و ادعا کند پیامبر است. و از دلائلی که ثابت می کند گاهی خوابی که خیال می کنیم از پیامبر یا امام دیده ایم باطل می باشد، خوابهایی است که ناصبی ها از رسول خدا ﷺ درباره حقانیت غاصبین خلافت می بینند، بر عکس شیعه که خواب حقانیت امیر المومنین (علیه السلام) را مشاهده می کند. و بهترین راه برای تشخیص خواب حق، حقیقتی است که در بیداری ثابت شده^۱، همچنانکه برای تشخیص خواب باطل،

۱. البته محدث نوری در این باره چنین اشکال می کند: اگر شناخت خواب حق متوقف بر مطابقتش با حقیقتی است که در بیداری ثابت شده پس چه فرقی بین خواب دیدن معصوم و خواب دیدن غیر او باقی می ماند؟ دار السلام ج ۴ ص ۲۷۷. اما فرقی در جواب آن حقیقتی است که در خواب دیده شده، مثل تشویق پیامبر یا توبیخ ایشان یا بشارت آن حضرت در مورد انجام یا ترک یک کار یا پایداری بر یک اعتقاد یا ترک آن. به راستی کسی که پدرش را خواب ببیند که وی را بخاطر بی توجهی به مادرش توبیخ کند با کسی که توبیخ پیامبر ﷺ را دیده فرقی ندارد؟ به راستی اگر مادر کسی در خواب به او بگوید چرا با قرآن انس نداری با اینکه یک معصوم به او چنین سخنی بگوید تفاوت نمی کند؟ این در حالیست که لزوم احترام به مادر و انس با قرآن حقیقتی است که در بیرون از عالم خواب ثابت شده است.

برهانی که بر بطلانش اقامه شده کفایت می‌کند.

ما خود، فردی ناصبی را دیدیم که بعد از شیعه شدن می‌گفت الآن خواب‌هایی می‌بینم که بر خلاف خواب‌های زمان ناصبی بودم است.^۱

مقدمه دوم) تمثیل شیطان در خواب:

مراد از این گزینه اینست که شیطان در خواب افراد به صورت یکی از پیامبران یا امامان در آید و با کلام یا رفتار خود باعث گمراهی آنها شود. و این خود دارای دو فرد است: ۱. تمثیل شیطان به چهره واقعی معصومین علیهم‌السلام در خواب افرادی که در زمان آن حضرات زندگی می‌کردند و چهره ایشان را در بیداری دیده و می‌شناختند. ۲. تمثیل شیطان به صورت انسانی برای افرادی که در زمان معصومین علیهم‌السلام نبوده و چهره آنها را نمی‌شناسند با ادعای اینکه فلان معصوم است.

و البته باید توجه داشت که تمثیل شیطان در خواب دو گونه قابل تصور است: ۱. صریحاً ادعا کند فلان معصوم است، ۲. بر دل شخص القاء نماید فلان معصوم می‌باشد.

در این باره روایات متعددی در منابع اهل سنت وجود دارد که بعضاً در منابع شیعی نیز درج شده است و اهل سنت به شدت به عدم امکان چنین تمثیلی در مورد پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعتقاد دارند و در این باره نیز بحث‌های گسترده‌ای

۱. کنز الفوائد ج ۲ ص ۶۲-۶۵

حجیت خواب ۱۲۹۱

نموده اند، و در مورد خوابهای متناقضی که فرقه های مختلف از پیامبر ﷺ می بینند در تحریر افتاده اند.^۱

و اما در شیعه نیز دو روایت ثبت شده که همین دو مستمسک خوبی برای فرقه های منحرف مانند صوفیه، باییت، بهائیت و از جمله فرقه احمد بصری شده است که همینک به بررسی مهمترین این دو روایت می پردازیم.

مردی خراسانی به امام رضا (ع) عرضه داشت: من دیشب رسول خدا را خواب دیدم گویا به من فرمود: چگونه خواهید بود زمانیکه پاره ای از من در سرزمین شما دفن شود و شما نگهبان امانت من قرار داده شوید و ستاره من در سرزمین شما مدفون گردد؟ امام رضا (ع) فرمودند: من همان مدفون در سرزمین شما هستم و من همان پاره تن رسول خدا می باشم و من همان امانت و ستاره هستم ... و پدرم از جدم از پدرش (امام باقر (ع)) از رسول خدا نقل فرمود که ایشان فرمودند: هر کس مرا در خواب ببیند (یا: زیارت کند) واقعاً مرا دیده (یا: زیارت کرده) زیرا شیطان نه به صورت من متمثل می شود و نه به صورت یکی از اوصیائم و نه به صورت یکی از شیعیان ایشان و رؤیای صادقه جزئی از اجزاء هفتادگانه نبوت است:

«قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ يَقُولُ لِي كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِي أَرْضِكُمْ بَضْعَتِي وَاسْتَحْفِظْتُمْ وَدِيعَتِي وَ

۱. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۲۳۵-۲۳۹

غُيِّبَ فِي ثَرَاكُم نَجْمِي فَقَالَ لَهُ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَأَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَأَنَا الْوَدِيعَةُ وَالتَّجَمُّ ... وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ مَنْ رَأَنِي^۱ فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَنِي^۲ لِأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَثَّلُ فِي صُورَتِي وَلَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوصِيَائِي وَلَا فِي صُورَةِ وَاحِدَةٍ مِنْ شِيعَتِهِمْ وَإِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ^۳.

تدبر:

در این حدیث امام رضا علیه السلام ادعای کسی که می‌گوید رسول خدا ﷺ را در خواب دیده است تصدیق می‌کنند و جهت تأکید بر این تصدیق، به حدیثی از پیامبر ﷺ استشهد می‌نمایند که شیطان به صورت ایشان در نمی‌آید. این حدیث یکی از مهمترین روایاتی است که احمد بصری و یاراناش بدان تمسک می‌کنند^۴ و به همین واسطه کسانی را که می‌گویند شاید شیطان در خواب ادعا یا القاء کند که یکی از معصومین می‌باشد را کافر تلقی می‌کنند.^۵

غافل از اینکه:

اولاً در این حدیث پیامبر ﷺ فرموده اند: «هر کس مرا در خواب ببیند»،

۱. فی العیون: زارنی.

۲. فی العیون: زارنی.

۳. من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۸۴-۵۸۵ ح ۳۱۹۱

۴. عقائد الإسلام ص ۷۷-۷۸

۵. من ینکر هذا الطريق للنص الإلهي و هو طريق الوحي بالرؤيا، فهو معلن لکفره ببعض القرآن.

همان ص ۷۲-۷۳

حجیت خواب ۱۳۸۱

و این اول کلام است که از کجا تشخیص دهیم کسی که دیده ایم شخص پیامبر بوده است؟ زیرا کسانی که می گویند ما پیامبر را خواب دیده ایم بسا بخاطر حدیث نفس یا اشتباه در برداشت است، از طرفی ما قبلاً راه های تشخیص معصوم را مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم تنها در صورتی می توانیم ادعا کنیم معصوم را در خواب دیده ایم که یا خودش بگوید من فلان معصوم هستم، یا گفتارش ظهور در این مطلب داشته باشد، یا قرائن قطعی بر این امر دلالت کند و یا دسترسی به الهام یا علم حضوری داشته باشیم، و نیز هر چهره ای نمی تواند صورت معصوم باشد.

احمد بصری اشکال می کند که این مرد رسول خدا ﷺ را در بیداری ندیده بوده، و با این حال امام رضا ﷺ خواب وی را تایید می نمایند، لذا این حدیث قطعاً شامل کسانی که در زمان معصوم نبوده و او را ندیده اند نیز می شود^۱. و اصلاً اگر تشخیص کسی که خواب دیده ملاک نباشد برای چه رسول خدا چنین مطلبی را فرموده اند؟

اما در جواب باید گفت: تشخیص افراد به دور از خطا و اشتباه نیست چون آنها معصوم نیستند و تنها تایید معصوم می تواند ما را به قطع برساند که پیامبر را

۱. أما قول بعضهم بأن المقصود بالحديث هو فقط من رأى الرسول في الدنيا و يعرف صورته المادية، فهذا تقتضيه نفس الرواية؛ حيث إن الإمام الرضا ﷺ يعلم يقيناً أن الشخص الذي قص عليه الرؤيا لم ير رسول الله محمداً ﷺ و مع هذا قال له: من رأى الرسول فقد رآه فإن الشيطان لا يتمثل به، و هو يوجه الكلام له و يقصد بالكلام رؤياه بالتحديد. همان ص ۷۸

در خواب دیده ایم. لذا وقتی امام رضا علیه السلام خواب آن مرد را تایید کردند تازه ثابت می شود که وی پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیده است. اما این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما ثابت نیست که فرموده باشند هر کس (حتی مردم آینده که صورت آن حضرت را در بیداری ندیده اند) ایشان را خواب ببیند، خود ایشان را خواب دیده است. زیرا همانگونه که گفتیم این مضمون تنها در دو روایت آمده است و ابهامات متعددی نیز دارد.

از طرفی این حدیث اطلاق دارد پس چطور است که فقط شامل خواب هایی می شود که به نفع جریان یمانی دیده شده نه خواب هایی که بر ضد او رؤیت شده است؟!

ثانیاً صادق بودن خواب معصوم با حجت بودن آن فرق می کند، زیرا صادق بودن یعنی کسی واقعاً معصومی را در خواب ببیند ولی حجت بودن یعنی مکلف به اطاعت از امر و نهی است که در عالم خواب از معصوم شنیده است، در حالیکه این دو با هم تلازمی ندارند. زیرا حتی در یک روایت هم نیامده که بگوید امر و نهی ما در خواب مانند امر و نهی در بیداری است و باید بدان گوش فرا دهید^۱ بلکه بر عکس، روایتی با چندین سند صحیح می گوید احکام دین

۱. بله از محمد بن ابی بکر چنین وارد شده که حدیث پیامبر برای علی در خواب مانند حدیث پیامبر برای علی در بیداری است: «حَدِيثُهُ إِيَّاهُ فِي الْمَنَامِ مِثْلُ حَدِيثِهِ إِيَّاهُ فِي الْحَيَاةِ وَ الْيَقَظَةِ»؛ کتاب سلیم بن قیس الهمدانی ج ۲ ص ۸۲۳. اما این تنها درباره امام علی علیه السلام می باشد و تازه از معصوم هم نرسیده بلکه از محمد بن ابی بکر است و هر چند امیر المومنین علیه السلام در ادامه، ماجرای که محمد نقل ←

حجیت خواب ۱۳۳۱

توسط خواب به اثبات نمی‌رسد چه برسد به اصول دین و اثبات امامت برای کسی: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ».^۱

علامه مجلسی در این باره می‌نگارد: روایات خواب دیدن معصومین صریح در وجوب عمل کردن به محتوای آن خوابها نیست لذا می‌شود در عین علم به اینکه آنها را در خواب دیده، اما عمل به آن خوابها واجب نباشد چون ملاک اثبات احکام دین (و بالاتر از آن اصول دین) علمی است که از راه طبیعی به دست آید همچنانکه خود پیامبر و ائمه علیهم‌السلام با اینکه از کفر منافقین و فسق گناهکاران و نجاست بسیاری از چیزها آگاهی داشتند مأمور به عمل به این علم نبودند بلکه به امور ظاهری و عادی مثل مشاهده و گواهی شاهد عادل استناد می‌نمودند.^۲

→ نموده را تصدیق کرده و فرمودند: «صَدَقَ مُحَمَّدٌ»، لکن این تصدیق مربوط به ماجرای است که او نقل نموده نه سخنش درباره حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خواب.

همچنین در روایتی آمده که امام عسکری علیه‌السلام در خواب کسی به او فرمودند: کلام ما در خواب مانند کلام ما در بیداری است: «كُنْتُ بِسَرٍّ مَنْ رَأَى... فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ رَأَيْتُهُ عليه‌السلام فِي مَنَامِي، فَقَالَ: ... اَعْلَمُ أَنَّ كَلَامَنَا فِي النَّوْمِ مِثْلُ كَلَامِنَا فِي الْبَقَّةِ». رجال الکشي ص ۵۷۴ ح ۱۰۸۷؛ اما همانطور که مشاهده می‌کنید خود این کلام در عالم خواب به آن راوی گفته شده، و یک شیء نمی‌تواند شاهد خودش باشد.

۱. الکافي ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱. محدث نوری در همین باره می‌نگارد: بر صاحبان عقل پوشیده نیست که خواب برای غیر از پیامبران راه رسیدن به احکام نمی‌باشد: ولا يخفى على ارباب النهى عدم كون الرؤيا طريقاً في غير الانبياء في الاحكام بأسرها. دار السلام ج ۴ ص ۲۵۴

۲. هذه الأخبار ليست بصريحة في وجوب العمل به إذ لعله مع العلم بكونه منهم لم يجب العمل به إذ مناط الأحكام الشرعية العلوم الظاهرة كما أن النبي و الأئمة كانوا يعرفون كفر المنافقين و ←

نیز محقق قزوینی در همین باره می‌نویسد: اگر در رؤیای صادقه پیامبر یا یکی از معصومین علیهم‌السلام را ببیند که به چیزی امر یا از چیزی نهی می‌کنند نه تنها علم که حتی ظن هم برای انسان حاصل نمی‌شود که مقصود آن معصوم الزام آن فرد به پیروی از امر یا نهی ایشان است چون احتمال قوی وجود دارد که خوابش دارای تعبیری باشد که وی و امثال او از فهمش عاجزند.^۱

همچنانکه قبلاً متذکر حدیث امام صادق علیه‌السلام و نیز اُم ایمن درباره تعبیر اشتباه شدیم.

و به عبارت دیگر: از آنجا که بسیاری از خوابها دارای تعبیر هستند و ما نه دسترسی به ملاک تشخیص خواب تعبیر دار از بی نیاز از تعبیر داریم و نه دسترسی به تعبیر خوابهایی که می‌بینیم، بنا بر این خواب شأنیت حجت بودن را ندارد.

→ فسق الفاسقين و نجاسة أكثر الأشياء لكن الظاهر أنهم لم يكونوا مأمورين بالعمل بهذا العلم بل كانوا يستندون في تلك الأحكام إلى الأمور الظاهرة من المشاهدة و سماع البينة. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۲۳۷-۲۳۸

۱. لا يعلم ولا يظن ان ما يأمر به النبي ص او احد من الائمة عليهم‌السلام او ينهى عنه بعد فرض صدق الرؤيا انه قصد به تشريع الحكم او الزام الرائي باتباع ما راه من الامر او النهي لقوة احتمال ان يكون له تعبیر خفی لا يعرفه مثل ان يكون الامر اشارة الى معروف فعله في الماضي او يفعل في المستقبل والنهي اشارة الى منكر وقع او يقع فيه كذلك. الحاشية على قوانين الأصول ج ۲ ص ۶۵. نیز علامه مجلسی می‌نگارد: ما يرى في المنام قد يحتاج إلى تعبیر و تأويل فلعل ما رآه مما له تعبیر و هو لا يعرفه و إن لم يكن من قبيل الأضغاث. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۲

حجیت خواب ۱۳۵

ثالثاً اگر کسی به گمان خودش معصومی را در خواب دید و او دستوری خلاف دین داد یا باطلی را تایید کرد چه؟ باز هم می‌توان گفت او معصوم را خواب دیده است؟ پدر علامه مجلسی در پاسخ به این اشکال فرموده: این فقط یک فرض باطل و محال است و تا به حال شنیده نشده که کسی چنین خوابی ببیند و از این به بعد هم کسی نخواهد دید.^۱

این در حالیست که افراد زیادی از اهل سنت و دیگر فرقه‌های اسلامی ادعای دیدن خواب پیامبر ﷺ را نموده‌اند که ایشان راه و مذهب آن فرقه را تایید کرده‌اند و قطعاً همه آنها دروغ نگفته‌اند.

غیر از اینکه اگر چنین چیزی امکان نداشته و رخ نداده، چطور سید مهنّا بیش از ۷۰۰ سال پیش همین مساله را نزد علامه حلی مطرح کرده و علامه هم در جواب نفرموده که چنین چیزی امکان ندارد. متن این سوال و جواب به شرح ذیل است:

سید مهنّا: اگر کسی در خواب پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه علیهم‌السلام را دیده که وی را به چیزی دستور دهند که بر خلاف احکام رائج بین مردم است چه می‌فرمایید؟

۱. «و شبهات می‌کنند که اگر کسی خواب ببیند رسول خدا یا ائمه هدی را صلوات الله علیهم که امر کنند به فسق آیا عمل می‌توان کرد و جوابش اینست که فرض محال است و هرگز نشده است و نخواهد شد». لوامع صاحبقرانی ج ۸ ص ۵۶۱، و: «و إلى الآن ما سمعنا أن يكون رأى أحد في منامه يأمره بباطل فيمكن أن يكون فرض الباطل محالاً». روضة المتقين ج ۵ ص ۳۹۸

پاسخ علامه حلی: آنچه خلاف احکام است امکان پیروی کردن ندارد.^۱
 بله بعضی از این اشکال چنین جواب داده اند که: افراد باطل و غیر شیعه
 پیامبر را خواب نمی بینند زیرا آنها شخصیتی از رسول خدا در ذهن دارند که
 وجود خارجی ندارد؛ شخصیتی غیر معصوم و دارای بعضی رذائل اخلاقی و
 غیره که منطبق بر پیامبر ﷺ نمی باشد. لذا آنها پیامبری را در خواب می بینند که
 خدا او را مبعوث نکرده، پس کسی که در خواب می بیند پیامبر نیست و هر
 حرفی مخالف حق بزند نیز سخن آن حضرت نخواهد بود^۲، و صحت خواب
 پیامبر مشروط به داشتن ایمان و صلاح و تقواست و غیر مومن به ندرت خواب
 راست می بیند.^۳

اما اولاً به گواهی تاریخ قطعاً بسیاری از مخالفان و دشمنان شیعه،
 پیامبر ﷺ را خواب دیده اند که یا باعث هدایت شان شده یا باعث نجات غیر
 آنها از گمراهی یا زندان گشته و گاهی نیز معجزاتی در کنار این خوابها رخ داده
 که جای هیچ شکی در صحت آنها باقی نمی گذارد.^۴

۱. ما يقول سيدنا في من رأى في منامه رسول الله ﷺ أو بعض الأئمة عليهم ... ما قولكم لو كان ما
 أمر به أو نهى عنه على خلاف ما في أيدي الناس من ظاهر الشريعة؟ الجواب: ما يخالف الظاهر فلا
 ينبغي المصير اليه. أجوبة المسائل المهنائية ص ۹۷-۹۸

۲. نقل شده در دار السلام ج ۴ ص ۲۷۹-۲۸۰

۳. دار السلام ج ۴ ص ۳۰۸

۴. همان ص ۲۸۱

حجیت خواب | ۱۳۷۱

ثانیاً روایت مورد بحث دارای عموم و اطلاق است و اگر می‌توان آن را به داشتن ایمان و تقوا و صلاح مقید نمود پس می‌توان به همه چیزهای دیگری که از دیگر احادیث به دست می‌آید نیز مقید نمود مثل این حدیث صحیح که حکم شرعی با خواب ثابت نمی‌شود^۱، لذا با توجه به این حدیث متوجه می‌شویم روایت مورد بحث ناظر به خواب های بشارت یا خبر دادن از چیزی یا مانند آن است.

همچنانکه در «بلغة الشیعة» ادعا شده که این مربوط به زمان حضور معصوم بوده است که می‌توانسته احکام را در بیداری بگوید نه دوره غیبت^۲، غافل از اینکه عدم تمثیل شیطان به صورت معصوم نیز در زمان خود معصومین علیهم‌السلام مطرح شده و شامل دوره حضور ایشان هم هست. در نتیجه همان مکتبی که گفته شیطان به صورت معصوم در نمی‌آید همان مکتب گفته احکام توسط خواب بیان نمی‌گردد چه برسد به عقائد.

رابعاً این مطلب که پیامبر فرموده باشند شیطان در خواب متمثل به من نمی‌شود تنها در دو روایت از شیعه وارد شده^۳، در حالیکه همین حدیث در میان

۱. الکافی ج ۳ ص ۴۸۲ ح ۱، علل الشرائع ج ۲ ص ۳۱۲ ح ۱

۲. بلغة الشیعة ص ۱۰۲

۳. یکی همین روایت مورد بحث و دیگری حدیثی که ذیل روایت دوم نقل شد. البته در کتاب جامع الأخبار هم قسمت دوم حدیث امام رضا علیه‌السلام ثبت شده که بعضی آن را حدیث سوم محسوب کرده‌اند (دار السلام ج ۴ ص ۲۷۳، بلغة الشیعة ص ۹۹) در حالیکه این همان حدیث امام ←

اهل سنت جزء روایات مشهور تلقی می‌شود و از راویان متعددی از جمله پسر عمر، ابو هریره، ابن مسعود، ابو سعید، ابو قتاده و جابر در کتاب‌های صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن ابو داود ثبت شده است.^۱ لذا احتمال قوی وجود دارد آن مردی که این خواب را دیده شیعه نبوده، و امام علیه السلام برای اثبات حقانیت خواب او به حدیثی از اهل سنت با سلسله ائمه استناد نموده اند تا او بپذیرد^۲، در حالیکه برداشت وی را از این حدیث قبول نداشته اند. زیرا مراد اهل سنت از نقل این حدیث اینست که هر کس را در خواب دیدی و گمان کردی رسول خداست برداشتت درست است.

پدر علامه مجلسی در مورد احتمال شیعه نبودن آن مرد می‌گوید: احتمال دارد که غرض اظهار امامت حضرت به آن شخص باشد تا سبب هدایت او و دیگران شود.^۳

خامساً آیا می‌توان چیزی که تنها در دو حدیث ثبت شده را مستند اعتقاد خود قرار داد؟ در حالیکه اهمیت اعتقاد تا جایی است که می‌تواند سعادت یا

→ رضا علیه السلام است که در متن ذکر کرده ایم. با این توضیح روشن شد ادعای استفاضه این اخبار توسط مؤلف بلغة الشيعة ص ۹۹ سراسی بیش نیست.

۱. بحار الأنوار ج ۵۸ ص ۲۳۴-۲۳۵

۲. و جالب اینست که امام رضا علیه السلام سلسله سند را تنها تا امام باقر علیه السلام می‌رسانند نه خود پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ...»، گویی این حدیث در زمان امام پنجم توسط اهل سنت مشهور شده و ایشان نیز همین را برای ائمه بعدی نقل فرموده اند.

۳. لوامع صاحبقرانی ج ۸ ص ۵۵۸

حجیت خواب ۱۳۹۱

شقاوت ابدی را برای شخص رقم زند. و برای همین است که سید مرتضی درباره این حدیث می‌نگارد: این حدیث خبر واحدی از نوع ضعیف‌ترین خبرهاست که نمی‌شود بر مثل آن تکیه کرد: «هذا خبر واحد ضعیف من أضعف أخبار الآحاد، و لا معول علی مثل ذلك».^۱

بله در امالی طوسی نیز از ابوبکر بن عیاش از ابو حصین نقل می‌کند که پیامبر فرمود: هر کس مرا در خواب ببیند خود مرا دیده چون شیطان شبیه من در نمی‌آید: «فَإِنَّ أَبَا حُصَيْنٍ حَدَّثَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ فَإِيَّايَ رَأَى، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَشَبَّهُ بِي».^۲

ولی ابوبکر سنی و غیر قابل استناد در نزد شیعه می‌باشد^۳، و اصولاً این حدیث جزء روایات اهل سنت محسوب می‌شود نه بیانات اهل بیت علیهم‌السلام.

سادساً این روایت می‌گوید که شیطان حتی به صورت احدی از شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام در نمی‌آید: «وَلَا فِي صُورَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ شِيعَتِهِمْ»، و قطعاً اطلاق این کلام مخالف واقعیت است و چه بسیار می‌شود که شیطان به صورت شیعه‌ای در آمده و خوابی با محتوای شیطانی به تصویر می‌کشد.

علامه مجلسی که متوجه این اشکال بوده، می‌نگارد: شاید مراد شیعیان خالص اهل بیت باشند کسانی مثل سلمان و ابوذر و مقداد و امثال اینها: «لعله

۱. أمالي المرتضى ج ۲ ص ۳۹۴

۲. الأمالي (الطوسي) ص ۳۲۴

۳. رجال البرقي ص ۴۳

محمول علی خالص شیعتهم کسلمان و اُبی ذر و المقداد و اُضرابهم».^۱
در حالیکه ظاهر حدیث همه شیعیان را می‌گیرد: «وَلَا فِي صُورَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ شِيعَتِهِمْ» که قطعاً مخالف واقع است، از طرفی اگر مراد فقط شیعیان خالص بود می‌توانستند بگویند: و لا فی صورة خلص شیعتهم.

البته باید توجه داشت که در روایت سلیم، این فقره وجود ندارد و عدم تمثیل شیطان تنها مخصوص پیامبر و اوصیاء علیهم‌السلام معرفی شده است.

اینها همه به کنار، براستی اگر شیطان نمی‌تواند در خواب ادعا یا القاء کند که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و نیز یکی از راه‌های شناخت امام بر حق، خواب دیدن پیامبر بوده است پس چرا در سیره ائمه علیهم‌السلام چنین توصیه‌ای وجود ندارد؟ کجا ایشان برای اثبات امامت خویش مردم را به خواب ارجاع می‌دادند و کجا برای حقانیت آن خوابها به قانون عدم تمثیل شیطان به صورت پیامبر استدلال می‌نمودند؟ در حالیکه شما خواننده عزیز دریافتی که قانون عدم تمثیل فقط در دو حدیث آمده است.

اما احمد بصری که جواب این همه اشکال را ندارد به شبهه‌ای درباره رؤیت ملائکه تمسک جسته و می‌گوید:

اگر آنها شرط رؤیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب، رؤیت در بیداری می‌دانند نسبت به رؤیت فرشتگان چه می‌گویند؟ آیا می‌گویند کسی که فرشتگان

را در خواب ببیند شرطش اینست که قبلاً آنها را در بیداری دیده باشد و الا شیاطین را خواب دیده است؟

از طرفی تمام انبیاء از جمله محمد ﷺ در ابتدای رسالتشان ملائکه خدا را در خواب یا مکاشفه می دیدند و با آنها سخن می گفتند در حالیکه این اولین دیدار آنها با ملائکه بود. حال آیا کسانی که نام خود را علماء می نامند اگر در زمان پیامبران گذشته بودند همین حرف را به آنها می زدند که شاید شیطان پیش شما آمده و به صورت ملائکه متمثل شده؟^۱

پاسخ این شبهه سبک کاملاً روشن است، زیرا ما نمی گوییم هر کس پیامبر ﷺ را در بیداری ندیده خوابش شیطانی است تا قیاس با رؤیت فرشتگان شود زیرا حدیث نفس و توهم و حدس نیز از عوامل ادعای رؤیت فرشته یا پیامبر می باشد، بلکه می گوییم تا صادق بودن خواب ثابت نشود نمی توان ادعای رؤیت فرشته یا پیامبر را کرد. و البته همانطور که بارها تذکر دادیم به طور کلی

۱. ثم إنهم إذا اشتروا هذا مع الرسول محمد ﷺ فكيف سيطرد هذا الشرط مع الملائكة؟! فهل أيضا يقولون: إن الذي يرى الملائكة في الرؤيا لا بد أن يكون قد رآهم في الحياة الجسمانية وإلا فهم شياطين؟!

ثم إن كل الأنبياء ومنهم محمد ﷺ كانت بداية رسالتهم أن يروا ملائكة الله في الرؤيا والكشف و يكلمونهم و هي رؤيتهم الأولى لهم، فهل لو كان من يسمون أنفسهم اليوم بـ (علماء الإسلام) موجودون في زمن الأنبياء السابقين الذين يؤمنون بهم، هل كانوا سيواجهونهم بنفس هذا الكلام، يعني هل يقولون للأنبياء: و ما أدراكم ربما هذا الشيطان جاءكم و تمثل بالملائكة، أو الشيطان جاءك و أصحابك يا محمد ﷺ و تمثل بموسى ﷺ أو عيسى ﷺ، فأنت و أصحابك لم تروا موسى ﷺ في الحياة الجسمانية. عقائد الإسلام ص ۷۹

خداوند متعال راه شناخت حجت خود را رؤیا قرار نداده است.

و اما راجع به رؤیت ملائکه توسط انبیاء علیهم السلام می‌گوییم:

اولاً این خوابها در ابتدای رسالت نبوده بلکه در ابتدای نبوت بوده، یعنی زمانی که هنوز آنها مامور به ابلاغ دین خدا و رسالت نشده بودند در نتیجه اصلاً برای مردم از این خوابها پرده بر نمی‌داشتند تا بخواهند متهم به تسلط شیطان گردند، و این اولین اشتباه مدعی یمانی است. ثانیاً همچنانکه قبلاً تذکر دادیم هیچ پیامبری به این خوابها برای اثبات صداقت و حجیت خود استدلال نکرده و ادعای مدعی یمانی هیچ مستندی ندارد و این دومین اشتباه اوست. ثالثاً طبق احادیثی که در حجیت خواب انبیاء علیهم السلام وارد شده وقتی آنها می‌خواسته‌اند خواب فرشته ببینند ابتدا یک حالت خاص شبیه بیهوشی برای ایشان رخ می‌داده و سپس به خواب می‌رفته‌اند، و این علامتی از جانب خدا برای آنها بوده و بر این اساس امر بر ایشان مشتبه نمی‌شده است و این سومین اشتباه احمد بصری می‌باشد. رابعاً اینکه اولین دیدار همه پیامبران با فرشتگان و از جمله حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ابتدای رسالتشان بوده دروغی آشکار است زیرا حضرت علی علیه السلام تصریح می‌کنند که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند خدا بزرگترین فرشته خویش را بر وی گمارد تا ایشان را شب و روز بر طریق مکارم و محاسن اخلاق تربیت کند.^۱

۱. «لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صلی الله علیه و آله مِنْ لَدُنْ كَانَ قَاطِئاً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ». نهج البلاغة ص ۳۰۰

حجیت خواب ۱۴۳۱

ولی مدعی یمانی که پاسخ این اشکالات را نیز ندارد دست به ادعای جدیدی زده و می‌گوید: شیطان اصلاً جرئت و قدرت این را ندارد که به احدی چنین خوابی نشان دهد که خودش خلیفه خدا در زمین است یا فلانی خلیفه خداست، بلکه خوابهای شیطانی تنها رؤیای ناراحت کننده و خوابهای نا بخردانه است.^۱

این در حالیست که:

اولاً وقتی شیطان می‌تواند در خواب ادعای خدایی کند چگونه جرئت یا قدرت ندارد خود را خلیفه خدا معرفی نماید. و اگر احمد بگوید در مورد خواب خدا عقل و نقل دلالت دارند که ایشان دیده نمی‌شود، پاسخ می‌دهیم پس ملاک صادق بودن خواب انطباقش با مطلبی است که با عقل یا نقل ثبوت قطعی پیدا کرده باشد و این دقیقاً نفی حجیت خواب است. و باز اگر بگوید: درباره خواب دیدن خلیفه خدا نص خاص وجود دارد بر خلاف خواب دیدن خدا، جواب می‌گوییم که در خصوص این مساله نیز هیچ نصی وجود ندارد بلکه تنها دو حدیث درباره خطا نبودن خواب دیدن رسول خدا ﷺ وارد شده که پاسخش را بررسی نمودیم.

ثانیاً اگر شیطان نمی‌تواند صورتی را در خواب نشان دهد که ادعا می‌کند یا

۱. إن الشيطان لا يتجرأ و ليس له أن يري أحدا رؤيا أنه خليفة الله في أرضه، أو أن فلانا هو خليفة الله في أرضه، بل أحلام الشيطان أعاذنا الله هي أحلام تحزين و أحلام سفیهة. عقائد الإسلام ص ۷۹

به ما القاء می‌کند یکی از خلفاء پیشین خداست و می‌خواهد خلیفه جدید را معرفی یا تایید نماید، پس چطور این همه فرقه‌های باطل در اسلام و خارج از اسلام خواب پیامبر خود را دیده‌اند که همان باطل را تایید نموده‌اند؟

ثالثاً اینکه احمد بصری خواب شیطانی را منحصر در دو قسم دانسته از کمال عدم آگاهی او به روایات اهل بیت علیهم‌السلام است زیرا در بیانات ایشان از انواع خواب‌های شیطانی پرده برداشته شده که یکی از آنها بشارت شیطانی است. همچنین ادعا می‌کند که رؤیا مربوط به عالم ملکوت است و مراد از ملکوت نیز ملکوت خداست و شیطان هیچ تسلطی بر ملکوت خدا ندارد و اصلاً اگر شیطان امکان چنین تسلطی داشته باشد که دیگر ملکوت در دیت خدا نخواهد بود بلکه در دست شیطان است.^۱

گویی آن همه آیه و روایت درباره قدرت خواب‌سازی اجنه و شیطان را ندیده و آن همه احادیث را نخوانده که تصریح می‌کنند هر خوابی از ملکوت نیست و روح به هنگام بازگشت با شیاطین واضغات روبرو شده و آنها خوابهای باطل به او نشان می‌دهند.^۲

اعمال خواب

بعضی پیروان احمد چنین عنوان می‌کنند که اگر این روایات مربوط به

۱. الرؤی من الملکوت ... و الملکوت ملکوت الله ... و لیس للشیطان تسلط علی ملکوت الله

همان ص ۸۵، و: إذا أمکنه فعل هذا فلم يعد الملکوت بید الله بل أصبح بید الشیطان. همان ص ۷۶

۲. این روایات در اوائل کتاب ثبت و توضیح داده شد.

کسانی است که در زمان معصومین علیهم السلام بوده اند و چهره آنها را می شناختند پس معنای این همه احادیثی که ائمه علیهم السلام می گویند هر کس می خواهد پیامبر را در خواب ببیند فلان اعمال را انجام دهد چه می شود؟^۱ زیرا اصحاب ائمه علیهم السلام هیچکدام پیامبر را در بیداری ندیده بودند و چهره واقعی ایشان را نمی شناختند. و به عبارت دیگر: اگر این امکان وجود دارد که شیطان به شکل انسانی در خواب ظاهر شود و ادعا یا القاء کند فلان معصوم است، یا نفس انسان خیال دیدن معصوم را در رؤیا به تصویر بکشد و یا برداشت مردم از دیدن معصوم در خواب اشتباه پذیر باشد، چگونه ائمه علیهم السلام چنین اعمالی را برای رؤیت پیامبر صلی الله علیه و آله در خواب پیشنهاد می نمودند؟

در جواب باید گفت: از آنجا که اعتقاد به امامت احمد موضوعی است که می تواند سعادت یا شقاوت ابدی فرد را به دنبال داشته باشد، فقط زمانی می توانید به احادیث اعمال خواب استناد کنید که مضمون آنها متواتر یا لا اقل صدورشان از ائمه علیهم السلام قطعی باشد تا آن دنیا در پیشگاه خداوند معذور باشید. این در حالیست که - طبق تفحص نویسنده - درباره اعمال خواب دیدن معصومین علیهم السلام تنها ۱۰ حدیث منسوب به معصوم به دست ما رسیده - ۹ حدیث مربوط به خواب دیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله و یک حدیث مربوط به دیدن ائمه علیهم السلام - که عموم آنها بدون سند یا دارای سند غیر معتبر هستند، و دیگر اعمالی که در

۱. مطرح شده در مناظرات شفاهی.

بعضی کتاب‌ها ثبت شده، هیچیک مستند به معصوم نبوده و حدیث بودن آنها معلوم نیست، لذا ما از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. حال اگر فرض کنیم سند این احادیث معتبر بوده و برای ما قطع حاصل شود که اینها از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده، اما از آنجا که معصومین علیهم‌السلام خود تصریح کرده‌اند هر کس این کارها را بکند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در خواب می‌بیند ما اطمینان می‌کنیم کسی که بعد از انجام این اعمال در خواب دیده ایم پیامبر است یا اینکه خداوند در هنگام خواب علم به اینکه آن شخص پیامبر است را در ما ایجاد می‌کند اما این ربطی به مطلق خوابی که از پیامبر می‌بینیم ندارد.

بخش چهارم) تواتر معنوی حجیت خواب و حجیت خواب متواتر

عده‌ای چنین ادعا می‌کنند که حجیت اجمالی خواب، دارای تواتر معنوی در روایات است. مراد از تواتر معنوی یعنی اینکه از مجموع احادیث مختلف در موضوعات گوناگون معنای واحدی به دست آید. اما ادعای مذکور فاقد هر گونه دلیل می‌باشد و این گروه بین رؤیای صادقه با حجیت خواب خلط کرده‌اند و آنچه که دارای تواتر معنوی بلکه مورد اتفاق همه اقشار بشر است، پذیرش اجمالی رؤیای صادقه است بدین معنا که در بین خوابهایی که هر شب می‌لایند انسان می‌بیند بعضی از آنها صادقه است. ولی اینکه بعضی خوابها حجیت هستند به این معنا که شرعاً واجب است به محتوای آن پایبند شویم دارای تواتر معنوی نیست.

اما احمد و پیروان او تواتر دیگری را ادعا می‌کنند و آن تواتر خواب‌هایی است که پیروان او درباره حقانیت وی دیده‌اند^۱ و اصلاً یکی از معجزات احمد بصری را همین تکثر خواب‌ها می‌دانند و می‌گویند اولاً چنین چیزی درباره هیچ مدعی دیگر اتفاق نیفتاده و ثانیاً اگر این معجزه نیست شما هم مثلش بیاورید.^۲ لکن اولاً وقتی در جای خودش باطل بودن محتوای این خوابها به اثبات رسیده، کثرت تعداد این خواب‌ها - چه از سوی یک نفر و چه از سوی افراد متعدد - حجیت این خوابها و حقانیت احمد بصری را به اثبات نمی‌رساند. ثانیاً هر چند ما نتوانیم مانند معجزه احمد را تولید کنیم اما در گذشته ای نه چندان دور، مدعیان زیادی همانند معجزه او را ارائه کرده، دلیل حقانیت خود را خوابنما شدن افراد متعدد عنوان نموده‌اند، کسانی مانند احمد قادیانی و علی محمد باب، و همچنین در دوره ما فرقه اِکنکار که به شدت خوابگرا هستند و افراد زیادی به واسطه خواب بدان گرویده‌اند.^۳ لذا اگر مدعیان معجزه احمد، کمی آگاهی از فرقه‌های گوناگون داشتند می‌دانستند که معجزه احمد مشابه زیاد دارد و این معجزه، نخ نما شده است.

۱. فالرؤی (النص الإلهي) التي يمكن الاحتجاج بها هي الرؤى المتواترة التي يمتنع تواطؤ مدعي رؤيتها على الكذب. عقائد الإسلام ص ۶۹

۲. مطرح شده در مناظره شفاهی با بعضی یمانیها.

۳. اکنکار حکمت باستانی برای عصر حاضر ص ۲۶-۲۷

چند شبهه

شبهه اول: قبول ایمان با خواب

بعضی اشکال می‌کنند که اگر خواب حجت نیست چرا اهل بیت علیهم‌السلام ایمان کسی که با خواب به آنها اعتقاد پیدا کرده بود را می‌پذیرفتند و او را توبیخ نمی‌کردند که خواب حجت نیست و تو باید با دلیل و برهان دین را بپذیری؟^۱

در جواب می‌گوییم: در مورد زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کسی را نیافتیم که فقط با خواب ایمان آورده باشد^۲ و اگر بر فرض هم کسی بوده، از آنجا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جهت سرعت بخشیدن به گسترش اسلام، به ایمان ظاهری توسط گفتن شهادتین اکتفا می‌کردند کسی را که توسط خواب ایمان آورده را نیز می‌پذیرفته‌اند همچنانکه اسلام مشرکین مکه را که از ترس مجبور به پذیرش اسلام شدند نیز پذیرفتند و اسلام کسانی را که به تبعیت از رؤسای قبائل خود مسلمان شده بودند نیز قبول کردند. در نتیجه بر فرض که چنین پذیرشی از طرف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به ایمان بر اساس خواب رخ داده باشد امری مقطعی بوده و قابل استناد در دیگر عصرها نیست.

اما در زمان اهل بیت علیهم‌السلام کسانی یافت می‌شوند که توسط خواب دیدن ایشان ایمان آورده‌اند لکن اولاً تعداد این افراد بسیار اندک است - شاید کمتر از

۱. مطرح شده در مناظرات شفاهی.

۲. بله یک نفر به نام جندل یهودی هست اما او بعد از خواب خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسید و علم ایشان را آزمایش کرد و وقتی پاسخ‌های صحیح شنید ایمان آورد نه به صرف خواب. کفایة الأثر ص ۵۷

حجیت خواب ۱۴۹۱

انگشتان دو دست - و این نشان می دهد اهل بیت علیهم السلام به طور عمومی این راه را امضا نکرده اند و بعید نیست که خصوصیتی در آن افراد بوده که آنها را همان گونه پذیرفته اند.

ثانیاً تمام کسانی که در زمان معصومین علیهم السلام با خواب دیدن ایمان آورده اند بعداً به حضور آن معصوم رسیده و صدق خواب برای شان آشکار شده است و حتی بعضی از آنها با اینکه خواب دیده بودند آن را ملاک قرار نداده و خودشان خدمت معصوم شرفیاب شده و ادله و براهین را شنیده اند و بعد ایمان آورده اند مانند جاثلیق زمان امیر المومنین علیه السلام.^۱

ثالثاً ما در میان همان افراد کم هم نیافتیم کسی تنها به صرف خواب ایمان آورده باشد بلکه با تکیه بر آیات و نشانه های دیگر و ضمیمه کردن محتوای خواب به آنها، پی به صدق محتوای خوابش برده است.

شبهه دوم: سیره متشرعه

آنچه ما تا کنون درباره آن سخن می گفتیم، مساله خواب دیدن معصومین علیهم السلام در روایات بود که نتوانست چیزی را ثابت کند. اما وقتی به سیره متشرعه و علماء شیعه در قرن های مختلف نگاه می کنیم، می بینیم آنها به خواب هایی که از معصومین علیهم السلام می دیده اند اعتماد و استناد کرده، و می پذیرفته اند کسی که در خواب دیده اند خود معصوم بوده است و دلیل آن را نیز علم

۱. الأمالی (للطوسی) ص ۲۲۰-۲۲۱

حضور یا الهام می دانسته اند. خوب اگر به راستی شیطان می تواند در خواب ادعا یا القاء کند فلان معصوم است، و اگر این شبهه درست باشد که چون ما صورت معصوم را ندیده ایم از کجا تشخیص دهیم معصوم را در خواب دیده ایم، پس چگونه این سیره توسط مشرعه و علماء بزرگ استوار گشته است؟

این شبهه دو جواب دارد: جوابی برای پیروان احمد (جواب نقضی) و جوابی برای شیعیان (جواب حَلّی)؛ جواب نقضی اینست که احمد بصری دوره غیبت کبری را دوران فترت می داند که همه در گمراهی به سر می برده اند^۱ لذا او و پیروانش نمی توانند به عملکرد مشرعه و علماء شیعه استناد نمایند. و اما جواب حَلّی اینست که علم افراد مورد بحث - که قائل به علم حضوری یا الهام درباره خواب خود بوده اند - دو گونه بوده است:

الف) یا آنها در چنان مرحله ای از ایمان و تقوا قرار داشته اند که سراسر زندگیشان مورد توجه خاص اهل بیت علیهم السلام بوده و احتمال الهام شیطانی در مورد ایشان بسیار ضعیف بوده است. مثل شیخ صدوق که برای نوشتن کتاب «کمال الدین» به رؤیای خود از امام زمان علیه السلام استناد می کند^۲، اما شیخ صدوق کیست؟ کسی که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است و او را دانشمند

۱. عقائد الإسلام ص ۵۷-۵۹

۲. «... إِذْ غَلَبَنِي النَّوْمُ... فَأَرَى مَوْلَانَا الْقَائِمَ صَاحِبَ الزَّمَانِ ص... ثُمَّ قَالَ لِي لِمَ لَا تُصَنِّفُ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ حَتَّى تُكْفَى مَا قَدْ هَمَّكَ... أَمُرُّكَ أَنْ تُصَنِّفَ وَلَكِنْ صَنَّفَ الْآنَ كِتَابًا فِي الْغَيْبَةِ وَادَّكَّرَ فِيهِ غَيْبَاتِ الْأَنْبِيَاءِ ع». کمال الدین و تمام النعمة ج ۱ ص ۳

حجیت خواب ۱۵۱۱

نیکوی با برکت و منفعت خطاب کرده اند: «فقیه خیر مبارک ینفع الله به»^۱. مثل علامه مجلسی و پدر ایشان، اما آن دو کیستند؟ کسانی که در اوج قله زهد و عبادت و اطاعت به سر می بردند، چهله اندر چهله می گرفتند و به نفس خویش بیشترین ریاضت ها را می دادند تا جایی که ابواب آسمان بر ایشان گشوده شده بود و نفحات رحمانی را به چشم می دیدند و کلمات روحانی را به گوش می شنیدند^۲. و نیز دیگرانی چون: فیض کاشانی، کاشف الغطاء و امثال این بزرگان علم و عمل که به خواب خود از معصوم اعتماد می کردند، اما چه کسی است که از بلندای زهد و اخلاص آنها ناآگاه باشد؟ در نتیجه قیاس عملکرد چنین بزرگانی با عوام مردم که معمولاً نسبت به رعایت حدود الهی سهل انگارند و از نظر زهد و اخلاص و ایمان فرسنگها فاصله دارند قیاس باطلی می باشد.

شبهه سوم: تنها راه ارتباطی اهل بیت علیهم السلام

عده ای در راستای شبهه قبلی چنین عنوان می کنند که با بررسی تاریخ شیعه در غیبت کبری، نسبت به این مطلب اطمینان حاصل می کنیم که معصومین علیهم السلام گاهی پیامی یا سخنی یا کاری با مومنی داشته اند که تنها راه ارتباطی ایشان برای عموم همان خواب بوده است. چه شعرای زیادی که در مورد

۱. الفوائد الرجالية (للسید بحر العلوم) ج ۳ ص ۲۹۳

۲. پدر علامه مجلسی بارها در کتاب روضة المتقین از حالات خود پرده برداشته است مثل خود علامه در بحار الأنوار.

چه سرودن یا چگونه سرودن یا در مورد کدام معصوم سرودن توسط خواب راهنمایی شده اند، چه افراد زیادی که برای شفاء بیمار خود یا بیماری خود دخیل معصومی شده اند و هنگام شفاء یک لحظه آنها را خواب ربوده و آن معصوم را دیده و شفا گرفته اند، چه بسیار حاجت مندانی که برای گرفتن حاجت خویش یا رفع مشکلاتشان به معصومی متوسل گشته و آن معصوم در خواب جواب ایشان را داده است، و چه بسیار که شخص معصوم برای مومنی پیامی در خواب فرستاده یا کاری به عهده وی گذاشته است. این در حالیست که در هیچیک از این موارد کسی اشکال نکرده که از کجا فهمیده اند فلان معصوم بوده؟ و: آنها که چهره معصوم را نمی شناسند؟!

اما پاسخ این سوال نیز در جواب شبهه قبل داده شد که تشخیص آنها اولاً علم حضوری بوده نه حدس و گمان و استدلال و ثانیاً با توجه به قرائن اطمینان آور مبنی بر خواب دیدن معصوم بوده است مثل کسی که شفاء گرفته یا از چیزی خبر داده شده که احدی از آن اطلاع نداشته و از همه مهتر اینکه خوابشان مخالف با دین و مذهب نبوده است.

بخش پنجم) حجیت رؤیا در خصوص شناخت قائم (صیحه آسمانی، و اجتماع ربانی)

جریان یمانی در کنار ادعای حجیت خواب نسبت به شناخت حجت های خدا، دو روایت در خصوص شناخت قائم موعود را تاویل به خواب برده اند. این

دو روایت از این قرار است:

الف) پس از اینکه ابو مسلم با پرچم های سیاه از خراسان قیام کرد دو نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام خدمت ایشان رسیده، نظر ایشان را نسبت به همراهی شیعه با این قیام جو یا شدند. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: در خانه های تان بنشینید و هرگاه دیدید ما بر مردی اجتماع کردیم آن وقت با سلاح به سمت ما بیایید.^۱

یاران احمد می گویند: اجتماع اهل بیت بر یک نفر در بیداری که ممکن نیست و در روایات هم مطرح نشده است در نتیجه منظور تایید آنها در عالم رؤیاست که این برای احمد الحسن رخ داده است.^۲

ب) امام صادق علیه السلام فرمودند: دو صبحه اتفاق می افتد: اولی از آسمان واقع می شود و دومی از ابلیس. راوی پرسید: چگونه این دو از هم تشخیص داده می شوند؟ امام فرمودند: هر کس قبل از اینکه صبحه اول واقع شود آن را شنیده باشد می شناسدش.^۳

۱. «دَخَلْتُ أَنَا وَابْنُ عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ بِخُرَاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَانْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ». الغيبة للنعماني ص ۱۹۷ ح ۶

۲. مطرح شده در مناظرات شفاهی.

۳. «هُمَا صَبْحَتَانِ صَبْحَةٌ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَصَبْحَةٌ فِي آخِرِ اللَّيْلِ الثَّانِيَةِ قَالَ فَقُلْتُ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ فَقَالَ وَاحِدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَوَاحِدَةٌ مِنْ إِبْلِيسَ فَقُلْتُ وَكَيْفَ تُعْرِفُ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ فَقَالَ يَعْرِفُهَا مَنْ كَانَ ←

پیروان احمد بصری می‌گویند: اولاً صیحه آسمانی توسط جبرئیل داده می‌شود پس صوتی ملکوتی است که در عالم دنیا شنیده نمی‌شود بلکه در عالم ملکوت قابل ادراک است که همان عالم رؤیاست. از طرفی روایت می‌گوید کسی صیحه حق را تشخیص می‌دهد که قبلاً آن را شنیده باشد، خوب این یعنی چه؟ یعنی قبلاً در عالم رؤیا خواب دیده باشد که چه کسی بر حق است.^۱

پاسخ روایت اول:

اولاً مگر شما نمی‌گویید اهل بیت گفتند ما را می‌بینید که دور یک نفر جمع شدیم؟ پس چگونه خواب دیدن یک یا چند معصوم را بر جمع شدن همه اهل بیت علیهم‌السلام گرد مدعی یمانی تطبیق می‌دهید؟ در نتیجه حقانیت احمد بصری تنها وقتی ثابت می‌شود که همه اهل بیت یعنی چهارده معصوم در یک خواب بیایند و بگویند این احمد بصری بر حق است؟ حال کدامیک از شماها چنین خوابی دیده‌اید؟ بر فرض شما دیده‌اید اما خطاب روایت به همه شیعیان است در حالیکه صدها میلیون شیعه دیگر چنین خوابی ندیده‌اند و قبلاً توضیح دادیم خواب کسی برای دیگری حجت نیست.

ثانیاً حدیث می‌گوید وقتی دیدید ما گرد یک نفر جمع شدیم با سلاح به سمت ما بشتابید و این یعنی قیام رخ داده؛ پس اجتماع نشانه خروج است نه

→ سَمِعَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ». الغيبة للنعماني ص ۲۶۵-۲۶۶ ح ۳۱

۱. مطرح شده در مناظرات حضوری.

ظهور. در نتیجه بر فرض که مراد از اجتماع، تایید در خواب باشد این خوابها باید به هنگام خروج رخ دهد نه ظهور.

ثالثاً روایت نمی‌گوید وقتی دیدید ما گرد کسی جمع شده ایم به سمت او بروید بلکه می‌گوید به سمت خود ما که جمع شده ایم بیایید: «فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّالِحِ».

و این کاملاً می‌رساند که منظور امام علیه السلام بیان معیاری برای تشخیص عدم حقانیت قیام‌هایی بوده که در زمان ایشان و ائمه بعدی رخ می‌داده و مقصودشان از کلمه «ما» خودشان و هر امام حاضر می‌باشد نه همه اهل بیت علیهم السلام. توضیح آنکه: آن دو راوی درباره همراهی کردن با قیام ابو مسلم خراسانی پرسش کردند و امام علیه السلام عدم همراهی خود را دلیل بطلان آن قیام معرفی کرده و می‌گویند ما ابو مسلم را تایید نکردیم پس بنشینید تا وقتی که ما کسی را تایید کنیم بعد با سلاح بیایید. و همین را معیاری برای تکلیف شیعیان در برابر قیام‌های دیگری که در زمان ائمه علیهم السلام رخ می‌دهد قرار دادند که وقتی ما کسی را تایید نکردیم قیام او باطل می‌باشد هر چند مانند "زید" و "محمد بن عبد الله" و "محمد بن جعفر" از خاندان اهل بیت باشد.

با این توضیح کاملاً مشخص است که حضرت این کلام را برای اظهار بطلان قیام ابو مسلم و نسبت به آن دوران بیان کرده اند نه برای شناخت قائم آل محمد آن هم توسط خواب. و توجه به قید حضور با سلاح و نیز اینکه می‌گویند

پیش ما بیایید نه پیش آن مردی که ما بر او اجتماع کرده ایم به خوبی این برداشت را اثبات می‌کند.

حال اگر کسی این را نپذیرد و بگوید در حدیث دیگری تصریح به اجتماع بنی فاطمه شده. می‌گوییم چه بهتر، چون در آن روایت به زمان این اجتماع و علامت آن تصریح گشته است. اما درباره زمانش می‌فرمایند: صاحب شما نیست الا کسی که بنو فاطمه بر او اجتماع کنند زمانیکه رجب شد با نام خدا رو بیاورید و اگر دوست داشتید این آمدن را تا شعبان به تاخیر بیندازید و اگر دوست داشتید روزه هم بگیرید شاید موجب تقویت شما شود. بعد درباره علامت فرمودند: و سفیانی به عنوان علامت برای شما کافی است.^۱

خوب این حدیث چه می‌گوید؟ ماه رجب چه خصوصیتی دارد؟ چگونه رفتن به سمت اهل بیت را تا بعد از روزه (شعبان یا رمضان) به تاخیر بیندازیم و دوسه ماه به سمت ایشان نرویم و چرا به محض دیدن اجتماع بنو فاطمه نرویم؟ از طرفی سفیانی چه ارتباطی با این اجتماع دارد؟ و اصلاً سفیانی علامت چیست؟ اینها نکات دقیقی است که اگر توجه می‌شد این شبهات بر طرف می‌گشت.

۱. «... إِذَا كَانَتِ الرَّايَاتُ وَالْأَلْوِيَةُ أَجْدَرُ أَنْ لَا يَسْمَعَ مِنَّا إِلَّا مَعَ مَنْ اجْتَمَعَتْ بَنُو فَاطِمَةَ مَعَهُ فَوَاللَّهِ مَا صَاحِبُكُمْ إِلَّا مَنْ اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ إِذَا كَانَ رَجَبٌ فَأَقْبِلُوا عَلَى اسْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَتَأَخَّرُوا إِلَى شَعْبَانَ فَلَا ضَيْرَ وَ إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ تَصُومُوا فِي أَهَالِيكُمْ فَلَعَلَّ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى لَكُمْ وَ كَفَأَكُمْ بِالسَّفِيَانِيِّ عَلامَةً». الكافي ج ۸ ص ۲۶۴ ح ۳۸۱

توضیح آنکه: سفیانی از علائم حتمی ظهور است که در منطقه شام خروج می‌کند و پس از جنگی شش ماهه بر کشورهای منطقه شام مسلط شده شروع به حکومت می‌کند و حکومت او نه ماه طول می‌کشد.^۱ در این میان در ماه رجب سه صبیحه با خصوصیتی ندا داده می‌شود.^۲ در این زمان هنوز قائم آل محمد ظهور نکرده است برای همین امام می‌فرمایند: می‌خواهید با نام خدا بیایید و اگر نمی‌خواهید تا روزه تاخیر بیندازید. اما کجا بیایید؟ مکه؛ زیرا آنجا محل ظهور و خروج قائم آل محمد است. وقتی رمضان شد و مردم مشغول روزه بودند در شب بیست و سوم صبیحه ظهور داده می‌شود که طبق تصریح روایات متعدد همه اهل زمین آن را می‌شنوند.^۳

با این توضیح روشن که اجتماع بنو فاطمه زمان و علامت خاص دارد و

۱. «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُحْتَوَمِ وَخُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُوزَ الْخَمْسَ مَلِكٌ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَلَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا». الغيبة للنعماني ص ۳۰۰

ح^۱

۲. «كَأَنِّي بِهِ (بِهِمْ) آيَسٌ مَا كَانُوا قَدْ نُوذُوا نَدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بِالْبُعْدِ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ بِالْقُرْبِ ... ثَلَاثَةُ أَصْوَاتٍ فِي رَجَبٍ أَوَّلُهَا أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ الثَّانِي أَرْفَتِ الْأَرْفَةُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الثَّالِثُ يَرَوْنَ يَدًا بَارِزًا مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ يُنَادِي أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا عَلَى هَٰلِكَ الظَّالِمِينَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرَجُ وَ يَسْفِي اللَّهُ صُدُورَهُمْ وَ يُذْهِبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ». همان ص ۱۸۱ ح ۲۸

۳. «يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ ... فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرِئِيلَ وَ عَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَ الْعَذْرَاءُ فِي خَدْرِهَا فَتَحَرَّضُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ». همان ص ۲۵۴ ح ۱۳، و: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ حَتَّى تَسْمَعَ الْفَتَاةُ فِي خَدْرِهَا». همان ص ۲۵۷ ح ۱۴

بدون آن زمان و علامت - که سفیانی باشد - اجتماعی رخ نمی‌دهد. اما منظور از اجتماع مذکور چیست و آیا می‌شود چون معنایش را نمی‌فهمیم آن را تاویل به تائید در عالم رؤیا ببریم؟

خیر چون در ضمن مباحث گذشته کاملاً مشخص شد که خواب شأنیت حجیت و شناخت حجت خدا و راه حق از باطل را ندارد و در هیچ روایتی چنین چیزی مطرح یا تائید نشده است و در سیره اهل بیت علیهم‌السلام هم وجود نداشته است. در نتیجه اگر نگوییم منظور این حدیث به مانند روایت قبل، قیام‌های زمان ائمه علیهم‌السلام بوده و مراد از بنو فاطمه تک تک ائمه علیهم‌السلام است نه همه آنها - زیرا این روایت نیز در بیان علت بطلان قیام زید صادر شده است -، می‌توان اجتماع اهل بیت علیهم‌السلام را کنایه از تائید ایشان نسبت به شخص قائم بدانیم که ربطی به موضوع خواب ندارد.

پاسخ روایت دوم: اولاً اینکه چون جبرئیل ملک است پس ندایش هم ملکوتی است و فقط در عالم ملکوت شنیده می‌شود که همان رؤیاست، استدلال باطلی است. زیرا هر چند جبرئیل ملک است اما قابلیت تمثل به صورت مادی را دارد همچنانکه در قصه ابراهیم و لوط و مریم علیهم‌السلام طبق تصریح قرآن، وقتی نزد ایشان رفت به صورت انسانی رفت که قابل رؤیت بود همانگونه که بارها به صورت دُحیه کلبی خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌رفت و مردم او را دیده و صدایش را می‌شنیدند. پس جبرئیل این قابلیت را دارد که در عالم مادی ندایی مادی از جانب آسمان بدهد، ثانیاً طبق تصریح روایات متعدد، صیحه او را همه

اهل زمین می شنوند همچنانکه در همان روایت برای این صیحه زمان و حتی مکان خاصی مشخص شده که به هیچ وجه بر رؤیاهای پیروان یمانی تطبیق نمی کند.

و اما مراد آن حدیث نیز در روایات دیگر تفسیر شده است. بدین توضیح که: در مورد ظهور یا خروج حضرت مهدی علیه السلام دو صیحه رخ خواهد داد یکی از جانب جبرئیل در اثبات حقانیت ایشان است و دیگری از جانب ابلیس که در ادعای حقانیت سفیانی یا مکتب خلفا داده می شود و در حالیکه همه به محتوای ندای اول ایمان آورده اند این ندای دوم برای اهل سنت ایجاد شک و تردید می کند که کدام صیحه بر حق است^۱. حال راه تشخیص صیحه حق چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ به این سوال می فرمایند: کسی که قبلاً شنیده باشد که دو صیحه رخ خواهد که اولی بر حق و دومی باطل است دچار شک نشده و صیحه حق را تشخیص می دهد. احادیثی که در این زمینه وارد شده اینقدر گویاست که نیازی به توضیح بیشتر نیست و ترجمه چند حدیث کفایت می کند.

حدیث اول) راوی پرسید مردم به ما اشکال می کنند که اگر دو صیحه است چگونه صاحب حق از باطل شناخته می شود؟ امام فرمودند: کسی که قبل از رخ

۱. «... سَيَكُونُ صَوْتُ مِنَ السَّمَاءِ ... فَيُؤْمِنُ أَهْلُ الْأَرْضِ جَمِيعاً لِلصَّوْتِ الْأَوَّلِ فَإِذَا كَانَ مِنَ الْغَدِ صَعِدَ إِبْلِيسُ اللَّعِينُ حَتَّى يَتَوَازَى مِنَ الْأَرْضِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ ثُمَّ يُنَادِي أَلَا إِنَّ عُثْمَانَ قُتِلَ مَظْلُوماً فَاطْلُبُوا بِدَمِهِ فَيَرْجِعُ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سُوءاً...». همان ص ۲۶۱-۲۶۲ ح ۲۰

دادن صیحه به صیحه اعتقاد داشته باشد صیحه حق را تصدیق می‌کند.^۱

حدیث دوم) امام صادق علیه السلام فرمودند: منادی از آسمان ندا می‌دهد که امیر شما فلانی است و نیز ندا می‌دهد که علی و شیعه او رستگارانند. راوی پرسید: پس در این صورت چه کسی با مهدی خواهد جنگید (وقتی همه این ندا را شنیده اند)؟ امام فرمودند: زیرا شیطان نیز ندا می‌دهد فلان اموی و شیعیانش رستگارانند. راوی پرسید: خوب چه کسی راستگو را از دروغگو تشخیص می‌دهد؟ فرمودند: کسانی که احادیث ما را روایت می‌کرده اند و قبل از اینکه صیحه بیاید بدان قائل بوده اند و می‌دانند.^۲

با این روایات کاملاً مشخص است که مراد حدیث مورد بحث از فقره: «يَعْرِفُهَا مَنْ كَانَ سَمِعَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ»، شنیدن صیحه در عالم رؤیا نیست بلکه شنیدن احادیثی است که از دو تا بودن صیحه و حق بودن اولین صیحه سخن گفته‌اند.

"و السلام على من اتبع الهدى و الحمد لله رب العالمين"

۱. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ النَّاسَ يُبْخُونَنَا وَيَقُولُونَ مِنْ أَيْنَ يُعْرِفُ الْمُجِئُ مِنَ الْمُبْطِلِ إِذَا كَانَتْهَا فَقَالَ مَا تَرُدُّونَ عَلَيْهِمْ قُلْتُ فَمَا تَرُدُّ عَلَيْهِمْ شَيْئاً قَالَ فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ يُصَدِّقُ بِهَا إِذَا كَانَتْ مِنْ كَانَ مُؤْمِناً يُؤْمِنُ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَكُونَ». همان ص ۲۶۵ ح ۳۲
۲. «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فُلَاناً هُوَ الْأَمِيرُ وَيُنَادِي مُنَادٍ إِنَّ عَلِيّاً وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ قُلْتُ فَمَنْ يَقَاتِلُ الْمُهَدِّيَّ بَعْدَ هَذَا فَقَالَ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنَادِي إِنَّ فُلَاناً وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي أُمَيَّةٍ قُلْتُ فَمَنْ يَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْكَاذِبِ قَالَ يَعْرِفُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَرَوُونَ حَدِيثَنَا وَيَقُولُونَ إِنَّهُ يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُجِئُونَ الصَّادِقُونَ». همان ص ۲۶۴ ح ۲۸

حجیت خواب ۱۶۶۱